
اشارات
۲۴

بسم الله الرحمن الرحیم

فصلنامه اشارات - شماره ۲۴ ویژه نامه «اربعین ۱۴۲۹ق»

نویسنده:

اداره کل پژوهش های اسلامی رسانه

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فصلنامه اشارات – شماره ۲۴ ویژه نامه «اربعین ۱۴۲۹ق»

مشخصات کتاب

فصلنامه اشارات – شماره ۲۴ – ویژه نامه «اربعین ۱۴۲۹ق» – پاییز ۱۲۹۶– ۱۶۵ ش

صاحب امتیاز: اداره کل پژوهش های اسلامی رسانه

مدیر مسئول: دکتر محمدحسین ظریفیان یگانه

جانشین مدیر مسئول: حامد حجتی

سردبیر: عباس غلامی

با سپاس از: سرکار خانم مریم سقلاطونی

بها: ۷۵۰۰۰ ریال

نشانی: قم، بلوارامین، اداره کل پژوهش های اسلامی ص پ: ۲۱۲۲–۲۷۱۸۵

تلفن ۳۲۹۱۵۸۵۱۱–۰۲۵ نمابر: ۳۲۹۱۵۵۱۰–۰۲۵

ص: ۱

اشاره



ص: ۲



فهرست مطالب

یادداشت مدیر مسئول

تحلیل جهانی شدن مناسک زیارت مخصوصه اربعین پدیده‌ای نیست که با قواعد مادی و مرسوم علمی ممکن باشد. گستره و عمق این پدیده شگرف را تنها می‌شود در بستر آخرالزمانی فهم کرد. بر اساس نصوص متعدد، وجود مبارک حضرت امام مهدی ارواحنافداه خود را به فرزندیِ حضرت امام حسین علیه السلام معرفی خواهند فرمود و جهانی شدن «اربعین» مقدمه ای بر فهم و معرفت جهانی سیدالشهداء علیه السلام و حماسه عاشورا برای شناخت منجی عالم[است. به طور کلی برای فهم و تعمیق عموم مناسک از جمله مناسک «اربعین» سه الزام اساسی وجود دارد:

اول: کشف دالّ مرکزی هریک از مناسک که محور اساسی همه برنامه ها و فعالیت‌ها و نقطه ای مهم و حسّاس است. در مناسک اربعین حسینی مفهوم «زیارت» نقطه کانونی است. «زیارت» مفهومی تعالی‌بخش است که توانسته پاسدار اعتقادات و ارزش‌ها در طول تاریخ تشیّع باشد و کشش بهت‌انگیز آن، جذبه ولایت را شهودی تر ساخته است. نصوص مقدّس و سیره بزرگان دین درباره «زیارت»، گویای ابعاد سازنده فردی و اجتماعی این مفهوم است؛ هرچند کمتر برای مخاطبان واکاوی و تبیین شده است. بیان آثار عمیق زیارت خاصّه ایجاد انقلاب درونی، تحول زایی و امید بخشی به حوزه فردی محدود نمی‌شود و شامل «زیارت جمعی» نیز می شود. چنانچه محوریت «زیارت» در فرآیند فهم و تعمیق مناسک اربعین نادیده گرفته شود این پدیده از هویت خود تهی می شود و این حرکت ممتاز دچار انحرافاتی عمیق خواهد شد.

دوم: فرآیند فهم و تعمیق مناسک دینی زمانی به درستی تکمیل می‌شود که مناسک، «مردمی» باشد و اجزای آن با جان و اراده توده مردم پیوند خورده باشد و حکومت‌ها و دولت‌ها فقط نقش راهبردی، تشویق گر و تسهیل کننده داشته باشند. تجربه تلخ مداخله غیر کارشناسانه دستگاه های فرهنگی و غیرفرهنگی در جشن های نیمه‌شعبان که تا یک دهه پیش کاملاً خودجوش، پر رونق و خلّاق اداره می‌شد نمونه ای عبرت انگیز است. «اربعین» نیز

در معرض چنین مخاطره ای است. صحیح است که حکومت اسلامی مکلف به «تعظیم شعائرالله» است ولی باید بسترساز فعالیت های خودجوش مردمی خاصه جوانان مؤمن و پرنشاط باشد نه آنکه آنچنان همه ساحت‌های مناسک را تصدی گری کند که هم انگیزه های عمومی را کمرنگ سازد و هم حرکت‌های «آتش به اختیار» را تضعیف و سرکوب. باید میدان تحرک و مدیریت را به مردم سپرد آنگاه خواهیم دید که خلاقیت و توانمندی مردمی شاهکارهایی خلق خواهند کرد که برنامه ریزی های پر طمطراق و هزینه کرد منابع کلان از بیت‌المال در مقابل آن به چشم نخواهد آمد.

سوم: آداب و رسوم رایج در فرآیند فهم و تعمیق مناسک دینی نقش مهمی دارند. میزبانان مخلص و بی‌پیرایه اربعین در کشور عراق بر اساس سنت چند صد ساله، با آداب و رسومی خاص رفتار می کنند که حکایت از عمق عشق و زلال صفای ایشان دارد. شیدایی این دلدادگان در پذیرایی از زائران سیدالشهداء علیه السلام زائران را آنچنان مبهوت می سازد که توصیف آن در بضاعت قلم و قاب دوربین نمی گنجد. در مسیرهای متعدد پیاده روی اربعین هر که با هر چه دارد خود را به زائران رسانده است. در مسیر خادمی فرقی میان غنی و فقیر، رئیس عشیره و غیر او، مرد و زن، جوان و پیر، صاحب منصب و شهروند عادی وجود ندارد. از متولی موکبی قدیمی که اجدادش، ودیعت به او سپرده اند تا خادمان گمنام مواکب همه آمده‌اند تا در خدمت زائران امام شهیدان رضایت حضرتش را کسب کنند. برای آنان فرقی میان زائر عرب و عجم، آسیایی و اروپایی و امریکایی و افریقایی، شیعه و غیر شیعه، مسلمان و غیر مسلمان و هر مرزبندی بی اعتباری در کسوت دلدادگی به ولایت قابل تصور نیست؛ چرا که موکب متعلق به ارباب و مأمن همه زائران اوست. در این میان برپایی موکب های اختصاصی برای ایرانیان و یا قومیت‌ها، اقشار و استان‌های مختلف ایران و نپذیرفتن زائران ایرانی بدعتی خطرناک است و زمینه نقار و اختلاف را فراهم می آورد. اگر آداب و رسوم ریشه دار میزبانان عراقی را پاس نداریم، هزینه‌کرد چند میلیاردی، حداکثر ما را دلخوش به مستحباتی خواهد کرد که برخی واجبات، ضروریات و مصالح امت اسلامی و جامعه شیعی و اجتماع میلیونی زائران اربعین را بر زمین خواهد نهاد.

به هر روی پدیده «اربعین» هر سال جهانی تر خواهد شد و سیاست‌گذاری جهان شمول، عالمانه و هوشمندانه می طلبد که وظیفه اجتناب ناپذیر و فوری کارگزاران آن است و تردیدی نیست که مدیریت مردمی به مانند تجربه های موفق گذشته موفقیت آمیز و وحدت بخش خواهد بود.

ص: ۶

سخن سردبیر

یکی از سفارش های اهل بیت: به شیعیان، زیارت اربعین امام حسین علیه السلام است. بی شک، این سفارش مهم در راستای پاسداشت و تعظیم قیام عاشورای حسینی است.

محمدبن مسلم از امام باقر علیه السلام روایت کرده است: اگر مردم می دانستند، زیارت امام حسین علیه السلام چقدر فضیلت و ثواب دارد، به درستی از شوق می مر دند و نفس هایشان از روی حسرت بند می آمد. گفتم: چقدر فضیلت دارد؟ حضرت فرمود: هرکس امام حسین علیه السلام را زیارت کند از روی اشتیاقی که به او دارد، خدا برایش هزار حج مقبول و هزار عمره مبرور و اجر هزار شهید از شهدای بدر و اجر هزار روزه دار و ثواب هزار صدقه قبول شده و ثواب هزار بنده آزادکردن که مراد از آن رضای خدا باشد، می نویسد. (عاملی، ج۱۴: ص۴۵۳)

برگزاری مراسم اربعین حسینی با حضور میلیون ها ارادتمند و عاشق در بیستم صفر، نمایشی از اقتدار شیعه و نمادی از آمادگی منتظران در آستانه ظهور امام عصر[است. این گردهمایی شکوهمند، پدیده ای کلان فرهنگی در مقیاس جهان اسلام و بلکه دنیای امروز است. این مراسم نه تنها یک راهپیمایی، بلکه همایش بزرگ انسانی، اخلاقی، سیاسی و فرهنگی است. پیاده روی اربعین را باید از زوایای گوناگون دید. شاید ساده ترین قرائت آن، وحدت روح های شیفته ای است که مرزهای جغرافیایی را درنوردیده اند و برای لبیک گویی به سیدالشهدا از خانه و شهر و وطنشان بیرون زده اند. مراسم اربعین، نه تنها یک راهپیمایی بزرگ، بلکه نشان عظمت اسلام و رمز جاودانگی حماسه عاشوراست.

در این میان، رسانه ملی با تولید و پخش برنامه های مختلف، نقش ارزنده ای در بازتاب این حرکت شکوهمند دارد. در همین راستا، اداره کل پژوهش های اسلامی رسانه، همانند سال های پیش بر خود فرض دانست تا با آماده سازی و تدوین مجموعه ای ادبی یاری رسان رسانه ملی باشد.

ص: ۷



اربعین؛ در آیینه اصول، سیاست ها و رابردهای رسانه ای

اربعین؛ در آیینه اصول، سیاست ها و راهبردهای رسانه ای(۱)

الف) اصول و سیاست ها

برای بررسی موضوع اربعین ضرورت دارد چارچوب هایی بر فعالیت های رسانه ای حاکم باشد تا با سرعت و دقت بیشتر و با آسیب های کمتری به اهدافمان دست یابیم. از طرفی ماندگاری پیام های رسانه به حداکثر ممکن برسد و ضریب نفوذ آن افزایش یابد.

اصول و سیاست‌ها	توضیحات
ایجاد آرایش رسانه‌ای و هماهنگی محتوایی	اگر آرایش رسانه‌ای را «طراحی و استقرار بهترین ترکیب جبهه رسانه‌ای و چیدمان مناسب منابع در رسانه‌ها [را] برای دستیابی حداکثری به اهداف و مأموریت‌ها» بدانیم (علی‌عسکری و دیگران، ۱۳۹۴، ص ۳۲) باید بپذیریم برای دستیابی به اهداف کلان در حرکت‌های جمعی به‌ویژه در ابعاد بین‌المللی به آرایش رسانه‌ای دقیق و برنامه‌ریزی‌شده نیازمندیم؛ آرایشی که بتواند با تکیه بر اهداف واحد و هم‌افزایی پیام، جریان‌سازی رسانه‌ای را ایجاد کند و به آن وسعت و عمق بخشد.
تناسب محتوا، قالب و مخاطب	همچنین باید این قاعده درباره موضوع اربعین در رسانه‌ها کانون توجه قرار گیرد تا اثرگذاری پیام بر دانش، نگرش و رفتار مخاطبان به حداکثر ممکن برسد. ازاین‌رو، تفکر و تأمل مدیران حوزه تولید پیام دراین‌باره باید جدی و مستمر باشد. این‌که مفهوم مورد نظر در پیام چیست؟ آیا قالب مورد نظر برای انتقال پیام، تناسب و همخوانی لازم را دارد؟ یا اینکه آیا اساساً دو سوال طرح شده، با مخاطب برنامه و پیام متناسبت است؟ و دهها سؤال دیگر درباره این مهم، باید دغدغه اصحاب رسانه‌ها باشد.
تأکید بر برنامه‌ریزی و	برنامه‌ریزی در دو سطح تصور کردنی است: ۱. برنامه‌ریزی کلان فراملی یا فرانهادی که باید در بالاترین سطح

اصول و سیاست ها

توضیحات

ایجاد آرایش رسانه ای و هماهنگی محتوایی

اگر آرایش رسانه ای را «طراحی و استقرار بهترین ترکیب جبهه رسانه ای و چیدمان مناسب منابع در رسانه ها [را] برای دستیابی حداکثری به اهداف و مأموریت ها» بدانیم (علی‌عسکری و دیگران، ۱۳۹۴، ص ۳۲) باید بپذیریم برای دستیابی به اهداف کلان در حرکت های جمعی به ویژه در ابعاد بین المللی به آرایش رسانه ای دقیق و برنامه ریزی شده نیازمندیم؛ آرایشی که بتواند با تکیه بر اهداف واحد و هم افزایی پیام، جریان سازی رسانه ای را ایجاد کند و به آن وسعت و عمق بخشد.

تناسب محتوا، قالب و مخاطب

همچنین باید این قاعده درباره موضوع اربعین در رسانه ها کانون توجه قرار گیرد تا اثرگذاری پیام بر دانش، نگرش و رفتار

مخاطبان به حداکثر ممکن برسد. ازاین رو، تفکر و تأمل مدیران حوزه تولید پیام دراین باره باید جدی و مستمر باشد. این که مفهوم مورد نظر در پیام چیست؟ آیا قالب مورد نظر برای انتقال پیام، تناسب و همخوانی لازم را دارد؟ یا اینکه آیا اساساً دو سوال طرح شده، با مخاطب برنامه و پیام متناسبت است؟ و ده ها سؤال دیگر درباره این مهم، باید دغدغه اصحاب رسانه ها باشد.

تأکید بر برنامه ریزی و طراحی دقیق و همه جانبه

برنامه ریزی در دو سطح تصور کردنی است:

۱. برنامه ریزی کلان فراملی یا فرانهادی که باید در بالاترین سطح دستگاه های متولی این موضوع انجام شود. در این صورت رسانه ها نیز به عنوان ابزای فرهنگی و تبلیغی باید برنامه ها، سیاست ها و راهبردهای تعیین شده در این سطح از برنامه ریزی کلان را پیش ببرند.

۲. باید سازمان رسانه ای به تناسب مأموریت و دغدغه های خود درباره برگزاری هرچه بهتر اربعین باید برنامه ریزی و طراحی کنند.

ص: ۸

۱- * برداشتی از کتاب سیاست های رسانه ای پوشش مراسم اربعین، کمیته فرهنگی آموزشی ستاد اربعین

اصول و سیاست‌ها	توضیحات
طراحی دقیق و همه‌جانبه	دستگاه‌های متولی این موضوع انجام شود. در این صورت رسانه‌ها نیز به عنوان ابزای فرهنگی و تبلیغی باید برنامه ها، سیاست ها و راهبردهای تعیین شده در این سطح از برنامه‌ریزی کلان را پیش ببرند. ۲. باید سازمان رسانه‌ای به‌تناسب مأموریت و دغدغه‌های خود درباره برگزاری هرچه بهتر اربعین باید برنامه‌ریزی و طراحی کنند.
تأکید بر تنوع قالب و ساختار پیام در تولیدات	پخش مستقیم پیام‌های رسانه‌ای در یک فرمت و قالب، ملال‌آور و بدون جذابیت است. هنر اصلی رسانه‌ها، تدوین یک مفهوم یا پیام در فرمت‌های متعدد و با بیان‌های مختلف است. هنگامی که این مفهوم در شکل‌های مختلف برای مخاطب تکرار شود، اثرگذارتر خواهد بود.
طرح کارشناسانه و عمیق مباحث به وسیله نخبگان هر حوزه (دقت در محتوای پیام)	باید متخصصان و کارشناسان هر رشته محتوای پیام اربعین را تولید کنند. در محتوا استفاده از اسلام‌شناسان و اندیشمندان این حوزه و در موضوع قالب و ساختار نیز تکیه بر نظر کارشناسان هنری و رسانه‌ای مؤثر خواهد بود.
پرهیز از احساس گرایی صرف در تولیدات رسانه‌ای	تحریک‌های عاطفی و احساسی اگر به شناخت عقلانی تبدیل نشوند، همان گونه که زود ایجاد می‌شوند، ممکن است زود هم دچار آسیب شوند. بنابراین، امسال با توجه به سیاست‌های فرهنگی اربعین که بر بُعد معرفت افزایی آن کانون توجه و تأکید است، فعالیت‌های رسانه‌ای نیز باید براساس این سیاست شکل بگیرد و تداوم یابد.
هماهنگی کامل با سیاست‌ها و برنامه‌های ستاد اربعین	ستاد برگزاری مراسم اربعین، بالاترین نهاد تصمیم‌گیر درباره فعالیت‌های اربعین است. ازاین‌رو، هم رسانه‌ها و هم متولیان اجرایی این مراسم، باید در این چارچوب برنامه‌ریزی کنند تا هماهنگی‌ها و هم‌افزایی‌های بیشتری صورت گیرد.
اجتناب از متوقع سازی زائران در امور رفاهی و خدماتی	ضروری است رسانه‌ها از افزایش انتظار زائران درباره امور اجرایی، خدماتی و رفاهی بپرهیزند.
توجه به مخاطبان غیر ایرانی در فعالیت‌های رسانه‌ای	رسانه‌ها باید بتوانند به این رویداد بی‌نظیر دینی، ابعاد بین‌المللی ببخشند و اهداف آن را در سطح جهان، به‌ویژه جهان اسلام توسعه دهند. نگاه داخلی به موضوع اربعین نباید سبب غفلت رسانه‌هایی شود که امکان فعالیت درباره این موضوع در فراسوی مرزها دارند
تأکید بر فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی	با افزایش ضریب نفوذ رسانه‌های اجتماعی به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی، ستاد رسانه‌ای اربعین باید بتواند این ابزار گسترده اثرگذار و ارزان را برای رسیدن به اهداف مراسم اربعین به خدمت بگیرد. توجه به این حوزه بیش از سال‌های پیش، نیاز است.

تأکید بر برنامه ریزی و طراحی دقیق و همه جانبه

برنامه ریزی در دو سطح تصور کردنی است:

۱. برنامه ریزی کلان فراملی یا فرانهادی که باید در بالاترین سطح دستگاه های متولی این موضوع انجام شود. در این صورت رسانه ها نیز به عنوان ابزای فرهنگی و تبلیغی باید برنامه ها، سیاست ها و راهبردهای تعیین شده در این سطح از برنامه ریزی کلان را پیش ببرند.

۲. باید سازمان رسانه ای به تناسب مأموریت و دغدغه های خود درباره برگزاری هرچه بهتر اربعین باید برنامه ریزی و طراحی کنند.

تأکید بر تنوع قالب و ساختار پیام در تولیدات

پخش مستقیم پیام های رسانه ای در یک فرمت و قالب، ملال آور و بدون جذابیت است. هنر اصلی رسانه ها، تدوین یک مفهوم یا پیام در فرمت های متعدد و با بیان های مختلف است. هنگامی که این مفهوم در شکل های مختلف برای مخاطب

تکرار شود، اثرگذارتر خواهد بود.

طرح کارشناسانه و عمیق مباحث به وسیله نخبگان هر حوزه (دقت در محتوای پیام)

باید متخصصان و کارشناسان هر رشته محتوای پیام اربعین را تولید کنند. در محتوا استفاده از اسلام شناسان و اندیشمندان این حوزه و در موضوع قالب و ساختار نیز تکیه بر نظر کارشناسان هنری و رسانه ای مؤثر خواهد بود.

پرهیز از احساس گرایی صرف در تولیدات رسانه ای

تحریک های عاطفی و احساسی اگر به شناخت عقلانی تبدیل نشوند، همان گونه که زود ایجاد می شوند، ممکن است زود هم دچار آسیب شوند. بنابراین، امسال با توجه به سیاست های فرهنگی اربعین که بر بُعد معرفت افزایی آن کانون توجه و تأکید است، فعالیت های رسانه ای نیز باید براساس این سیاست شکل بگیرد و تداوم یابد.

هماهنگی کامل با سیاست ها و برنامه های ستاد اربعین

ستاد برگزاری مراسم اربعین، بالا-ترین نهاد تصمیم گیر درباره فعالیت های اربعین است. ازاین رو، هم رسانه ها و هم متولیان اجرایی این مراسم، باید در این چارچوب برنامه ریزی کنند تا هماهنگی ها و هم افزایی های بیشتری صورت گیرد.

اجتناب از متوقع سازی زائران در امور رفاهی و خدماتی

ضروری است رسانه ها از افزایش انتظار زائران درباره امور اجرایی، خدماتی و رفاهی بپرهیزند.

توجه به مخاطبان غیر ایرانی در فعالیت های رسانه ای

رسانه ها باید بتوانند به این رویداد بی نظیر دینی، ابعاد بین المللی ببخشند و اهداف آن را در سطح جهان، به ویژه جهان اسلام توسعه دهند. نگاه داخلی به موضوع اربعین نباید سبب غفلت رسانه هایی شود که امکان فعالیت درباره این موضوع در فراسوی مرزها دارند

تأکید بر فضای مجازی و شبکه های اجتماعی

با افزایش ضریب نفوذ رسانه های اجتماعی به ویژه شبکه های اجتماعی، ستاد رسانه ای اربعین باید بتواند این ابزار گسترده اثرگذار و ارزان را برای رسیدن به اهداف مراسم اربعین به خدمت بگیرد. توجه به این حوزه بیش از سال های پیش، نیاز است.

ب) راهبردها و راهکارها

راهبرد؛ مجموعه ای از فعالیت های مدیریتی در حوزه اهداف و رویکردهاست که به صورت طبیعی، همه اجزا را متأثر می سازد و البته در این نوشته ناظر به تکالیف رسانه ها در حوزه اربعین است. با این تعریف باید مهم ترین راهبردهای تحقق اربعین را در رسانه ها بر اساس موارد زیر طراحی کرد:

راهبرد اول: اطلاع رسانی جامع، فراگیر و چندلایه

موضوع اربعین به درک تحولات محیطی به صورت گسترده نیازمند است تا بتواند چند اتفاق مهم را در مخاطبان سامان دهد.

رسانه ها باید با اتخاذ راهبرد «اطلاع رسانی جامع، فراگیر و چندلایه» اقدامات و راهکارهای زیر را محقق کنند:

پیش از مراسم اربعین	ـ اطلاع‌رسانی درباره همه تصمیمات مؤثر در سفر و زیارت و مناسک زائر؛ ـ اطلاع‌رسانی درباره اقدامات در حال انجام شدن برای سفر معنوی راحت و بی‌دغدغه زائران ـ اطلاع‌رسانی درباره تسهیلات در نظر گرفته‌شده و تمهیدات اندیشه‌شده برای راحتی زائران؛ ـ اطلاع‌رسانی درباره اعمال و ادعیه و دیگر مستحبات مراسم اربعین؛ ـ اطلاع‌رسانی درباره وضعیت محیط (سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، امنیتی، بهداشت و سلامت، جوّی و...)؛ ـ اطلاع‌رسانی درباره دیگر اماکن و مشاهد مشرفه برای بهره‌مندی معنوی بیشتر؛ ـ اطلاع‌رسانی درباره سفر، مسیر، مقصد و ملزومات آن؛ ـ اطلاع‌رسانی درباره مسائل پیش‌بینی‌نشده سفر در سال‌های قبل؛ ـ اطلاع‌رسانی درباره چالش‌ها و مسائل اربعین در سال‌های قبل به‌منظور پیشگیری؛ ـ تبیین جایگاه ستاد اربعین و هماهنگی همه نهادها و دستگاه‌ها با این ستاد.

پیش از مراسم اربعین

ــ اطلاع رسانی درباره همه تصمیمات مؤثر در سفر و زیارت و مناسک زائر؛

ــ اطلاع رسانی درباره اقدامات در حال انجام شدن برای سفر معنوی راحت و بی دغدغه زائران

ــ اطلاع رسانی درباره تسهیلات در نظر گرفته شده و تمهیدات اندیشه شده برای راحتی زائران؛

ــ اطلاع رسانی درباره اعمال و ادعیه و دیگر مستحبات مراسم اربعین؛

ــ اطلاع رسانی درباره وضعیت محیط (سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، امنیتی، بهداشت و سلامت، جوّی و...)؛

ــ اطلاع رسانی درباره دیگر اماکن و مشاهد مشرفه برای بهره مندی معنوی بیشتر؛

ـ اطلاع رسانی درباره سفر، مسیر، مقصد و ملزومات آن؛

ـ اطلاع رسانی درباره مسائل پیش بینی نشده سفر در سال های قبل؛

ـ اطلاع رسانی درباره چالش ها و مسائل اربعین در سال های قبل به منظور پیشگیری؛

ـ تبیین جایگاه ستاد اربعین و هماهنگی همه نهادها و دستگاه ها با این ستاد.

ص: ۱۰

حین مراسم اربعین	ـ بازتاب شور و شوق عاطفی زائران؛ ـ بازتاب گستردگی حضور زائران؛ ـ بازتاب تنوع حضور زائران؛ ـ بازتاب میزبانی شایسته عراقی‌ها؛ ـ بازتاب رسانه‌ای شرکت‌کنندگان غیر شیعی و غیرمسلمان در مراسم اربعین؛ ـ بازتاب حضور و شرکت متفکران، صاحب‌نظران و دانشمندان، علما و مراجع کشورهای مختلف در این مراسم؛ ـ بازتاب رسانه‌ای حضور کارگزاران و مسئولان سیاسی کشورهای مختلف در مراسم اربعین؛ ـ پوشش خبری وقایع در مراسم اربعین برای مخاطبان؛ ـ اطلاع‌رسانی دقیق و به‌موقع درباره حوادث و مسائل پیش‌بینی‌نشده با حفظ سیاست‌های ابلاغی برای زائران؛ ـ بازتاب واکنش افراد جامانده از مراسم اربعین؛ ـ تبیین جایگاه ستاد اربعین و هماهنگی همه نهادها و دستگاه‌ها با این ستاد.
بعد از مراسم اربعین	ـ اطلاع‌رسانی درباره کمیت و کیفیت مراسم اربعین؛ ـ بازتاب اظهارنظر رسانه‌های جهان درباره مراسم اربعین؛ ـ بازتاب سخنان شخصیت‌های مذهبی، سیاسی، علمی و فرهنگی کشورهای مختلف درباره مراسم اربعین؛ ـ اطلاع‌رسانی درباره تحولات فردی در جریان مراسم اربعین؛ ـ اطلاع‌رسانی درباره نحوه انعکاس اربعین در رسانه‌های جهان (همسو و معاند)؛ ـ اطلاع‌رسانی درباره حجم و کیفیت برنامه‌ها و فعالیت‌های انجام‌شده توسط دستگاه‌های ذی‌ربط برای برگزاری بهینه مراسم اربعین؛ ـ تبیین جایگاه ستاد اربعین و هماهنگی همه نهادها و دستگاه‌ها با این ستاد.

حین مراسم اربعین

ــ بازتاب شور و شوق عاطفی زائران؛

ــ بازتاب گستردگی حضور زائران؛

ــ بازتاب تنوع حضور زائران؛

ــ بازتاب میزبانی شایسته عراقی ها؛

ــ بازتاب رسانه ای شرکت کنندگان غیر شیعی و غیرمسلمان در مراسم اربعین؛

ــ بازتاب حضور و شرکت متفکران، صاحب نظران و دانشمندان، علما و مراجع کشورهای مختلف در این مراسم؛

ــ بازتاب رسانه ای حضور کارگزاران و مسئولان سیاسی کشورهای مختلف در مراسم اربعین؛

ــ پوشش خبری وقایع در مراسم اربعین برای مخاطبان؛

ــ اطلاع رسانی دقیق و به موقع درباره حوادث و مسائل پیش بینی نشده با حفظ سیاست های ابلاغی برای زائران؛

ــ بازتاب واکنش افراد جامانده از مراسم اربعین؛

ـ تبیین جایگاه ستاد اربعین و هماهنگی همه نهادها و دستگاه ها با این ستاد.

بعد از مراسم اربعین

ـ اطلاع رسانی درباره کمیت و کیفیت مراسم اربعین؛

ـ بازتاب اظهارنظر رسانه های جهان درباره مراسم اربعین؛

ـ بازتاب سخنان شخصیت های مذهبی، سیاسی، علمی و فرهنگی کشورهای مختلف درباره مراسم اربعین؛

ـ اطلاع رسانی درباره تحولات فردی در جریان مراسم اربعین؛

ـ اطلاع رسانی درباره نحوه انعکاس اربعین در رسانه های جهان (همسو و معاند)؛

ـ اطلاع رسانی درباره حجم و کیفیت برنامه ها و فعالیت های انجام شده توسط دستگاه های ذی ربط برای برگزاری بهینه مراسم اربعین؛

ـ تبیین جایگاه ستاد اربعین و هماهنگی همه نهادها و دستگاه ها با این ستاد.

راهبرد دوم: کارکرد آگاهی بخشی (تبدیل جریان عاطفی اربعین به تعقل و معرفت)

آنچه اثرگذاری اربعین و بهره های معنوی آن را در مخاطبان عمیق تر می کند، شناخت و معرفت درباره آن و ایجاد باور و اعتقاد عقلی به این رویداد است. ازاین رو، باید فعالیت های رسانه ای با رویکرد ایجاد نگرش و معرفت و شناخت توأم باشد تا بتواند تحولات فردی و اجتماعی پدیدآمده در سایه این مراسم بزرگ را عمیق تر و پایاتر نماید. رسانه با تکیه بر این راهبرد می تواند به فعالیت های زیر روی آورد:

پیش از مراسم اربعین	– تحلیل فلسفه اربعین و اهمیت آن در روایات و سیره معصومان و بزرگان دین؛ ـ ضرورت بررسی شور عاطفی تا شناخت عقلانی در مراسم اربعین؛ ـ تحلیل و بررسی مفهوم، اهمیت و جایگاه زیارت اربعین در مراسم شیعی برای همه مخاطبان با هدف افزایش شناخت مسئله ـ ضرورت تبیین جایگاه مهم اربعین در شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی منطقه و جهان اسلام؛ ـ بررسی راهکارهایی برای هریک از دستگاه‌های فرهنگی به منظور تعمیق معرفت و شناخت زائران در مراسم اربعین؛ ـ بررسی و تحلیل رابطه شرکت در مراسم اربعین و تعمیق باور و ایمان مؤمنان؛ ـ بررسی و تبیین مقدمات معنوی و ضرورت فراهم کردن آن برای شرکت در مراسم اربعین و زیارت امام حسین علیه‌السلام؛ ـ بررسی رابطه ولایت‌مداری و مفاهیمی مثل زیارت، اربعین و پاسداشت نهضت امام حسین علیه‌السلام؛ ـ تبیین اولویت واجبات بر مستحبات در سفر و مراسم اربعین؛ ـ تبیین تاریخچه پیاده‌روی اربعین در طول تاریخ تشیع؛ ـ بررسی گفتار و رفتار علما، مراجع و بزرگان دین در مراسم اربعین و زیارت امام حسین علیه‌السلام؛ ـ تحلیل و بررسی نقش مراسم اربعین در همگرایی شیعیان و وظایف زائر در این مهم؛ ـ تبیین جایگاه اربعین به‌عنوان مراسم جمعی و اهمیت ابعاد اجتماعی آن و توجه زائر به این روح جمعی و کمک به اهداف؛ ـ بررسی و تبیین نقش بازدارنده اربعین در توطئه‌های دشمنان علیه جهان اسلام به‌ویژه تشیع؛ ـ بررسی و تحلیل نقش اربعین در وحدت، همدلی و یکپارچگی تشیع در جهان؛ ـ تبیین آسیب‌ها و موانع بهره‌مندی معنوی از مراسم اربعین و تبیین راهکارهای رفع آن؛ ـ تبیین نقش هریک از اقشار برای تحقق اهداف مراسم اربعین؛ ـ مصونیت برخی زائران درباره اتفاقات، القائات، شبهات و ابهامات فرهنگی، مذهبی و سیاسی ـ تبیین مردمی بودن مراسم اربعین و دخالت نداشتن دولت‌ها در ظهور و بروز آن؛

پیش از مراسم اربعین

- تحلیل فلسفه اربعین و اهمیت آن در روایات و سیره معصومان و بزرگان دین؛

ــ ضرورت بررسی شور عاطفی تا شناخت عقلانی در مراسم اربعین؛

ــ تحلیل و بررسی مفهوم، اهمیت و جایگاه زیارت اربعین در مراسم شیعی برای همه مخاطبان با هدف افزایش شناخت مسئله

ــ ضرورت تبیین جایگاه مهم اربعین در شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی منطقه و جهان اسلام؛

ــ بررسی راهکارهایی برای هریک از دستگاه های فرهنگی به منظور تعمیق معرفت و شناخت زائران در مراسم اربعین؛

ــ بررسی و تحلیل رابطه شرکت در مراسم اربعین و تعمیق باور و ایمان مؤمنان؛

ــ بررسی و تبیین مقدمات معنوی و ضرورت فراهم کردن آن برای شرکت در مراسم اربعین و زیارت امام حسین علیه السلام ؛

ـ بررسی رابطه ولایت مداری و مفاهیمی مثل زیارت، اربعین و پاسداشت نهضت امام حسین علیه السلام ؛

ـ تبیین اولویت واجبات بر مستحبات در سفر و مراسم اربعین؛

ـ تبیین تاریخچه پیاده روی اربعین در طول تاریخ تشیع؛

ـ بررسی گفتار و رفتار علما، مراجع و بزرگان دین در مراسم اربعین و زیارت امام حسین علیه السلام ؛

ـ تحلیل و بررسی نقش مراسم اربعین در همگرایی شیعیان و وظایف زائر در این مهم؛

ـ تبیین جایگاه اربعین به عنوان مراسم جمعی و اهمیت ابعاد اجتماعی آن و توجه زائر به این روح جمعی و کمک به اهداف؛

ـ بررسی و تبیین نقش بازدارنده اربعین در توطئه های دشمنان علیه جهان اسلام به ویژه تشیع؛

ـ بررسی و تحلیل نقش اربعین در وحدت، همدلی و یکپارچگی تشیع در جهان؛

ـ تبیین آسیب ها و موانع بهره مندی معنوی از مراسم اربعین و تبیین راهکارهای رفع آن؛

ـ تبیین نقش هریک از اقشار برای تحقق اهداف مراسم اربعین؛

ـ مصونیت برخی زائران درباره اتفاقات، القائات، شبهات و ابهامات فرهنگی، مذهبی و سیاسی

ـ تبیین مردمی بودن مراسم اربعین و دخالت نداشتن دولت ها در ظهور و بروز آن؛

ـ تبیین ظرفیت های هم گرایانه بین مذاهب اسلامی در اربعین؛

ـ توجه به امنیت ایجادشده برای مراسم اربعین و به وجودآورندگان آن؛

ـ تبیین جایگاه ستاد اربعین و هماهنگی همه نهادها و دستگاه ها با این ستاد؛

ـ توجه و تأکید بر نقش مرجعیت دینی در همه اعمال و مراسم و حرکت جمعی اربعین.

ص: ۱۲

	ـ تبیین ظرفیت‌های هم‌گرایانه بین مذاهب اسلامی در اربعین؛ ـ توجه به امنیت ایجادشده برای مراسم اربعین و به وجودآورندگان آن؛ ـ تبیین جایگاه ستاد اربعین و هماهنگی همه نهادها و دستگاه‌ها با این ستاد؛ ـ توجه و تأکید بر نقش مرجعیت دینی در همه اعمال و مراسم و حرکت جمعی اربعین.
حین مراسم اربعین	ـ تعمیق شناخت و باور شرکت‌کنندگان با یادآوری فلسفه و اهداف حضور در مراسم اربعین در رسانه‌های در دسترس؛ ـ ترویج نشاط معنوی از طریق رسانه‌های در دسترس زائران در طول مسیر؛ ـ تبیین معارف زیارت اربعین در قالب پیام‌های کوتاه و در دسترس قراردادن آن برای زائران؛ ـ تبیین راه‌های تحول معنوی برای غایبان زیارت با استفاده از پخش فضای ایجادشده در مراسم؛ ـ تبیین تقدم واجبات بر مستحبات در طول مراسم؛
پس از مراسم اربعین	ـ بررسی راه‌های ترویج نشاط معنوی در زندگی فردی و اجتماعی؛ ـ تحلیل و بررسی تأثیرهای جهانی و شرایط بین‌المللی پس از مراسم اربعین به‌ویژه در جهان اسلام؛ ـ بررسی تأثیرها و دستاوردهای معنوی و فرهنگی اربعین در داخل و خارج؛ ـ بررسی تأثیرها و دستاوردهای سیاسی ـ امنیتی مراسم اربعین در داخل و خارج؛ ـ تبیین نقش میزبانی شایسته عراقی‌ها در برگزاری مراسم اربعین به‌منظور پاس‌داشت میزبانی آنها؛ ـ بررسی راه‌های تبدیل نشاط معنوی اربعین به شناخت و معرفت عقلانی؛ ـ بررسی راه‌های استمرار ارتباطات فرهنگی شیعی به‌صورت سازمان‌یافته و پویا؛ ـ آسیب‌شناسی برنامه‌ریزی و اجرای مراسم اربعین در حوزه‌های معنوی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، رفاهی و... برای اتخاذ راهبردها و راهکارهای اصلاحی؛ ـ تبیین و تحلیل نقش مرجعیت شیعه در حرکت‌های جمعی و مبارزه با استعمار با عنایت به مراسم اربعین.

- تحلیل فلسفه اربعین و اهمیت آن در روایات و سیره معصومان و بزرگان دین؛

ــ ضرورت بررسی شور عاطفی تا شناخت عقلانی در مراسم اربعین؛

ــ تحلیل و بررسی مفهوم، اهمیت و جایگاه زیارت اربعین در مراسم شیعی برای همه مخاطبان با هدف افزایش شناخت مسئله

ــ ضرورت تبیین جایگاه مهم اربعین در شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی منطقه و جهان اسلام؛

ــ بررسی راهکارهایی برای هریک از دستگاه های فرهنگی به منظور تعمیق معرفت و شناخت زائران در مراسم اربعین؛

ــ بررسی و تحلیل رابطه شرکت در مراسم اربعین و تعمیق باور و ایمان مؤمنان؛

ــ بررسی و تبیین مقدمات معنوی و ضرورت فراهم کردن آن برای شرکت در مراسم اربعین و زیارت امام حسین علیه السلام ؛

ــ بررسی رابطه ولایت مداری و مفاهیمی مثل زیارت، اربعین و پاسداشت نهضت امام حسین علیه السلام ؛

ـ تبیین اولویت واجبات بر مستحبات در سفر و مراسم اربعین؛

ـ تبیین تاریخچه پیاده روی اربعین در طول تاریخ تشیع؛

ـ بررسی گفتار و رفتار علما، مراجع و بزرگان دین در مراسم اربعین و زیارت امام حسین علیه السلام ؛

ـ تحلیل و بررسی نقش مراسم اربعین در همگرایی شیعیان و وظایف زائر در این مهم؛

ـ تبیین جایگاه اربعین به عنوان مراسم جمعی و اهمیت ابعاد اجتماعی آن و توجه زائر به این روح جمعی و کمک به اهداف؛

ـ بررسی و تبیین نقش بازدارنده اربعین در توطئه های دشمنان علیه جهان اسلام به ویژه تشیع؛

ـ بررسی و تحلیل نقش اربعین در وحدت، همدلی و یکپارچگی تشیع در جهان؛

ـ تبیین آسیب ها و موانع بهره مندی معنوی از مراسم اربعین و تبیین راهکارهای رفع آن؛

ـ تبیین نقش هریک از اقشار برای تحقق اهداف مراسم اربعین؛

ـ مصونیت برخی زائران درباره اتفاقات، القائات، شبهات و ابهامات فرهنگی، مذهبی و سیاسی

ـ تبیین مردمی بودن مراسم اربعین و دخالت نداشتن دولت ها در ظهور و بروز آن؛

ـ تبیین ظرفیت های هم گرایانه بین مذاهب اسلامی در اربعین؛

ـ توجه به امنیت ایجادشده برای مراسم اربعین و به وجودآورندگان آن؛

ـ تبیین جایگاه ستاد اربعین و هماهنگی همه نهادها و دستگاه ها با این ستاد؛

ـ توجه و تأکید بر نقش مرجعیت دینی در همه اعمال و مراسم و حرکت جمعی اربعین.

ـ تعمیق شناخت و باور شرکت کنندگان با یادآوری فلسفه و اهداف حضور در مراسم اربعین در رسانه های در دسترس؛

ـ ترویج نشاط معنوی از طریق رسانه های در دسترس زائران در طول مسیر؛

ـ تبیین معارف زیارت اربعین در قالب پیام های کوتاه و در دسترس قراردادن آن برای زائران؛

ـ تبیین راه های تحول معنوی برای غایبان زیارت با استفاده از پخش فضای ایجادشده در مراسم؛

ـ تبیین تقدم واجبات بر مستحبات در طول مراسم؛

ـ بررسی راه های ترویج نشاط معنوی در زندگی فردی و اجتماعی؛

ـ تحلیل و بررسی تأثیرهای جهانی و شرایط بین المللی پس از مراسم اربعین به ویژه در جهان اسلام؛

ـ بررسی تأثیرها و دستاوردهای معنوی و فرهنگی اربعین در داخل و خارج؛

ـ بررسی تأثیرها و دستاوردهای سیاسی ـ امنیتی مراسم اربعین در داخل و خارج؛

ـ تبیین نقش میزبانی شایسته عراقی ها در برگزاری مراسم اربعین به منظور پاس داشت میزبانی آنها؛

ـ بررسی راه های تبدیل نشاط معنوی اربعین به شناخت و معرفت عقلانی؛

ـ بررسی راه های استمرار ارتباطات فرهنگی شیعی به صورت سازمان یافته و پویا؛

ـ آسیب شناسی برنامه ریزی و اجرای مراسم اربعین در حوزه های معنوی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، رفاهی و... برای اتخاذ راهبردها و راهکارهای اصلاحی؛

ـ تبیین و تحلیل نقش مرجعیت شیعه در حرکت های جمعی و مبارزه با استعمار با عنایت به مراسم اربعین.

ص: ۱۳

راهبرد سوم: کارکرد آموزشی رسانه ها (آموزش همگانی در ایجاد فهم مشترک)

در رفتارها و جریان های جمعی مذهبی، آموزش و درک مشترک می تواند اثرگذاری آن را هم افزا و پایدار کند. بنابراین، در مراسم اربعین، رسانه ها می توانند با تأکید بر راهبرد «آموزش همگانی در همه سطوح و ایجاد فهم مشترک» راهکارهای زیر را برگزینند:

پیش از مراسم اربعین	ـ آموزش چگونگی بهره‌مندی بیشتر و عمیق معنوی از آیین و مراسم محرم برای سطوح مختلف مخاطبان؛ ـ آموزش مسائل سفر، اسکان و... برای سهولت بهره‌مندی از برکات زیارت؛ ـ آموزش اخلاق و آداب معاشرت در کشور عراق با توجه به تفاوت‌های فرهنگی و سبک زندگی؛ ـ آموزش چگونگی ایجاد و تحکیم ارتباطات فرهنگی مذهبی، معنوی و حتی فردی؛ ـ ارتقای دانش و بینش مخاطبان به اماکن متبرکه و مشاهد مشرفه برای استفاده و بهره‌مندی معنوی بیشتر؛ ـ ارتقای مهارت‌های ارتباطی زائران برای ایجاد و تحکیم رابطه با زائران دیگر کشورها؛ ـ ارتقای دانش و بینش زائران برای پرهیز از خرافه‌گرایی و التقاط های موجود یا محتمل ایجاد شده در طول برگزاری مراسم اربعین؛ ـ ارتقای دانش فرهنگی مخاطبان درباره چالش‌ها و مشکلات جهان اسلام برای بصیرت‌افزایی، هم‌گرایی و تبادل فرهنگی؛ ـ آموزش و ارتقای دانش سیاسی زائران درباره مسائل، چالش‌ها و مشکلات سیاسی جهان اسلام و تشیع به منظور بصیرت‌افزایی؛ ـ آموزش و ارتقای دانش و بینش زائران خاص درباره مسائل مهم و اولویت‌های جهان اسلام برای ایجاد ارتباطات فرهنگی و تأثیرگذاری؛ ـ آموزش و ارتقای معلومات زائران نوجوان برای بهره‌مندی معنوی بیشتر؛ ـ آموزش و ارتقای مهارت‌های ارتباطی کارگزاران و عوامل اجرایی برگزاری مراسم در ایران و عراق؛ ـ آموزش و ارتقای مهارت سفیران فرهنگی اربعین برای تأثیرگذاری بیشتر؛ ـ آموزش نکات مهم و ضروری بهداشت و سلامت به‌ویژه رعایت آنها در کشور عراق.
حین مراسم اربعین	ـ تهیه و ارسال پیام‌های آموزشی کوتاه معنوی به رسانه‌های در دسترس زائران؛ ـ تهیه و ارسال پیام‌های آموزشی کوتاه سلامت و بهداشت جسم و روان در رسانه‌های به دسترس زائران.
بعد از مراسم اربعین	ـ بررسی آسیب‌شناسانه موضوع آموزش و تأثیر آن در برگزاری مراسم اربعین

پیش از مراسم اربعین

ـ آموزش چگونگی بهره مندی بیشتر و عمیق معنوی از آیین و مراسم محرم برای سطوح مختلف مخاطبان؛

ـ آموزش مسائل سفر، اسکان و... برای سهولت بهره مندی از برکات زیارت؛

ـ آموزش اخلاق و آداب معاشرت در کشور عراق با توجه به تفاوت های فرهنگی و سبک زندگی؛

ـ آموزش چگونگی ایجاد و تحکیم ارتباطات فرهنگی مذهبی، معنوی و حتی فردی؛

ـ ارتقای دانش و بینش مخاطبان به اماکن متبرکه و مشاهد مشرفه برای استفاده و بهره مندی معنوی بیشتر؛

ـ ارتقای مهارت های ارتباطی زائران برای ایجاد و تحکیم رابطه با زائران دیگر کشورها؛

ـ ارتقای دانش و بینش زائران برای پرهیز از خرافه گرایی و التقاط های موجود یا محتمل ایجاد شده در طول برگزاری مراسم اربعین؛

ـ ارتقای دانش فرهنگی مخاطبان درباره چالش ها و مشکلات جهان اسلام برای بصیرت افزایی، هم گرایی و تبادل فرهنگی؛

ـ آموزش و ارتقای دانش سیاسی زائران درباره مسائل، چالش ها و مشکلات سیاسی جهان اسلام و تشیع به منظور بصیرت افزایی؛

ـ آموزش و ارتقای دانش و بینش زائران خاص درباره مسائل مهم و اولویت های جهان اسلام برای ایجاد ارتباطات فرهنگی و تأثیرگذاری؛

ـ آموزش و ارتقای معلومات زائران نوجوان برای بهره مندی معنوی بیشتر؛

ـ آموزش و ارتقای مهارت های ارتباطی کارگزاران و عوامل اجرایی برگزاری مراسم در ایران و عراق؛

ـ آموزش و ارتقای مهارت سفیران فرهنگی اربعین برای تأثیرگذاری بیشتر؛

ـ آموزش نکات مهم و ضروری بهداشت و سلامت به ویژه رعایت آنها در کشور عراق.

حین مراسم اربعین

ـ تهیه و ارسال پیام های آموزشی کوتاه معنوی به رسانه های در دسترس زائران؛

ـ تهیه و ارسال پیام های آموزشی کوتاه سلامت و بهداشت جسم و روان در رسانه های به دسترس زائران.

بعد از مراسم اربعین

- بررسی آسیب شناسانه موضوع آموزش و تأثیر آن در برگزاری مراسم اربعین

ص: ۱۴

راهبرد چهارم: کارکرد فرهنگ پذیری و جامعه پذیری رسانه ها (گسترش و نهادینه کردن فرهنگ محبت به اهل بیت: و تبدیل آن به معرفت و شناخت و هنجارسازی)

به نظر می رسد بهترین راهبرد برای رسانه ها «توسعه کمی و کیفی فرهنگ محبت به اهل بیت: و نمود آن در رفتار» باشد؛ چون در سایه این راهبرد، اهداف نهضت حسینی را در زندگی مردم می توان نهادینه کرد. براین اساس در این راهبرد، راهکارهای زیر کارگشا خواهد بود:

پیش از مراسم اربعین	ـ تبیین و تبلیغ ویژگی‌ها و شاخص‌های معارف اربعین برای مخاطبان داخلی و خارجی؛ ـ ترغیب به ابراز محبت به ساحت ائمه: در نمادها و نمودهای گوناگون؛ ـ تبیین فلسفه اربعین، زیارت و هدف نهایی نهضت امام حسین علیه السلام برای تعمیق شناخت مخاطبان؛ ـ ترویج اندیشه‌ورزی درباره نهضت امام حسین علیه السلام، قیام عاشورا، زیارت امام حسین علیه السلام و اربعین؛ ـ تبیین و ترویج ارزش‌های نهفته در قیام امام حسین و زیارت آن حضرت؛ ـ تبیین چگونگی تبدیل ارزش‌های نهفته در قیام امام حسین علیه السلام، عاشورا و اربعین به هنجارهای رفتاری(فردی و اجتماعی)؛ ـ تبیین چگونگی تبدیل ارزش‌های ناب دینی محرّم، عاشورا و اربعین به آداب‌ورسوم جاری در زندگی مخاطبان؛ ـ تبیین چگونگی بهره‌مندی از فیوضات معنوی زیارت و اربعین؛ ـ تبیین تکالیف نهادهای فرهنگی برای تعمیق معارف اربعین به زائران و مخاطبان؛ ـ تبیین موانع و چالش‌ها در مسیر نهادینه شدن فرهنگ زیارت و تشرف؛ ـ چگونگی مبادله فرهنگی زائران کشورهای مختلف؛ ـ ترویج فرهنگ اربعین در بین مخاطبان کشورهای دیگر با روش‌های مناسب؛ ـ ارزش‌زدایی و هنجارزدایی از التقاطها و خرافات مراسم اربعین با تبیین دینی و علمی؛ ـ توجه و تأکید بر مشترکات فرهنگی اقوام و مذاهب مختلف شرکت کننده در مراسم اربعین؛ ـ تبیین و ترویج نمادها و نمودهای فرهنگی و مذهبی امام حسین علیه السلام، قیام عاشورا، اربعین، زیارت و...؛

پیش از مراسم اربعین

ـ تبیین و تبلیغ ویژگی ها و شاخص های معارف اربعین برای مخاطبان داخلی و خارجی؛

ـ ترغیب به ابراز محبت به ساحت ائمه: در نمادها و نمودهای گوناگون؛

ـ تبیین فلسفه اربعین، زیارت و هدف نهایی نهضت امام حسین علیه السلام برای تعمیق شناخت مخاطبان؛

ـ ترویج اندیشه ورزی درباره نهضت امام حسین علیه السلام ، قیام عاشورا، زیارت امام حسین علیه السلام و اربعین؛

ـ تبیین و ترویج ارزش های نهفته در قیام امام حسین و زیارت آن حضرت؛

ـ تبیین چگونگی تبدیل ارزش های نهفته در قیام امام حسین علیه السلام ، عاشورا و اربعین به هنجارهای رفتاری(فردی و

اجتماعی)؛

ـ تبیین چگونگی تبدیل ارزش های ناب دینی محرّم، عاشورا و اربعین به آداب ورسوم جاری در زندگی مخاطبان؛

ـ تبیین چگونگی بهره مندی از فیوضات معنوی زیارت و اربعین؛

ـ تبیین تکالیف نهادهای فرهنگی برای تعمیق معارف اربعین به زائران و مخاطبان؛

ـ تبیین موانع و چالش ها در مسیر نهادینه شدن فرهنگ زیارت و تشرف؛

ـ چگونگی مبادله فرهنگی زائران کشورهای مختلف؛

ـ ترویج فرهنگ اربعین در بین مخاطبان کشورهای دیگر با روش های مناسب؛

ـ ارزش زدایی و هنجارزدایی از التقاط ها و خرافات مراسم اربعین با تبیین دینی و علمی؛

ـ توجه و تأکید بر مشترکات فرهنگی اقوام و مذاهب مختلف شرکت کننده در مراسم اربعین؛

ـ تبیین و ترویج نمادها و نمودهای فرهنگی و مذهبی امام حسین علیه السلام ، قیام عاشورا، اربعین، زیارت و...؛

ـ فرهنگ سازی درباره پیام های مهم قیام امام حسین علیه السلام ، مانند ظلم ستیزی، دفاع از مظلوم، مبارزه با التقاط و انحراف از دین، پایبندی به ولایت، پاسداری از حریم دین و...؛

ـ بررسی و ترسیم سیره علما، مراجع و بزرگان دین در اربعین یا در زیارت به منظور الگوسازی؛

ـ بررسی رهنمودهای علما، مراجع و بزرگان دین درباره نهضت امام حسین علیه السلام ، عاشورا، اربعین و زیارت و... برای الگوسازی.

ص: ۱۵

	ـ فرهنگ‌سازی درباره پیام‌های مهم قیام امام حسین علیه‌السلام، مانند ظلم‌ستیزی، دفاع از مظلوم، مبارزه با التقاط و انحراف از دین، پایبندی به ولایت، پاسداری از حریم دین و...؛ ـ بررسی و ترسیم سیره علما، مراجع و بزرگان دین در اربعین یا در زیارت به‌منظور الگوسازی؛ ـ بررسی رهنمودهای علما، مراجع و بزرگان دین درباره نهضت امام حسین علیه‌السلام، عاشورا، اربعین و زیارت و... برای الگوسازی.
حین مراسم اربعین	ـ انتقال فرهنگ زیارت با انعکاس مراسم و معارف اربعین به غایبان؛ ـ ترویج مفاهیم فرهنگی اربعین در بین مخاطبان خارج از کشور؛ ـ گسترش محرک‌های عاطفی در طول برگزاری مراسم با رسانه‌های در دسترس زائران.
بعد از مراسم اربعین	ـ تبیین نمادهای زندگی عاشورایی پس از اربعین؛ ـ تعیین جلوه‌های رفتاری در تحول معنوی و ارادت به ساحت امام حسین علیه‌السلام؛ ـ تبیین چگونگی حفظ و توسعه نشاط معنوی حاصل از زیارت به بعد از مراسم؛ ـ ترسیم خطوط و شاخص‌های زندگی عاشورایی در بعد سیاسی برای سطوح مختلف مخاطبان؛ ـ ترسیم خطوط و شاخص‌های زندگی عاشورایی در بعد عبادی و فردی برای سطوح مختلف مخاطبان؛ ـ ترسیم خطوط و شاخص‌های زندگی عاشورایی در بعد اجتماعی برای سطوح مختلف مخاطبان؛ ـ ترسیم خطوط و شاخص‌های زندگی عاشورایی در بعد فرهنگی برای سطوح مختلف مخاطبان؛ ـ تبیین شاخص‌های رفتار فردی براساس آموزه‌های عاشورا؛ ـ تبیین شاخص‌های رفتار اجتماعی براساس آموزه‌های عاشورا؛ ـ تبیین جایگاه و شاخص‌های اخلاق فردی و اجتماعی در آموزه‌های عاشورا و اربعین؛ ـ بررسی آسیب‌شناسانه رفتارهای فردی و جمعی در مراسم اربعین از بعد فرهنگ دینی؛ ـ بررسی آثار معنوی زیارت، دعا و ضرورت حفظ و نهادینه کردن آن در زندگی فردی؛ ـ انتقال فرهنگ زیارت و اربعین به حضور نیافتگان در مراسم اربعین؛ ـ انتقال فرهنگ عاشورا و اربعین به نسل نوجوان.

ـ تبیین و تبلیغ ویژگی ها و شاخص های معارف اربعین برای مخاطبان داخلی و خارجی؛

ـ ترغیب به ابراز محبت به ساحت ائمه: در نمادها و نمودهای گوناگون؛

ـ تبیین فلسفه اربعین، زیارت و هدف نهایی نهضت امام حسین علیه السلام برای تعمیق شناخت مخاطبان؛

ـ ترویج اندیشه ورزی درباره نهضت امام حسین علیه السلام ، قیام عاشورا، زیارت امام حسین علیه السلام و اربعین؛

ـ تبیین و ترویج ارزش های نهفته در قیام امام حسین و زیارت آن حضرت؛

ـ تبیین چگونگی تبدیل ارزش های نهفته در قیام امام حسین علیه السلام ، عاشورا و اربعین به هنجارهای رفتاری(فردی و اجتماعی)؛

ـ تبیین چگونگی تبدیل ارزش های ناب دینی محرّم، عاشورا و اربعین به آداب ورسوم جاری در زندگی مخاطبان؛

ـ تبیین چگونگی بهره مندی از فیوضات معنوی زیارت و اربعین؛

ـ تبیین تکالیف نهادهای فرهنگی برای تعمیق معارف اربعین به زائران و مخاطبان؛

ـ تبیین موانع و چالش ها در مسیر نهادینه شدن فرهنگ زیارت و تشرف؛

ـ چگونگی مبادله فرهنگی زائران کشورهای مختلف؛

ـ ترویج فرهنگ اربعین در بین مخاطبان کشورهای دیگر با روش های مناسب؛

ـ ارزش زدایی و هنجارزدایی از التقاط ها و خرافات مراسم اربعین با تبیین دینی و علمی؛

ـ توجه و تأکید بر مشترکات فرهنگی اقوام و مذاهب مختلف شرکت کننده در مراسم اربعین؛

ـ تبیین و ترویج نمادها و نمودهای فرهنگی و مذهبی امام حسین علیه السلام ، قیام عاشورا، اربعین، زیارت و...؛

ـ فرهنگ سازی درباره پیام های مهم قیام امام حسین علیه السلام ، مانند ظلم ستیزی، دفاع از مظلوم، مبارزه با التقاط و انحراف از دین، پایبندی به ولایت، پاسداری از حریم دین و...؛

ـ بررسی و ترسیم سیره علما، مراجع و بزرگان دین در اربعین یا در زیارت به منظور الگوسازی؛

ـ بررسی رهنمودهای علما، مراجع و بزرگان دین درباره نهضت امام حسین علیه السلام ، عاشورا، اربعین و زیارت و... برای الگوسازی.

ـ انتقال فرهنگ زیارت با انعکاس مراسم و معارف اربعین به غایبان؛

ـ ترویج مفاهیم فرهنگی اربعین در بین مخاطبان خارج از کشور؛

ـ گسترش محرک های عاطفی در طول برگزاری مراسم با رسانه های در دسترس زائران.

ـ تبیین نمادهای زندگی عاشورایی پس از اربعین؛

ـ تعیین جلوه های رفتاری در تحول معنوی و ارادت به ساحت امام حسین علیه السلام ؛

ـ تبیین چگونگی حفظ و توسعه نشاط معنوی حاصل از زیارت به بعد از مراسم؛

ـ ترسیم خطوط و شاخص های زندگی عاشورایی در بعد سیاسی برای سطوح مختلف مخاطبان؛

ـ ترسیم خطوط و شاخص های زندگی عاشورایی در بعد عبادی و فردی برای سطوح مختلف مخاطبان؛

ـ ترسیم خطوط و شاخص های زندگی عاشورایی در بعد اجتماعی برای سطوح مختلف مخاطبان؛

ـ ترسیم خطوط و شاخص های زندگی عاشورایی در بعد فرهنگی برای سطوح مختلف مخاطبان؛

ـ تبیین شاخص های رفتار فردی براساس آموزه های عاشورا؛

ـ تبیین شاخص های رفتار اجتماعی براساس آموزه های عاشورا؛

ـ تبیین جایگاه و شاخص های اخلاق فردی و اجتماعی در آموزه های عاشورا و اربعین؛

ـ بررسی آسیب شناسانه رفتارهای فردی و جمعی در مراسم اربعین از بعد فرهنگ دینی؛

ـ بررسی آثار معنوی زیارت، دعا و ضرورت حفظ و نهادینه کردن آن در زندگی فردی؛

ـ انتقال فرهنگ زیارت و اربعین به حضور نیافتگان در مراسم اربعین؛

ـ انتقال فرهنگ عاشورا و اربعین به نسل نوجوان.

ص: ۱۶

راهبرد پنجم: کارکرد یکپارچه سازی رسانه ها (تعمیم تجربه، عواطف، معنویت و معرفت عقلانی)

اربعین از اهداف کلان ملی است. ازاین رو، توجه به کارکرد رسانه ها در هم بستگی اجتماعی و ایجاد اندیشه مشترک و سپس رفتار مشابه در مخاطبان اهمیت می یابد. از این منظر «تعمیم تجربه و عواطف معنوی و شناخت و معرفت عقلانی» راهبرد مناسبی است که می تواند در همه انواع رسانه ها کانون توجه و توافق قرار گیرد. در این راستا، اقدامات و راهکارهای زیر می تواند راهگشا باشد:

پیش از مراسم اربعین	ـ ارتقای دانش و بینش مخاطبان درباره فلسفه، اهداف و ابعاد نهضت امام حسینعلیه‌السلام، حادثه عاشورا و اربعین برای همگرایی معرفتی و شناختی؛ ـ ایجاد اشتراک احساسی که مراسم اربعین برای هم‌گرایی عاطفی؛ ـ تشویق به تبدیل احساسات و عواطف فردی به کنش‌های اجتماعی و جمعی مشترک؛ ـ همگن‌سازی فهم و ادراک از فلسفه اربعین، زیارت و پیاده‌روی؛ ـ ایجاد اشتراک در نیت و اراده قلبی مخاطبان؛ ـ ایجاد هم‌گرایی در کارگزاران و دستگاه‌های متولی برای درک درست از موضوع و اهتمام خالصانه آنها برای رفاه و امنیت زائران؛
حین مراسم اربعین	ـ تلاش برای تجربه مشترک معنوی زائران از طریق رسانه‌های در دسترس؛ ـ بازتاب احساسات و عواطف مردمی برای غیر زائران در کشورهای مسلمان؛
بعد از مراسم اربعین	ـ اقدام‌های لازم برای انتقال تجربه معنوی زائران به غیر زائران از طریق رسانه‌های دیداری، شنیداری و... در قالب‌های مختلف رسانه‌ای. ـ گسترش معرفت و شناخت درباره اربعین بین زائران دیگر کشورها از طریق رسانه‌های ممکن؛ ـ بازتاب احساسات و عواطف مردم در مراسم اربعین برای ایجاد تجربه غیرمستقیم در کشورهای مسلمان؛ ـ تبیین ضرورت تبدیل احساسات و عواطف فردی به کنش‌های اجتماعی مشترک در موارد مشابه.

پیش از مراسم اربعین

ــ ارتقای دانش و بینش مخاطبان درباره فلسفه، اهداف و ابعاد نهضت امام حسین علیه السلام ، حادثه عاشورا و اربعین برای همگرایی معرفتی و شناختی؛

ــ ایجاد اشتراک احساسی که مراسم اربعین برای هم گرایی عاطفی؛

ــ تشویق به تبدیل احساسات و عواطف فردی به کنش های اجتماعی و جمعی مشترک؛

ــ همگن سازی فهم و ادراک از فلسفه اربعین، زیارت و پیاده روی؛

ــ ایجاد اشتراک در نیت و اراده قلبی مخاطبان؛

ــ ایجاد هم گرایی در کارگزاران و دستگاه های متولی برای درک درست از موضوع و اهتمام خالصانه آنها برای رفاه و امنیت زائران؛

حین مراسم اربعین

ـ تلاش برای تجربه مشترک معنوی زائران از طریق رسانه های در دسترس؛

ـ بازتاب احساسات و عواطف مردمی برای غیر زائران در کشورهای مسلمان؛

بعد از مراسم اربعین

ـ اقدام های لازم برای انتقال تجربه معنوی زائران به غیر زائران از طریق رسانه های دیداری، شنیداری و... در قالب های مختلف رسانه ای.

ـ گسترش معرفت و شناخت درباره اربعین بین زائران دیگر کشورها از طریق رسانه های ممکن؛

ـ بازتاب احساسات و عواطف مردم در مراسم اربعین برای ایجاد تجربه غیرمستقیم در کشورهای مسلمان؛

ـ تبیین ضرورت تبدیل احساسات و عواطف فردی به کنش های اجتماعی مشترک در موارد مشابه.

راهبرد ششم: کارکرد برجسته سازی رسانه ها (ظرفیت گسترده معنوی اربعین برای تأثیر فردی و اجتماعی)

یکی از کارکردهای رسانه ها برجسته سازی است. بر اساس نظریه برجسته سازی یا تعیین دستور کار، رسانه ها نمی توانند به مردم بگویند درباره یک موضوع چگونه بیندیشند؛ اما

به مردم می گویند که درباره چه چیزی فکر کنند و به چه بیندیشند. گزارش های رسانه ها در دستور کار مردم قرار می گیرد. رسانه ها نگرش مردم را تغییر نمی دهند، بلکه روی شناخت آنها تأثیر می گذارند؛ یعنی به مردم می گویند چه موضوعاتی مهم به نظر می رسند.

بسیاری از صاحب نظران حوزه رسانه بر این کارکرد تأکید داشته اند و نظریه های مختلفی نیز درباره این کارکرد ارائه شده است؛ اما در نسبت سنجی بین این کارکرد رسانه ها و موضوع اربعین چند اقدام مهم ضرورت دارد:

پیش از مراسم اربعین	ـ ایجاد آرایش رسانه‌ای در بررسی همه‌جانبه موضوع اربعین در ماه‌های محرم و صفر توسط ستاد مرکزی رسانه‌ای اربعین؛ ـ در نظر گرفتن مراحل تبیین و تحلیل (پیش از برگزاری) تبلیغ و تشجیع (حین برگزاری) و تعمیق و نهادینه‌سازی (پس از برگزاری) در فعالیت‌های رسانه‌ای؛ ـ اولویت دادن به موضوع اربعین در یک شیب منطقی در ماه‌های محرم و صفر در همه کارکردهای اطلاع‌رسانی، آموزش، آگاهی‌بخشی و... رسانه‌ها؛ ـ هوشیار بودن در خلق سوژه‌های برجسته خبری جهان توسط سازمان‌های رسانه‌ای رقیب و جلوگیری از به حاشیه رفتن موضوع اربعین؛ ـ ساماندهی محتوایی برای تولید متن و برنامه‌های رسانه‌ای در قالب‌ها و فرمت‌های مختلف برای سطوح مختلف مخاطبان؛ ـ مهندسی مفاهیم و موضوعات مهم مرتبط به اربعین در همه قالب‌های رسانه‌ای به‌ویژه در پیام‌های جذاب نمایشی مثل نماهنگ، موسیقی، فیلم و سریال و...؛ ـ توجه و تأکید مضاعف و اولویت‌دار به بارگذاری و انتشار حجم زیاد و متنوع مطالب در شبکه‌های مجازی برای پررنگ شدن موضوع اربعین در این شبکه‌ها؛ ـ توجه و تأکید بر ابعاد فعالیت رسانه‌ای در خارج از مرزهای کشور به منظور آشنایی با پدیده اربعین؛ ـ پیش‌بینی شیب ملایم و منطقی در فرآیند برجسته‌سازی برای جلوگیری از آسیب‌های این رویکرد؛ ـ سبب توجه مخاطب جوان به موضوع اربعین؛ ـ سبب توجه مخاطب نخبه و فرهیخته؛ ـ توجه به تنوع ساختار، قالب و فرمت در رویکرد برجسته‌سازی برای پرهیز از تکراری شدن مفاهیم و پیام‌ها؛ ـ طرح مسئله برای بررسی موضوع اربعین در سطح جامعه؛ ـ توجه و تأکید بر نقش مرجعیت دینی در همه اعمال و مناسک و حرکت جمعی اربعین.

پیش از مراسم اربعین

ــ ایجاد آرایش رسانه ای در بررسی همه جانبه موضوع اربعین در ماه های محرم و صفر توسط ستاد مرکزی رسانه ای اربعین؛

ــ در نظر گرفتن مراحل تبیین و تحلیل (پیش از برگزاری) تبلیغ و تشجیع (حین برگزاری) و تعمیق و نهادینه سازی (پس از برگزاری) در فعالیت های رسانه ای؛

ــ اولویت دادن به موضوع اربعین در یک شیب منطقی در ماه های محرم و صفر در همه کارکردهای اطلاع رسانی، آموزش، آگاهی بخشی و... رسانه ها؛

ــ هوشیار بودن در خلق سوژه های برجسته خبری جهان توسط سازمان های رسانه ای رقیب و جلوگیری از به حاشیه رفتن موضوع اربعین؛

ـ ساماندهی محتوایی برای تولید متن و برنامه های رسانه ای در قالب ها و فرمت های مختلف برای سطوح مختلف مخاطبان؛

ـ مهندسی مفاهیم و موضوعات مهم مرتبط به اربعین در همه قالب های رسانه ای به ویژه در پیام های جذاب نمایشی مثل نماهنگ، موسیقی، فیلم و سریال و...؛

ـ توجه و تأکید مضاعف و اولویت دار به بارگذاری و انتشار حجم زیاد و متنوع مطالب در شبکه های مجازی برای پررنگ شدن موضوع اربعین در این شبکه ها؛

ـ توجه و تأکید بر ابعاد فعالیت رسانه ای در خارج از مرزهای کشور به منظور آشنایی با پدیده اربعین؛

ـ پیش بینی شیب ملایم و منطقی در فرآیند برجسته سازی برای جلوگیری از آسیب های این رویکرد؛

ـ سبب توجه مخاطب جوان به موضوع اربعین؛

ـ سبب توجه مخاطب نخبه و فرهیخته؛

ـ توجه به تنوع ساختار، قالب و فرمت در رویکرد برجسته سازی برای پرهیز از تکراری شدن مفاهیم و پیام ها؛

ـ طرح مسئله برای بررسی موضوع اربعین در سطح جامعه؛

ـ توجه و تأکید بر نقش مرجعیت دینی در همه اعمال و مناسك و حركت جمعی اربعین.

حین مراسم اربعین	ـ بازتاب گسترده همه رویدادهای اربعین با در نظر گرفتن نوع مخاطب؛ ـ حفظ اولویت اربعین بر مسائل دیگر؛ ـ توجه به تنوع ساختار، قالب و فرمت در برجسته‌سازی برای پرهیز از تکراری‌شدن مفاهیم و پیام‌ها؛ ـ برجسته‌سازی رفتارهای معنوی و خاص در مراسم اربعین؛ ـ ارتباط زنده و مستقیم با پخش کلیپ و مطالب از مراسم به‌ویژه در شبکه‌های الکترونیک و اجتماعی.
بعد از مراسم اربعین	ـ انعکاس تدریجی و برنامه‌ریزی‌شده اربعین به‌ویژه برای مخاطبان خارج از کشور؛ ـ بررسی بازتاب و تأثیر ابعاد فرهنگی مراسم اربعین در کشورهای مختلف؛ ـ بررسی بازتاب و تأثیر ابعاد سیاسی مراسم اربعین در کشورهای مختلف؛ ـ بررسی بازتاب‌های رسانه‌ای اربعین در رسانه‌های مطرح جهان؛ ـ بررسی بازتاب تحولات فردی صورت‌گرفته در مخاطبان عام و فرهیخته در مراسم اربعین و پخش تدریجی برای فراموش‌نشدن موضوع؛ ـ برجسته‌سازی زیبایی‌های معنوی و معرفتی اربعین؛ ـ برجسته‌سازی حجم فعالیت‌های اجرایی و عملیاتی برای برگزاری باشکوه اربعین؛ ـ برجسته‌سازی حجم برنامه‌ریزی و ساماندهی و طراحی‌های انجام‌شده در طول برگزاری مراسم اربعین؛ ـ بررسی نقش ممتاز و بی‌بدیل مرجعیت شیعه در برگزاری باشکوه اربعین.

حین مراسم اربعین

ــ بازتاب گسترده همه رویدادهای اربعین با در نظر گرفتن نوع مخاطب؛

ــ حفظ اولویت اربعین بر مسائل دیگر؛

ــ توجه به تنوع ساختار، قالب و فرمت در برجسته سازی برای پرهیز از تکراری شدن مفاهیم و پیام ها؛

ــ برجسته سازی رفتارهای معنوی و خاص در مراسم اربعین؛

ــ ارتباط زنده و مستقیم با پخش کلیپ و مطالب از مراسم به ویژه در شبکه های الکترونیک و اجتماعی.

بعد از مراسم اربعین

ــ انعکاس تدریجی و برنامه ریزی شده اربعین به ویژه برای مخاطبان خارج از کشور؛

ــ بررسی بازتاب و تأثیر ابعاد فرهنگی مراسم اربعین در کشورهای مختلف؛

ــ بررسی بازتاب و تأثیر ابعاد سیاسی مراسم اربعین در کشورهای مختلف؛

ــ بررسی بازتاب های رسانه ای اربعین در رسانه های مطرح جهان؛

ــ بررسی بازتاب تحولات فردی صورت گرفته در مخاطبان عام و فرهیخته در مراسم اربعین و پخش تدریجی برای فراموش نشدن موضوع؛

ــ برجسته سازی زیبایی های معنوی و معرفتی اربعین؛

ــ برجسته سازی حجم فعالیت های اجرایی و عملیاتی برای برگزاری باشکوه اربعین؛

ــ برجسته سازی حجم برنامه ریزی و ساماندهی و طراحی های انجام شده در طول برگزاری مراسم اربعین؛

ــ بررسی نقش ممتاز و بی بدیل مرجعیت شیعه در برگزاری باشکوه اربعین.

راهبرد هفتم: کارکرد مدیریت بحران رسانه ها (پیشگیری، مصون سازی و مدیریت بحران برای بهره مندی معنوی بیشتر)

نقش و کارکرد رسانه ها در بحران های مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی و امثال آن بر هیچ کس پوشیده نیست. امروزه هیچ بحرانی وجود ندارد که رسانه ها در ایجاد، کنترل، گسترش یا مهار آن بی نقش باشد.

مسئولان مدیریت بحران، در سه مرحله قبل، حین و پس از بحران به نخستین چیزی که میاندیشند چگونگی استفاده از رسانه ها در مدیریت بحران است:

پیش از مراسم اربعین	ـ رصد و پیش‌بینی مسائل، نگرانی‌ها و بحران‌های محتوم و محتمل در برگزاری مراسم اربعین؛ ـ آگاهی‌دادن درباره نقاط بحران‌خیز در فرآیند برنامه‌ریزی تا انجام شدن مراسم اربعین؛ ـ ایجاد آمادگی روحی در زائران برای مواجهه با بحران‌های احتمالی؛ ـ انجام دادن تدابیر لازم برای مدیریت بحران در رسانه‌های فراگیر؛

پیش از مراسم اربعین

ــ رصد و پیش بینی مسائل، نگرانی ها و بحران های محتوم و محتمل در برگزاری مراسم اربعین؛

ــ آگاهی دادن درباره نقاط بحران خیز در فرآیند برنامه ریزی تا انجام شدن مراسم اربعین؛

ــ ایجاد آمادگی روحی در زائران برای مواجهه با بحران های احتمالی؛

ــ انجام دادن تدابیر لازم برای مدیریت بحران در رسانه های فراگیر؛

ص: ۱۹

	ـ تمهید برای ایجاد و توسعه رسانه‌های در دسترس زائر برای هدایت و مدیریت بحران (مثل رادیو یا اینترنت همراه)؛ ـ تدبیر رسانه‌ای و آگاهی‌بخشی برای بحران‌زدایی توسط زائران، دستگاه‌های اجرایی یا برنامه‌ریز یا نهادهای اجتماعی دیگر؛ ـ تقویت آگاهی درباره مباحث بحث‌برانگیز در طول برگزاری اربعین و چگونگی روبه‌رو زائران با آن‌ها.
حین مراسم اربعین	ـ هوشیاری و حضور به‌موقع رسانه در بحران‌ها و اطلاع‌رسانی دقیق و جامع؛ ـ حضور رسانه‌ای درباره شایعه‌ها و تحریک‌ها و تحرک‌ها در مراسم اربعین؛ ـ ایجاد هماهنگی رسانه‌ای بین نهادهای اجرایی برای مقابله با بحران؛ ـ ایجاد ارتباط بین دست‌اندرکاران اجرای مراسم با مردم برای مقابله با بحران‌های احتمالی یا مدیریت بحران.
بعد از مراسم اربعین	ـ تحلیل بحران‌های احتمالی پیش‌آمده؛ ـ تبیین اقدامات انجام‌شده برای جلوگیری از بحران‌های احتمالی؛ ـ بررسی آسیب‌شناسانه بحران به‌منظور یافتن دلایل آن؛ ـ مدیریت بحران برای بازگرداندن وضعیت به قبل از بحران؛ ـ مدیریت مسائل و مباحث برای جبران خسارات روحی و روانی.

پیش از مراسم اربعین

ــ رصد و پیش بینی مسائل، نگرانی ها و بحران های محتوم و محتمل در برگزاری مراسم اربعین؛

ــ آگاهی دادن درباره نقاط بحران خیز در فرآیند برنامه ریزی تا انجام شدن مراسم اربعین؛

ــ ایجاد آمادگی روحی در زائران برای مواجهه با بحران های احتمالی؛

ــ انجام دادن تدابیر لازم برای مدیریت بحران در رسانه های فراگیر؛

ــ تمهید برای ایجاد و توسعه رسانه های در دسترس زائر برای هدایت و مدیریت بحران (مثل رادیو یا اینترنت همراه)؛

ــ تدبیر رسانه ای و آگاهی بخشی برای بحران زدایی توسط زائران، دستگاه های اجرایی یا برنامه ریز یا نهادهای اجتماعی دیگر؛

ــ تقویت آگاهی درباره مباحث بحث برانگیز در طول برگزاری اربعین و چگونگی روبه رو زائران با آن ها.

حین مراسم اربعین

ــ هوشیاری و حضور به موقع رسانه در بحران ها و اطلاع رسانی دقیق و جامع؛

ــ حضور رسانه ای درباره شایعه ها و تحریک ها و تحرک ها در مراسم اربعین؛

ــ ایجاد هماهنگی رسانه ای بین نهادهای اجرایی برای مقابله با بحران؛

ــ ایجاد ارتباط بین دست اندرکاران اجرای مراسم با مردم برای مقابله با بحران های احتمالی یا مدیریت بحران.

بعد از مراسم اربعین

ـ تحلیل بحران های احتمالی پیش آمده؛

ـ تبیین اقدامات انجام شده برای جلوگیری از بحران های احتمالی؛

ـ بررسی آسیب شناسانه بحران به منظور یافتن دلایل آن؛

ـ مدیریت بحران برای بازگرداندن وضعیت به قبل از بحران؛

ـ مدیریت مسائل و مباحث برای جبران خسارات روحی و روانی.

راهبرد هشتم: «نظارت بر فرآیند برنامه ریزی و اجرایی مراسم به نمایندگی از نهادهای متولی و مخاطبان» (کارکرد نظارت اجتماعی یا دیدبانی محیط رسانه ها)

ازجمله کارکردهای رسانه ها نظارت همگانی آنهاست که با تعابیری مثل دیدبانی محیط و امثال آن تبیین شده است.

وظیفه نظارتی رسانه ها در دو سطح قابل تبیین است:

۱. همه دستگاه های متولی باید در راستای وظایف تعیین شده خود برای برگزاری باشکوه، مؤثر و کم نقص مراسم اربعین اهتمام لازم را داشته و اقدامات بهینه و بهنگامی را انجام دهند؛

۲. هیچ نهاد، سازمان و دستگاه متولی و غیرمتولی، نباید فعالیتی منافی و متضاد با هدف و برنامه ریزی های اعلام شده، انجام دهد و در جهت تثبیت اهداف اربعین، موانع و مشکلاتی را ایجاد کند.

ص: ۲۰

از این منظر بهترین راهبرد برای رسانه ها در مراسم اربعین «نظارت بر همه فرایندهای برنامه ریزی و اجرایی مراسم به نمایندگی از نهادهای متولی و مخاطبان» خواهد بود که دراین باره اقدامات زیر را می توان پیشنهاد داد:

پیش از مراسم اربعین	ـ نظارت و بررسی و نقد تصمیم‌های اتخاذشده درباره مراسم اربعین از منظر زائران و متولیان؛ ـ بررسی اقدامات پیش‌بینی‌شده و یافتن نقاط آسیب‌زا و مشکل‌ساز آن برای چاره‌اندیشی.
حین مراسم اربعین	ـ نظارت داشتن بر فعالیت‌های در حال انجام دادن و اطلاع‌رسانی درباره کاستی‌ها، مشکلات و انتقال آنها برای رفع این موانع از طریق رسانه‌های در دسترس.
بعد از مراسم اربعین	ـ بررسی و تحلیل همه طراحی‌ها، برنامه‌ریزی‌ها، تصمیمات اتخاذشده، نتایج و پیامدهای آنها با نگاه آسیب‌شناسانه و ارائه راهکارهای اصلاحی؛ ـ بررسی و تحلیل همه عملیات اجرایی و فعالیت‌های انجام‌شده برای مراسم اربعین و ارائه راهکارهای اصلاحی؛ ـ نقد عملکرد دستگاه‌های اجرایی و تشویق فعالیت‌های شاخص و مهم.

پیش از مراسم اربعین

ــ نظارت و بررسی و نقد تصمیم های اتخاذشده درباره مراسم اربعین از منظر زائران و متولیان؛

ــ بررسی اقدامات پیش بینی شده و یافتن نقاط آسیب زا و مشکل ساز آن برای چاره اندیشی.

حین مراسم اربعین

ــ نظارت داشتن بر فعالیت های در حال انجام دادن و اطلاع رسانی درباره کاستی ها، مشکلات و انتقال آنها برای رفع این موانع از طریق رسانه های در دسترس.

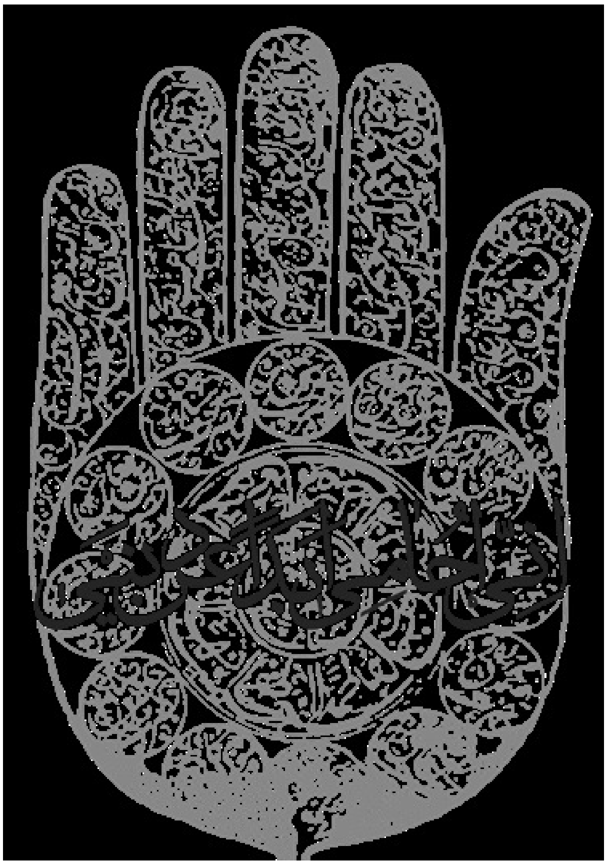
بعد از مراسم اربعین

ــ بررسی و تحلیل همه طراحی ها، برنامه ریزی ها، تصمیمات اتخاذشده، نتایج و پیامدهای آنها با نگاه آسیب شناسانه و ارائه راهکارهای اصلاحی؛

ــ بررسی و تحلیل همه عملیات اجرایی و فعالیت های انجام شده برای مراسم اربعین و ارائه راهکارهای اصلاحی؛

ــ نقد عملکرد دستگاه های اجرایی و تشویق فعالیت های شاخص و مهم.

ص: ۲۱



ص: ۲۲

گفتار مجری

بهار اربعین

«اربعین» از اصطلاحات رایجی است که در متون اسلامی کاربرد زیادی دارد، مثلا در برخی از روایات بهعنوان نماد کمال و حدی برای تصفیه باطن قلمداد شده است. واژه «اربعین» در متون دینی و مجموعه های حدیثی از ارزش والایی برخوردار است. آثار حفظ چهل حدیث، اخلاص عمل در چهل روز و دعای عهد در چهل صبح، کمال عقل در چهل سالگی، دعا برای چهل مؤمن، شهادت چهل مؤمن برای میت، برگزاری عبادت در چهل شب چهارشنبه برای دیدار حضرت ولی عصر[و بعثت غالب انبیا در چهل سالگی، از جمله مواردی است که ارزش و جایگاه این اصطلاح اسلامی و عرفانی را مشخص میکند.

اما پیاده روی اربعین یکی از بزرگترین اجتماعات شیعیان و محبان اهل بیت: است که در سالهای اخیر با شوری بیشتر تبدیل به تجمع عظیمی از مسلمانان از همه مذاهب گوناگون اسلامی و حتی غیر مسلمانان از دیگر ادیان شده و همین موضوع ظرفیتی عظیم، بینظیر و بیمانند به این واقعه و رخداد دینی داده است؛ ظرفیتی که همانند آن را در هیچ زمان و مکان دیگری نمیتوان مشاهده کرد.

سنت اربعین و زیارت ابا عبدالله الحسین علیه السلام از همان اربعین اول شروع شد و آن چیزی که از تاریخ مسلم و قطعی است، زیارت جابربن عبدالله انصاری است همراه با عطیه کوفی که عطیه خودش صاحب تفسیر است و از شاگردان تفسیری ابن عباس است و شیعه بوده؛ و جابربن عبدالله انصاری براساس حدیثی که از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شنیده بود خودش را از مدینه به کربلا رساند تا در اربعین اول در زیارت امام حسین علیه السلام در کربلا حاضر شود؛ البته بعد از آن هم ائمه: بسیار بر آن تشویق و تاکید کرده بودند و حتی اهمیت این موضوع به حدی است که امام حسن عسکری علیه السلام زیارت اربعین را جزو پنج

علامت شیعه دانسته است، لذا آن چیزی که امروزه میبینیم بهصورت یک نماد و شعار برای فرهنگ اهل بیت: درآمده است.

این حرکت عظیمی که در عراق در روز اربعین اتفاق میافتد و شیعیان در طول مسیر دهها کیلومتری راه پیمایی از بصره و جاهای دیگر تا کربلا میآیند؛ این تجمع نمودی از فرهنگ شیعه است که امروز خود را نشان میدهد و آن ریشه در همان حدیثی دارد که امام حسن عسکری علیه السلام دارند که این زیارت را جزو یکی از شعارهای پنج گانه شیعیان دانستهاند.

به هر صورت باید گفت که اربعین سنت حسنهای است که پس از حضور جابر بن عبدالله انصاری، صحابه گرانقدر رسول خدا صلی الله علیه و آله در کربلا در اولین اربعینِ پس از شهادت امام حسین علیه السلام و زیارت قبر مطهر ایشان در بین شیعیان به یادگار مانده است و پیاده روی در این ایام، احیای یکی از آیین هایی است که در آموزه های اهل بیت: وجود داشته و در سالهای اخیر با شور و عشق بیشتری برگرفته از محبت به خاندان اهل بیت عصمت و طهارت: بهویژه حضرت امام حسین علیه السلام در حال اجراست.

پرتوی از بهشت

آنچه که در روزهای اجرای برنامه و اجتماع عظیم پیاده روی اربعین در مسیرهای منتهی به کربلا در عراق رخ میدهد، تنها پرتوی کوچک اما بهشتی و نورانی از زیبایی های برگرفته از آموزه های اصیل و ناب دینی است که سبب میشود تا میلیونها انسان آزاده و عاشق، دل از خانه و کاشانه خود برکنده و با بهجان خریدن رنج سفر، پیاده، پای در مسیری نورانی نهند که قدم به قدمش معطر به رایحهای بهشتی، نشأت گرفته از عشق حسینی است؛ ازاین‌رو باید گفت که راهپیمایی بزرگ اربعین حسینی با حضور چشمگیر مردم از سراسر جهان، نمودی بارز از اثر جاذبه عشق امام حسین علیه السلام میان مردم است.

در قرآن نمونه هایی از این عشق وعلاقه و میزان جذابیت آن مذکور است، مثلا گریه حضرت یعقوب علیه السلام در فراق فرزندش حضرت یوسف علیه السلام و رسیدن برادران یوسف به آن حضرت، نمودی از آن است؛ در آیات قرآن نشانه های الهی هست که با گشودن درب صندوقچه و دادن پیراهن دوران کودکی یوسف علیه السلام به برادران در مصر، حضرت

یعقوب علیه السلام رایحه خوش فرزند را در کنعان با وجود هزاران فرسنگ فاصله استشمام میکند که این همان جذبه و اوج عشق است.

به هر صورت گردهمایی و راهپیمایی اربعین آیینی دینی است که تمام این ظرفیتها را بهطور همزمان در خود جای داده است؛ پدیدهای اجتماعی، میان فرهنگی، فراقومیتی، فرا ملیتی و حتی فرامذهبی و فرادینی که دارای ظرفیت های معرفتی، اخلاقی و معنایی است و در ابعاد سیاسی فرهنگی و اقتصادی آثار و نتایج مهمی در مقیاس کلان تمدنی را بهدنبال دارد؛ اربعین از این منظر یکی از پدیده های قابل رقابت ما با بر ساخته های اجتماعی تمدن غرب است و چون هنوز خالص است و در آن برساخته های ناب معرفتی و اخلاقی و کنش های رفتاری پر از معانی قدسی و رنگ و بوی الهی با محوریت امام حسین علیه السلام وجود دارد؛ مگر نه این است که نقطه آغاز رقابت و حوزه رقابت ما با مدرنیته همین حوزه های عینی و لایه ظاهری جامعه انسانی است؟ بر همین اساس باید گفت که پیاده روی اربعین و زیارت سیدالشهدا از این رهگذر حرکتی آگاهانه، جمعی، عقلانی و فطری است که بر محور تمایلات اصلی انسان خدا باور شکل گرفته است.

اربعین؛ عهد عاشقان عاشورا

اربعین، بیعت دوباره با عاشوراست. اربعین، بعثت جانهای ملتهب است و تکرار پیمان پایدار شیعه در غدیر. اربعین، روز برائت از سلطه ستم و هنگامه عهد عاشقان شهادت است.

اربعین، یادمان روزهایی است که خورشید را فراز نیزه های جهل دیدیم و بر مظلومیت فضایل، گریستیم. اربعین، تذکار آناتی است که حق نمایان، سلاح باطل گرفتند و بر روشنای حقیقت شوریدند

اربعین، فرصت مجدد فریاد رسای ستم سوزی است

فرصت هم آوا شدن با زینب کبری علیهاالسلام که احیاگر امر به معروف و نهی از منکر و اصلاح ناب حسینی بود و حراست از ارزشهای علوی، آموزه شکر و شکیبایی و رشادت اوست. ما درس استمرار ایثار ناب حسینی و عدل بی عدیل علی، از خروش زهرایی زینب آموختهایم و بسان آن اسوه استقامت سرخ، تمامت هستی مان را فدای ساحت ولایت کنیم.

ص: ۲۵

درسی که اربعین به ما می دهد

«درسی که اربعین به ما می دهد این است که باید حقیقت و خاطره شهادت را در مقابل طوفان تبلیغات دشمن زنده نگه داشت. ببینید از اول انقلاب تا امروز، تبلیغات علیه انقلاب و امام و اسلام و این ملت چقدر پرحجم بوده است. چه تبلیغات طوفانی که علیه جنگ به راه نیفتاد؛ جنگی که دفاع و حراست از اسلام و میهن و حیثیت و شرف مردم بود. ببینید دشمنان علیه شهدای عزیز که جانشان؛ یعنی بزرگ ترین سرمایه شان را برداشتند و رفتند و در راه خدا نثار کردند، چه کردند و مستقیم و غیر مستقیم با رادیوها و روزنامه ها و مجله ها و کتاب هایی که منتشر می کردند، در ذهن آدم های ساده لوح در همه جای دنیا چه تلقینی توانستند بکنند.

دستگاه ظالم جبار یزیدی، با تبلیغات خود، حسین بن علی علیه السلام را محکوم می ساخت و وانمود می کرد حضرت حسین بن علی علیه السلام کسی بود که بر ضد دستگاه عدل و حکومت اسلامی و برای دنیا قیام کرده است. بعضی هم این تبلیغات دروغ را باور می کردند. بعد هم که حسین علیه السلام با آن وضع عجیب و با آن شکل فجیع، به وسیله دژخیمان در صحرای کربلا به شهادت رسید، آن را یک غلبه و فتح وانمود می کردند، اما تبلیغات صحیح دستگاه امامت، تمام این بافته ها را عوض کرد. حق این گونه است».(۱)

«اربعین، فقط روزی از روزهای سال نیست، بلکه آیینه ای است در برابر چشمان میلیون ها انسان متعهد که در آن تصویری از نهضت و قیام خونین محرّم نقش می بندد. اربعین، روز باشکوهی است که از خون حسین علیه السلام ، حیات گرفت و نقطه آغاز تبلیغ آرمان کربلا از طریق اشک شد؛ زیرا در این روز، نخستین مجلس عزاداری برای اباعبدالله علیه السلام و تبلیغ آرمان آن حضرت در کنار تربتش برپا شد».(۲)

زمینه ساز اربعین

دو حادثه، زمینه ساز برپایی مراسم اربعین شده است:

یکی ورود نخستین زائر رسمی به کربلا و زیارت اباعبدالله علیه السلام ؛ یعنی جابربن عبدالله انصاری که از مدینه برای زیارت امام حسین علیه السلام به کربلا آمد. دیگر اینکه زیارت حسین بن علی علیه السلام در این روز مأثور است؛ یعنی این روز، روز زیارتی اباعبدالله علیه السلام است.

ص: ۲۶

۱- ۱. سخنان حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مدظله العالی)، برگرفته از: پایگاه مقام معظم رهبری.

۲- ۲. برگرفته از: ابوالفضل بهشتی، فلسفه و عوامل جاودانگی نهضت عاشورا، ص ۱۷۴.

در حقیقت، آمدن جابر به زیارت تربت مقدس اباعبدالله علیه السلام و نیز سنّت زیارت کردن آن حضرت از راه دور و نزدیک، با زیارت مأثوره ای که نقل شده، به منظور برقراری پیوند با شهیدان است.(۱)

جان خود را در راه تو [ای خدا] نثار کرد تا بندگانت را از نادانی و گمراهی برهاند. همانا کسانی که فریب دنیا خوردند و بهره خود را به پست ترین بها فروختند، علیه او دست به دست هم دادند. آخرت خود را در برابر بهایی ناچیز از دست دادند. گواهی می دهم که تو از ستون های دین و پایه ها و ارکان مسلمانان و دژ محکم مردان مؤمن هستی.

مهم ترین دلیل بزرگداشت اربعین سیدالشهدا، روایت رسیده ای از امام حسن عسکری علیه السلام است که نشانه های مؤمن را پنج چیز دانسته و یکی از آنها را زیارت اربعین بیان کرده است. افزون بر این، امام صادق علیه السلام زیارت اربعین را به صفوان بن مهران جمال تعلیم داده است که در آن به بزرگداشت اربعین تصریح شده است.(۲)

امام صادق علیه السلام در ابتدای زیارت اربعین با پنج سلام، ارادت خود را به آستان اباعبدالله ابراز می دارد و زائر با عرض این سلام ها، خود را به پیشگاه آن حضرت نزدیک و با تکرار آنها، روح و روان خود را از زشتی ها و پلیدی ها پاک می کند.

حضرت امام صادق علیه السلام در بخشی از زیارت اربعین می فرماید: «خدایا! امام حسین علیه السلام جانش را در راه تو بخشید تا بندگانت را از نادانی، سرگردانی و گمراهی نجات دهد».(۳)

اربعین از نگاه دیگر

سیدبن طاووس نقل می کند: هنگام بازگشت اهل بیت امام حسین علیه السلام از شام به مدینه، از راهنمای کاروان خواستند آنها را از مسیر کربلا ببرد.

همین که اهل بیت امام حسین علیه السلام به کنار تربت سیدالشهدا علیه السلام رسیدند، با جابربن عبدالله انصاری و عده ای از بنی هاشم که به زیارت آن حضرت آمده بودند، دیدار کردند و با همدیگر تعزیه خواندند و نوحه سرایی کردند و اشک و ریختند.

عطیه که از شیعیان و دوستداران اهل بیت: است، می گوید: «ما با جابربن عبدالله برای زیارت قبر امام حسین علیه السلام وارد کربلا شدیم. جابر خود را به فرات رساند و نخست

۱- ۱. مرتضی مطهری، حق و باطل، به ضمیمه احیای تفکر اسلامی، ص ۶۸ .

۲- ۲. شیخ طوسی، مصباح المجتهد، صص ۷۸۸ و ۷۸۹.

۳- ۳. شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، زیارت اربعین.

در فرات غسل کرد و لباس نو پوشید. سپس به جانب قبر مطهر حرکت کرد. وی هرقدمی که برمی داشت، ذکر خدا می گفت. وقتی نزدیک قبر رسید، گفت: عطیه، دست مرا بگیر و روی قبر بگذار! همین که دست جابر روی قبر رسید، از هوش رفت و پس از آنکه به هوش آمد، سه مرتبه صدا زد: یا حسین، یا حسین، یا حسین! سپس عرض کرد: «حَبیبٌ لا یجیب حَبیبَهُ؛ آیا دوست، جواب دوست را نمی دهد؟» آنگاه پاسخ خود را داد و گفت: چگونه پاسخ تو را بدهد کسی که رگ های گردنش قطع شده و میان سر و بدنش جدایی افتاده است؟ شهادت می دهم که تو فرزند خیرالنبیین و پسر سیدالمرسلینی.» جابر درحالی که به قبرهای شهدا خیره شده بود، با این جمله ها به شهدا سلام کرد: «اَلسَّلامُ عَلَیکُمْ ایها الاَرْواحُ اَلَّتی حَلَّتْ بِفِناءِ قَبْرِ الْحُسَینِ وَ اَناخَتْ بِرَحِله اَشْهَدُ اَنَّکُمْ اَقَمْتُمْ الصَّلوه و اتَیتُم الزَّکوه، وَ اَمَرْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهیتُمْ عَنِ الْمُنْکَرِ وَ جاهَدْتُمُ الْمُلْحِدینَ وَ عَبَدْتُمُ اللهَ حَتّی اتیکُمَ الْیقین.» سپس گفت: سوگند بر آن که پیامبر را به نبوت برانگیخت، ما هم در آنچه شما درآمدید، شریک هستیم.

عطیه گفت: ای جابر! چگونه شریکیم، درحالی که ما در این وادی نبودیم و سختی ندیدیم و شمشیری نزدیم، ولی این عزیزان، جانشان از دست رفته و میان سر و بدنشان جدایی افتاده است و فرزندانشان به اسارت رفته اند؟ جابر گفت: «ای عطیه! از حبیبم رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: هرکه گروهی را دوست بدارد، با آنان محشور می شود و هرکه کار کسی را دوست بدارد، با او در آن عمل شریک است».(۱)

دعایمان کن

«اَلْسَّلامُ عَلَیکَ وَ عَلی الاَرْواحِ التَّی حَلَّتْ بِفِنائِکَ»

دعایمان کن ای ثارالله! ای خون تپنده در رگ های تاریخ! دعایمان کن تا بر تمام کربلاها و عاشوراهای روزگار صبر کنیم و شمشیر از کف نیندازیم. زینب دلاورت را بگو دعایمان کند تا در هیچ شام و کوفه ای تهدید و هراسی از افشای ستم نداشته باشیم و ابلاغ حق را از زبان در کام نگیریم. عباس غیورت را بگو دعایمان کند تا قطعه قطعه شدن و ذره ذره جان باختن در راه حق را تاب بیاوریم و علم داری مکتب آزادی را از یاد نبریم.

دعایمان کن یا ثارالله! که بر یزیدان روزگار سر تسلیم و رضا فرود نیاوریم و آزادگی را با خون خویش، پیروز عالم سازیم.

۱- ۱. عبدالحسین اشعری، ۷۲ مجلس در عزای مظلوم، صص ۲۴۷ _ ۲۴۹ .

آه، مگر نه آنکه از فرزند آدم عهدی ازلی ستانده اند که حسین علیه السلام را از سر خویش دوست تر بدارد؟(۱)

نقش اربعین در احیای یاد عاشورا و گسترش نهضت امام حسین علیه السلام مبارزان و مجاهدان بسیاری در طول تاریخ به خون خواهی اباعبدالله علیه السلام و اقامه شعائر حسینی برخاسته اند. اولین حرکت با شعار «یا لثارات الحسین» توسط توابین صورت گرفت و سپس ابوالاحرار، زید شهید علیه السلام و سادات برگزیده ای همچون حسین شهید فخ و دیگر فرزندان نمونه پیامبر، این راه را ادامه دادند و در ماندگارکردن نام امام حسین علیه السلام و قیام او، جان فشانی ها و ازخودگذشتگی های بسیاری نشان دادند و به دنبال ایشان، شیعیان اصیل و شرافتمند به هر شهر و حکومتی که وارد شدند و در آن اقامت کردند یا از آن گذشتند، در تحقق این هدف از هیچ کوشش و ایثاری دریغ نورزیدند.

مراسمی که شیعیان در عاشورا و اربعین برگزار می کنند و نیز اجتماع میلیونی ای که با حضور مسلمانان و توده مردم از ادیان و مذاهب گوناگون تشکیل می شود، برای کسانی که در مخیله شان فکر تعرض به عواطف و احساسات حسینی را می پرورند، یک تهدید و هشدار است. فرد فرد عزاداران امام حسین علیه السلام ، برای تعدی کنندگان به شعائر حسینی، تهدید و خطری بزرگ است و هرگام ایشان، گلوله ای است که سینه معاندان را نشانه گرفته است. صدام با همه وحشی گری اش نتوانست یاد و نام حسین را از دل مردم ببرد و اینک که سال هاست طاغوتش درهم شکسته، این شب پره های کورباطنی که شبانه و مخفیانه عمل می کنند، نخواهند توانست با ترور و ایجاد وحشت و انفجار، در شعائر و آیین های حسینی اخلال کنند.

معارف زیارت اربعین

زیارت اربعین را صفوان از امام صادق علیه السلام نقل کرده اند و مرحوم شیخ طوسی= در _مصباح المتهجد_ (صص ۷۸۸ _ ۷۹۰) و مرحوم کفعمی در _المصباح_ (صص ۶۴۸-۶۵۰) و... نقل کرده اند که در آن معارف بلندی آمده است و در این نوشتار مختصر، به اجمال برخی از آن موارد شرح داده می شود:

۱- ۱. دائره المعارف تشیع، ج ۷، ص ۲۸۱ .

در بخش اول زیـارت، سـلام آغازین این زیارت نامه هماننـد سایر زیارت نامه های واردشـده، بر پیامبران برگزیـده خداونـد و امامـان: است و این خـود ادب بزرگی است که در تمـامی زیـارات، به آن سـفیران هـدایت، سـلام داده می شود؛ چون تمـامی پیامبران حامل خط نورانی بندگی خداوند ند و باید آن بزرگان را گرامی داشت.

در بخش دوم زیـارت، به معرفی امـام حسـین علیه السـلام و هـدف و فلسـفه قیـام ایشـان اختصـاص دارد: «و بـذل مهجته فیک لیستنقذ عبادک من الجهاله و حیره الضلاله...؛ کسی که نهایت تلاش را در دعوت مردمان برای هدایت به کار برد و برای آنان به هر نحو ممکن خیرخواهی کرد تاآنجـاکه در نهـایت خون خویش و جان عزیزش را برای بیـداری مردم از نادانی و گمراهی فدا کرد».

بخش سوم زیارت لشـکریان مقابل امام حسـین علیه السـلام را معرفی می کنـد: از مردمانی دنیاطلب، دین به دنیافروش، پیروان طاغوت و هوس ران، اهل اختلاف و نفاق و گروهی جهنمی.

در بخش چهـارم زیـارت آمـده است: «أشـهد أنک کنت نوراً فی الاصـلاب الشامخه و الارحام المطهره....» این فراز، هم عمق ایمـان شـیعه به خداونـد سبحان را ابراز می دارد و هم اوج پـاکی و طهارت امامان شـیعه را درحالی که مخالفان ائمه اطهار: و غاصبان خلافت علی علیه السلام هیچ کدام، این ویژگی نورانی و افتخار بزرگ را ندارند.

اگرچه این دعا و زیارت کوتاه است؛ اما معانی ژرفی را القا می کنـد. پس در راه ترویج و فرهنگ زیارت ائمه اطهار: که چون خورشـیدی فروزان بر بام قرون قرار گرفته اند و به هدایت و بیدارگری مردم و شکوفایی اندیشه بشریت مشغول اند، باید بیشتر کوشید و چنان باید آنان را ستود که شایسته شان است.

زیارت اربعین، زیارتی عمیق و مهم است که شیعه در نشـر قیام عاشورا و بازشناسی فلسفه قیام و معرفی امام مظلوم و شهیدش، آن را پاسداری می کند.

یقین به ظهور امام زمان

«وَاَشْـهَدُ اَنَّ الاْئِمَّهَ مِنْ وُلْدِکَ کَلِمَهُ التَّقْوی وَاَعْلامُ الْهُدی: گواهی دهم که همانـا امامان از فرزنـدانت، روح و حقیقت تقوا و نشانه های هدایت اند».(۱)

ص: ۳۰

۱- ۱. بخشی از زیارت اربعین.

«وَالْعُرْوَهُ الْوُثْقی وَالْحُجَّهُ علی اَهْـلِ الـدُّنْیا وَاَشْـهَدُ اَنّی بِکَمْ مُؤْمِنٌ وَبِاِیـابِکَمْ مُوقِنٌ و رشـته هـای محکم (حق و فضـیلت) و حجت هایی بر مردم دنیا هستند و گواهی می دهم که من به شما ایمان دارم و به بازگشتتان یقین».

در فرازی از این زیارت از خـدا می خواهیم تا ما نیز براساس اعتقاداتی که به رجعت داریم، هنگامی که امام مهـدی[ظهور می کنـد یار و یاور وی باشـیم. برای این منظور ابتـدا ایمان و اعتقاد قلبی خود را به ظهور حجت ابراز می کنیم. در انتها از خداوند می خواهیم به ما این توفیق را بدهد هنگام حضور امام مهدی[ما نیز یاور وی باشـیم و همراه دوسـتان وی او را همراهی کنیم و از خدا می خواهیم ما را در صف دشمنان آن حضرت قرار ندهد.

تجدید بیعت با سرور شهیدان

«اللهم انّی اُشه_دُکَ اَنّی وَلیٌ لِمَن والاهُ؛ خدایا! من تو را گواه می گیرم هرآن که حسـین علیه السـلام را دوست دارد، دوسـت می دارم»(۱)

«و ع_َدُوٌ ل_ِمَن عاداهُ؛ و دشمنم با هرکسی که دشمن اوست».

«بِابی انتَ وَ اُمّی یابنَ رَسولِ الله؛ پدر و مادرم به فدایت ای فرزند پیامبر اکرم».

این اذکـار؛ یعنی پیروی مـا از آن بزرگواران در حـدی است که در تمام شدایـد و سـختی ها و گرفتاری ها و همچنین در تمام شادی ها و آرامش ها با شما، بلکه عین شما هستیم.

مگر ممکن است پیرو حقیقی هنگام صلح و آرامش همراه اهل بیت باشد و در جنگ و محاربه، بی توجه به آنها یا رودرروی آنها؟! مگر ممکن است شیعه راستین، در جنگ با آن بزرگواران باشد و در صلح به مخالفت با آنان برخیزد؟! هرگز این چنین نیست؛ زیرا معنای حقیقی شـیعه، پیروی از اهل بیت در تمام اوضاع است و پیرو واقعی، روحش با امام خود یکی می شود؛ لـذا صلح امام صلح شیعه و جنگ امام جنگ شیعه می شود. چنان که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پس از آنکه خامس آل عبا را زیر کسـا جمع کرد، فرمود: «اللّهم انّ هؤلاـء اهـل بیتی و خـاصّتی و حامّتی، لحمهم لحمی و دمهم دمی، یؤلمنی ما یؤلمهم و یحزننی ما یحزنهم، انا حربٌ لمن حاربهم و سلمٌ لمن سالمهم و عدوٌّ لمن عاداهم و محبٌّ لمن

۱- ۱. بخشی از زیارت اربعین.

احبّهم، انّهم منی و انا منهم...» زمانی که تمامی آنان (پنج تن) گرد آمدند و تعداد کامل شد، رسول خدا طرفین عبا را گرفت و با دست راست خود به سوی آسمان اشاره کردند: «پروردگارا اینان اهل بیت و خاصان و یاوران من هستند، گوشت آنان گوشت من و خون آنان خون من است، آنچه ایشان را بیازارد مرا آزرده است؛ آنچه آنان را به زحمت افکند، مرا به زحمت افکنده؛ هرکه با آن بجنگد، با من جنگیده و هر که با آنان در سلم و صلح باشد، با من در سلم و صلح است؛ هرکه با آنان دشمنی ورزد با من دشمنی ورزیده؛ هرکه آنان را دوست بدارد مرا دوست داشته است. من از آنانم و آنان از من.

اهداف قیام امام حسین علیه السلام «... و بَذلَ مُهجَتــَهُ فیکَ لیَستــَنقِــذَ عِبادکَ مِنَ الجَهالهِ وَ حَیرَهِ الضــَلاله؛(۱) خدایا! جانش را در راه تو بخشید تا بندگانت را از نادانی، سرگردانی و گمراهی نجات دهد».

امام حسین علیه السلام قبل از خروج از مکه خطاب به برادرش محمد حنفیه وصیت نامه ای نوشت که ضمن آن اهداف خود را از قیام اعلام می دارد. در آنجا می فرماید: «من برای اصلاح دین جدّم رسول الله و امربه معروف و نهی ازمنکر قیام می کنم.

با مطالعه تاریخ زمان امام حسین علیه السلام درمی یابیم که در دین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم تغییرات بسیاری ایجاد و بدعت های فراوانی نهاده شده بود. امام برای اینکه حقیقت دین رسول اکرم حفظ شود و دینی سالم به نسل های بعدی رسانده شود، هیچ راهی نداشت جز اینکه قیام کند و بدین وسیله اعلام کند حقیقت دین اسلام به یغما برده شده و دین کنونی، دینی است تحریف شده که خلفا به واسطه آن، راهی برای حکومت نامشروع خود یافته اند. پس امام قیام می کند تا پیام دین واقعی را به گوش افرادی برساند که خواهان شنیدن حقیقت هستند برساند.

روز تجدید عزاداری

اربعین روز تجدید عزاداری برای سالار شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین است. امام رضا علیه السلام درباره اهمیت سوگواری و تعزیه برای آن حضرت علیه السلام فرمود: «مَنْ تَذَکَّرَ مُصَابَنَا وَ بَکَی لِمَا ارْتُکِبَ مِنَّا کَانَ مَعَنَا فِی دَرَجَتِنَا یوْمَ الْقِیامَهِ وَ مَنْ ذُکِّرَ بِمُصَابِنَا فَبَکَی وَ أَبْکَی لَمْ تَبْکِ عَینُهُ یوْمَ تَبْکِی الْعُیونُ وَ مَنْ جَلَسَ مَجْلِساً یحْیا فِیهِ أَمْرُنَا لَمْ یمُتْ قَلْبُهُ یوْمَ تَمُوتُ

۱– ۱. همان.

الْقُلُوبُ؛ کسی که متذکر مصایب ما شود و به دلیل ستم هایی که بر ما وارد شده گریه کند، در روز قیامت با ما خواهد بود و مقام و درجه ما را خواهد داشت و کسی که مصیبت های ما را بیان کند و خود بگرید و دیگران را بگریاند؛ در روزی که همه چشم ها گریان است، چشم او نگرید و هرکسی در مجلسی بنشیند که در آن مجلس، امر ما را زنده می کنند؛ روزی که قلب ها می میرند، قلب او نخواهد مرد.(۱)

نخستین زائر

جابربن عبدالله انصاری و اربعین

جابربن عبدالله انصاری، از اصحاب رسول خدا و شیعه امیرمؤمنان علی علیه السلام است. وی در جنگ بدر و هجده جنگ دیگر کنار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم جنگید. او در جنگ صفّین در رکاب حضرت علی علیه السلام حضور داشت. جابر از یاران وفادار حسین علیه السلام و امام زین العابدین علیه السلام و امام باقر علیه السلام نیز بود و سلام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را به امام محمدباقر علیه السلام رسانیده است.

وی نخستین شخصی است که از مدینه به زیارت قبر مطهر سیدالشهدا علیه السلام رفت. جابر در بیستم صفر سال ۶۲ هجری (اربعین امام حسین علیه السلام)، به زیارت مرقد مطهر امام حسین علیه السلام شتافت و هنگام رسیدن به کربلا در کنار شط فرات غسل کرد. سپس به کنار قبر مطهر امام حسین آمد و چون بینایی خویش را از دست داده بود، به غلام خویش گفت: دست مرا روی قبر سیدالشهدا علیه السلام بگذار. غلام وی می گوید: [چون دستش را روی قبر گذاشتم]، از حال رفت و غش کرد. پس از اینکه به صورت او آب پاشیدم و حالش به جا آمد، سه مرتبه فریاد زد: «یا حسین» و سپس فرمود: «آیا دوست، پاسخ دوستش را نمی دهد؟».(۲)

شخصیت جابربن عبدالله از دیدگاه اهل سنت

جابربن عبدالله، هم از دیدگاه شیعه و هم از نگاه بزرگان اهل سنت ستوده و معظم شده است. ابن عساکر در _تاریخ دمشق_ می نویسد: «او جوان ترین فرد از ۷۰ نفر انصار بود که در عقبه شرکت داشت و با رسول خدا صلی الله علیه و آله بیعت کرد و از ۲۷ غزوه که پیامبر در آن شرکت کرد، جابر در ۱۶ غزوه حضور داشت و گاهی پدرش او را سرپرست سایر برادران

۱- ۱. بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۷۸.

۲- ۲. جمعی از نویسندگان، دائره المعارف تشیع، ج ۵، ص ۲۴۷ .

وی و عیال می گماشت، تا اینکه پدرش در جنگ احد به شـهادت رسید. سپس او در تمام جنگ ها شرکت جست». مسعودی نیز در _مُرُوج الذَّهَب_ می نویسد: «او به دمشق رفت و با معاویه ملاقات داشت و معاویه از سخنان او بسیار ناراحت شد. سپس معاویه ششصد دینار برای وی فرستاد و جابر آن را نپذیرفت و پس داد.» جزری هم در _اسدالغابه_ نوشته است: «جابر در آخر عمر خویش بینایی خود را از دست داد و پس از مرگش، ابان بن عثمان، امیر مـدینه، بر جسد او نماز گزارد. وی پس از وفات رسول خـدا صـلی الله علیه و آله در انتظـار عملی شـدن وعـده پیامبر بود که به او خبر داده بود: «تو یکی از فرزنـدان مرا درک خواهی کرد که نام و شـمایل وی شبیه من است. سـلام مرا به او برسان.» جابر آن قـدر زنـده ماند تا امام محمدباقر علیه السـلام باشد، زیارت کرد».

حَمْ‌دَوَیهِ از امام صادق علیه السـلام روایت می کنـد: «جابر از یاران صدیق اهل بیت: بود.» او در مسـجد پیامبر می نشـست و با صـدای بلنـد می گفت: «یا باقرالعلم! یا باقرالعلم!» مردم مدینه می گفتند: جابر هذیان می گوید و او می گفت: «به خدا سوگند که هرگز هذیان نمی گویم. شـنیدم رسول الله صـلی الله علیه و آله و سـلم فرمود: «تو به زودی مردی از اهل بیت مرا درک می کنی که همنـام من است و شـمایل مرا دارد و بـاقرالعلوم است.» این است که من در انتظـار به سـر می برم و بیهوده سـخن نمی گویم. در روایت آمده است پس از ولادت سیدالشـهدا علیه السـلام ، جابر به محضـر حضرت فاطمه زهرا علیها السلام رسید تا مقـدم مولود را تبریک بگویـد. لوح سبزی در دست حضـرت دیـد که در آن اسم های همه امامان نوشته شده بود. او با اجازه حضـرت زهرا علیها السـلام از روی آن، نسـخه ای نگاشت و برای خود نگاه داشت». همچنین از محمـدبن مسعود روایت شده است: جابر با سخنان خود مردم را به دوستی و پیروی از امیرالمؤمنان علی علیه السلام دعوت می کرد و در کوچه ها و مجالس مدینه بر عصای خود تکیه می داد و از فضایل علی علیه السلام سخن می گفت.(۱)

جابر، نخستین زائر حسـین علیه السـلام جابربن عبدالله انصاری، از صـحابه پیغمبر اکرم صـلی الله علیه و آله و سلم و از اصحاب جوان پیغمبر بود. او در جنگ خندق، ۱۶ سال داشت و هنگام وفات رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم تقریباً بیست ودو _ سه ساله بود؛ بنابراین در سال ۶۱ هجری قمری، جابر هفتادوچندساله بوده است. او حدود ۱۲ سال از اباعبدالله بزرگ تر بود و با آن حضرت خیلی انس داشت. جابر که در اواخر عمر

۱- ۱. همان، صص ۲۴۷ و ۲۴۸.

کور شـده بود، بـا محـدث بزرگواری که مرد بود به نـام عطیه عوفی به کربلاـ آمـد و قبل از آنکه به زیارت تربت حسـین علیه السلام برود، سراغ فرات رفت، غسل زیارت کرد و با سُعد(۱) خودش را خوش بو کرد.

عطیه می گویـد: «وقتی جابر از فرات بیرون آمد، گام ها را آهسـته برمی داشت و در هر گامی، ذکری از اذکار الهی بر زبانش بود به نزدیکی قبر مقدس حسـین علیه السـلام رسید: آنگاه دو ــ سه بار فریاد کشید: حبیبی یا حسین؛ دوستم، حسین جان! بعد گفت: حبیب لا یجیب حبیبه؟! دوست، جواب دوسـتش را چرا نمی دهد؟ من جابر، دوست تو و رفیق دیرین تو هستم. پیر غلام تو هسـتم. چرا جواب مرا نمی دهی؟ بعـد گفت: عزیزم، حسـینم! حق داری جواب دوسـتت را ندهی. من می دانم با رگ های گردن تو چه کردند. من می دانم سر مقدس تو از بدن جداست. گفت و گفت تا افتاد و بی هوش شد.

وقتی به هوش آمـد، سرش را برگردانـد به این طرف و آن طرف و مثل کسـی که با چشم باطن می بیند، گفت «اَلْسَّلامُ عَلَیکُمْ اَیتُهَا اَلاَرْواحَ الَّتی حَلَّتْ بِفِناءِ الْحُسَینِ؛ سـلام من بر شـما مردانی که روح خودتان را فدای حسـین کردید.» بعد از آن گفت: «و من شـهادت می دهم که ما هم با شما در این کار شریک هستیم.» عطیه از گفته جابر تعجب کرد ما با اینها در این کار شریک باشـیم یعنی چه؟! به جـابر گفت: معنی جمله ات را نفهمیـدم. مـا که جهاد نکردیم. ما که قبضه شمشـیر به دست نگرفتیم، چرا شریک باشـیم؟! جابر جواب داد: «در اسـلام اصلی وجود دارد که من از پیغمبر شنیدم. ایشان فرمود: هرکسی که واقعاً عملی را دوست بـدارد،روحش هماهنگ باشد، در این عمل شـریک است. من اگر در رکاب حسـین علیه السـلام شـرکت نکردم، نمی توانسـتم شـرکت کنم، از من جهاد برداشـته شده بود، ولی روح من پرواز می کرد که در رکاب حسین علیه السلام باشد. چون روح ما با روح حسین بود، من حق دارم ادعا کنم که ما با آنها در این عمل شریک هستیم».(۲)

اربعین؛ تجدید میثاق با شهدا

سه روز عزاداری بر مزار عزیزان، قبل از عزیمت به مدینه پیام دارد. حرکت این کاروان در مسـیر کربلا به کوفه، کوفه به شام و شـام به مـدینه پیـام داشـته است و بزرگ ترین پیـام، زنـده نگه داشـتن یاد شـهدا و ادامه دادن راه آنان و ابلاغ پیام شـهیدان به جهانیان است.

۱- ۱. سُعد: گیاهی خوش بو که آن را خشک می کردنـد و بعـد می ساییدند و پودر می کردند و از آن به عنوان عطر و بوی خوش استفاده می کردند.

۲- ۲. مرتضی مطهری، حق و باطل، صص ۹۰ – ۹۲.

بی شک، بزرگداشت اربعین حسینی تنها بر پا داشتن عَلَم عزای او و اشک ریختن در ماتم او نیست، بلکه در ورای این صورت ظاهر، که بسیار نیز سفارش شده است، حقیقتی وجود دارد و آن احیای آرمان ها، اهداف و توجه به انگیزه های آن حرکت بی نظیر در تاریخ بشر است و در جامعه اسلامی و شیعی ضرورت توجه به آن پیام ها افزون تر است.

احیای سنت ها و افشای باطل، تشخیص مؤمنان راستین از مسلمان نمایان، همه چیز را فدای دین کردن، احیای مکتب شهادت، پیوند حماسه و عرفان، صبر و پایداری در مسیر مبارزه، کارزار دائمی با زورگویان و زورمداران، رسواساختن حاکمان ریاکار و ایادی چاپلوس و فریب کار آنان، از درس های نهضت بزرگ عاشوراست و کاروان اربعین بیشترین نقش را در ابلاغ این پیام ها به آیندگان داشته است.

درس گرفتن از پیام اربعین، به آگاهی یافتن از تمامی اهداف، برنامه ها و خط مشی های رهبر آن نهضت خونین نیازمند است؛ او که در قالب گفتار، رفتار، خطبه، پاسخ به سؤالات و بیان موعظه، به جهانیان درس ها آموخت.

اربعین حسینی، تکمیل عاشورا

اربعین در واقع، تکمیل انقلاب عاشوراست که با وجود شخصیت های بزرگواری همچون امام سجاد علیه السلام و حضرت زینب علیها السلام تبیین می شود، شخصیت هایی که در کوره راه سفر به کربلا چه در هنگام جنگ و خون، چه در مصیبت شهادت عزیزان و منتسبان و چه در مسیر پر تلاطم اسارت، لحظه به لحظه بر ابعاد مختلف انقلاب الهی امام حسین علیه السلام می آفزایند. اربعین حسینی فقط برگزاری مراسم چهلم برای شهدای کربلا نیست، بلکه فرصتی ویژه است برای همه افرادی که پابه پای قیام کربلا حرکت کرده اند تا در این روز، بار دیگر با امام و ولی خدا، تجدید کنند.

اربعین حسینی فرصتی ویژه برای همه محبان سیدالشهدا علیه السلام است که پس از چهل روز سوگواری و شرکت در محافل حسینی، باز هم بر ولایت معصومان: تأکید کنند.

اربعین، جاودانگی امامت ائمه هدی:

به طور قطع، اربعین و روشنگری های سفیران به جای مانده از نهضت عاشوراست که این نهضت به یادگار مانده از مکتب امامت و وحی را برای ما تا امروز حفظ کرده است. اربعین حسینی، در حقیقت پاسداشت ارزش های ولایی است که امام حسین علیه السلام بر سر آنها تا پای جان ایستادگی کرد.

ص: ۳۶

اربعین، رکن بیداری و بصیرت

اربعین حسینی خود بیدارکننده اذهان خفته مردم آن روزگار بود و البته هنوز هم با گذشت هزاروانـدی سال از زمان دقیق اربعین شهادت امام حسین علیه السلام ، این کارکرد در اربعین های حسینی وجود دارد. کوفیان عصر امام حسین علیه السلام به امام خود پشت کردند و ایشان را در آن معرکه جنگ تنها گذاشتند، اما اربعین حسینی همه این اذهان خفته را بیدار کرد. هرچند تا اربعین، برخی از مردم کوفه همچنان در غفلت بودند، اما حضور کاروان کربلا و خاندان عترت در مدفن شهدای کربلا، جرقه دیگری بر اذهان مردمی بود که همچنان در خواب غفلت و جهالت به سر می بردند. حرکت انقلاب امام حسین علیه السلام در اربعین حسینی بار دیگر زنده شد و اهل بصیرت، راه خود را از ساکتان و بی تفاوت های تاریخ جدا کردند و با کاروان اهل بیت: برای عزاداری و بزرگداشت یاد شهدای کربلا همراهی کردند.

شناخت اربعین حسینی به معنی داشتن بصیرت و بینش است و افرادی که امام خود را در هر شرایطی یاری می کنند، قطعاً تا همیشه بیدار خواهند ماند و این به معنی ولایت پذیری و همراهی با ولی و حجت خداست.

امام شناسی و تأسی به ولایت

حضور در پیاده روی های اربعین حسینی در حقیقت حضور در همایش عظیم و عمومی، برای تجدید عهد با امام معصوم: است و در چنین شرایطی همنوایی ویژه ای میان آحاد مردم شکل می گیرد که این اجتماع عمومی ضمن وحدت آفرینی دینی، بصیرت آفرین نیز خواهد بود؛ زیرا همه به سمت یک مقصد که امام معصوم: است، در حرکت اند و همین موضوع فرصت خوبی را برای امام شناسی و توسعه فرهنگ ولایت ایجاد می کند.

کربلا- میعادگاه عاشقان پاک باخت های است که در روز اربعین با پای پیاده می آیند تا بگویند برای دفاع از ولایت تا پای جان ایستاده اند و این انسجام قطعاً تلنگر مرگبار و تکان دهنده ای برای گروهک های تروریستی همچون داعش خواهد بود.

ص: ۳۷

زیـارت امـاکن مقـدس، عبـادتی است که قـدمت آن به اولین پیامبر خـدا آدم ابوالبشـر علیه السـلام می رسـد. نقل است که او هفتادمرتبه به خانه خـدا سـفر کرده است. اگر این عبادت همراه با سـختی و مشـقت باشد، اجر و ثواب بیشتری هم دارد به ویژه اگر مقصـد زیارت، مراقـد مطهر یکی از معصومان: باشـد و در این بین زیارت مرقـد شـریف اباعبـدالله الحسـین علیه السـلام از والاترین و بافضیلت ترین آنهاست؛ زیرا خود معصومان: فرموده اند: همه ما کشتی نجاتیم، ولی کشتی حسین علیه السلام سریع تر می رود: «سفینه الحسین علیه السلام أسرع».

از سوی دیگر، این گونه زیارت حرم اهل بیت رسول الله صـلی الله علیه و آله و سلم نشانه روشنی از دوستی وافر به این خاندان پاک است که زمینه ای مناسب را برای اطاعت از آنان فراهم می کنـد و تجدیـد پیمانی محکم با این انوار مقـدس است که در اوج شور و شعور دینی صورت می گیرد. زیارت اربعین امام حسین علیه السلام از جمله این فرصت های ناب است.

نمونه هایی از زیارت پیاده بزرگان

۱. شـیخ مرتضـی انصاری از جمله احیاکنندگان سنت پیاده روی برای زیارت امام حسین علیه السلام بود و خود ایشان نیز پیاده از نجف به کربلا می آمد.

۲. میرزاحسـین نوری، صـاحب _موسوعه_ حـدیثی «مسـتدرک الوسائـل» در عیـد قربـان هر سـال به صورت پیاده به کربلا می رفت.

۳. سیدمهدی بحرالعلوم در دسته عزای «طوریج» که پیاده به کربلا می آمدند، حضوری پررنگ داشت.

۴. شـیخ جعفر کـاشف الغطـاء در یکی از پیاده روی هایش به کربلا، به حضور حضـرت ولی عصـر[شـرفیاب شـد و حضـرت، ایشان را به سینه خویش چسباند و فرمود: «خوش آمدی ای زنده کننده شریعت ما».

۵. آیت الله مرعشی نجفی بیست بار پیاده به همراه تعدادی از طلاب که همه از مراجع و بزرگان شدند، به کربلا مشرف شد.

همچنین بزرگانی مانند شـهید صدر اول و شـهید صدر دوم در این پیاده روی شـرکت می کردند. شهید صدر دوم (سیدمحمد صدر) حتی فتوا به وجوب پیاده روی به سوی حرم‌های امیرمؤمنان علی علیه السـلام و سیدالشهدا علیه السلام را صادر کرد و با این فتـوا به مبـارزه بـا سیاست ضـددینی حزب بعث رفت و در برخی از خطبه هـای جمعه اش در نجف اشـرف بر این موضوع تأکید می کرد.

تـأثیر این پیـاده روی در نجات حقیقی بشـر که همان ظهور امام زمان[است، کتمان پـذیر نیست. همان گونه که می دانیـد، در روایات اهل تسـنن و شـیعه آمـده است که امام زمان[در آغازین لحظات ظهور، مابین رکن و مقام می آیسـتند و پنـج نـدا می دهند:

الا یا اَهلَ العالَم! اَنَا الاِمام القائِم؛ آگاه باشید ای جهانیان که منم امام قائم.

اَلا یا اَهلَ العالَم! اَنَا الصَّمصامُ المُنتَقِم؛ آگاه باشید ای اهل عالم که منم شمشیر انتقام گیرنده.

اَلا یا اَهلَ العالَم! اِنَّ جَدِی الحُسَین قَتَلُوهُ عَطشاناً؛ بیدار باشید ای اهل جهان که جدّ من حسین را تشنه کشتند.

الا یا اَهلَ العالَم! اِنَّ جَدِی الحُسَین طَرَحُوهُ عُریاناً؛ بیدار باشید ای اهل عالم که جدّ من حسین را روی خاک افکندند.

اَلا یا اَهلَ العالَم! اِنَّ جَدِی الحُسَین سَحَقُوهُ عُدواناً؛ آگاه باشید ای جهانیان که حق جد من حسین را از روی کینه توزی پایمال کردند.

بنابراین، امام زمان[با امام حسین علیه السلام خود را معرفی می کند و در روایات باز به این نکته اشاره می شود که همه انسان های زنده در آن روز ندای حضـرت را می شـنوند و او را می شناسند. پس نتیجه می گیریم قبل از ظهور باید همه بشر از شرق تا غرب عالم امام حسین علیه السلام را بشناسند.

پیاده روی اربعین این سال ها، در حقیقت اولین حرکت ملموس همه مسـلمانان به شـمار می آیـد که در تعجیل ظهور حضـرت حجت[بسـیار مؤثر است؛ زیرا بایـد ابتدا همه امام حسـین علیه السـلام را بشناسـند تا معرفی کردن امام زمان با امام حسـین علیه السلام معنا پیدا کند.

رونق گرفتن شـگفت انگیز مراسم اربعین در طی سال های جاری و حضور ده ها میلیونی عاشـقان حسـینی از سراسـر جهان که موجب حیرت جهانیان شده است، بشارت های بزرگی دارد؛ بشارت فراهم شدن سـپاه بزرگ اسـلام برای یاری آخرین حجت حق، بشارت بازشدن راه قدس که از کربلا می گذرد، بشارت فراگیر شدن نام و یاد حسـین علیه السـلام که امام عصـر[هنگام ظهور، خود را با این نام معرفی می کند و... .

آیا رهسپارشدن عاشقانه بزرگ و کوچک، زن و مرد، پیر و جوان به سوی قبله دل ها و عظمت بی نظیر عزاداری سالار شهیدان، نویدبخش در راه بودن منتقم خون حسین علیه السلام نیست؟

آیا این پیاده روی های میلیونی اربعین، تمرین حضور در ظهور و بشارت بخش بسیار نزدیک بودن آن نیست؟ آیا این حضور بی نظیر اربعین در کربلا، بشارت بخش بسیار نزدیک بودن آغاز حرکت سپاهیان عشق از عاشورای کعبه نیست؟ یقیناً جهان به زودی با چشمانی حیرت زده، جمال نورانی طالب خون کربلا را در میان اقیانوس عزاداران حسینی مشاهده خواهد کرد، سیمایی ملکوتی که بعد از نوحه خوانی در رثای جدّ مظلوم خویش، برای ریشه کن کردن ظلم و فتنه در جهان و حرکت به سمت بیت المقدس از مسلمانان یاری خواهد خواست.

چه زیبا فرمود امام عاشقان، امام خمینی=، راه قدس از کربلا می گذرد!

زیارت؛ پنجره ای رو به ابدیت

کسب طهارت و دوری از گناهان

زیارت معصومان: چه در حال حضور و چه بعد از وفات ایشان تأثیرات شگرفی بر روح و روان انسان دارد و او را به سوی معنویات و مکارم اخلاقی و انسانی سوق می دهد. شاید یکی از حکمت های مهم زیارت، همین توجه زائر به معنویات، دعا، ذکر و نماز در حرم اولیای الهی و سعی در اصلاح، خودسازی و کسب طهارت درونی است.

امام صادق علیه السلام آیه شریفه «ثُمَّ لْيَقْضُوا تَفَثَهُمْ»(۱) [که پیرامون مناسک حج است] را به دیدار امام تفسیر می کند؛(۲)یعنی در پرتو دیدار و زیارت آنان، کدورت های اخلاقی و رذایل درونی زدوده می شود و انسان از ظلمت و قساوت قلب رهایی می یابد.

بر این اساس، یکی از برکات و آداب حضور در مرقد معصومان: توبه، استغفار و دوری از گناهان است؛ زیرا آنان بهترین واسطه بین خداوند و انسان ها هستند. قرآن کریم توصیه می کند کسانی که گناه و بر خود ستم کرده اند، به حضور پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بشتابند و از او طلب مغفرت کنند و آن حضرت نیز برای آنان از خداوند آمرزش بطلبد: «وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا؛ و

۱- ۱. حج، ۲۹ .

۲- ۲. الکافی، ج ۴، ص ۵۴۹ .

اگر این مخالفان، هنگامی که به خود ستم کردند (و فرمان های خدا را زیر پا گذاردند)، به نزد تو می آمدند و از خدا طلب آمرزش می کردند و پیامبر هم برای آنها استغفار می کرد، خدا را توبه پذیر و مهربان می یافتند».(۱)

تقرب به خدا

یکی از اسرار و فواید خاندان وحی و بزرگداشت نام و یاد آنان، تقرب به خدا و جلب عنایات و توجهات ویژه اوست.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم به حضرت علی علیه السلام می فرماید: «یا اباالحسن! به درستی که خدای تعالی، قبر تو و فرزندان تو را بقعه هایی از بقعه های بهشت و عرصه ای از عرصه های آن قرار داده و دل های بزرگان از مردم و برگزیدگان بندگان خود را به آنها مایل ساخته تا خواری و اذیت در راه [زیارت] شما را متحمل شوند و قبور شما را تعمیر کنند و بسیار به زیارت قبور شما آیند تا موجبات تقرب به خدا و دوستی پیغمبرش را فراهم سازند. یا علی! شفاعت من مخصوص این گروه خواهد بود و آنان بر حوض من وارد خواهند شد و ایشان فردا زیارت کنندگان من در بهشت خواهند بود».(۲)

بهره مندی از شفاعت و آمرزش گناهان

یکی از اموری که انسان را به رحمت الهی امیدوار می سازد، مسئله شفاعت مقربان درگاه الهی و واسطه قراردادن آنان است. برخلاف کسانی که از تعلیمات قرآن بویی نبرده اند و واسطه قراردادن آبرومندان درگاه الهی را شرک می دانند، قرآن مجید مؤمنان را به یافتن وسیله و راه برای تقرب به خداوند سفارش نموده، می فرماید: «یا ایها الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَیهِ الْوَسِیلَةَ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! از [مخالفت فرمان] خدا بپرهیزید! و وسیله ای برای تقرب به او بجویید».(۳)

امام رضا علیه السلام در باب بهره مندی زائران از شفاعت و آمرزش گناهان می فرماید: «من دفن می شوم در سرزمین شما و من پاره تن پیامبرم، من امانت و ستاره آن خاندانم؛ هر که مرا با شناخت آنچه خداوند تبارک و تعالی از حقم و اطاعتم، واجب کرده است، زیارت کند، من و پدرانم در روز قیامت شفیع او خواهیم بود و هرکه ما در قیامت شفیع او باشیم، جز نجات یافتگان است، گرچه به قدر جن و انس گناهکار باشد».(۴)

۱- ۱.نساء،۶۴.

۲- ۲. تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج۶، ص ۲۲ .

۳- ۳. مائده، ۳۵.

۴- ۴. من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، جامعه مدرسین، قم، چ سوم، ۱۴۱۳ ق، ج۲، ص۵۸۴ .

وفای به عهد

زیارت و حضور در کنار مرقد پاک معصومان: تجدید عهدولایت و قرار گرفتن در راه امامت است. امام رضا علیه السلام می فرماید: «هر امامی، عهد و پیمانی بر ذمه دوستداران و پیروانش دارد و کمال وفای به عهد و ادای نیکوی آن، زیارت قبور ائمه است.»(۱)

بهره های مادی و معنوی فراوان

علاوه بر آنچه در فواید زیارت حرم معصومان: گفته شد، می توان به بهره های فراوان مادی و معنوی که شامل حال زائران عارف می شود، اشاره نمود که به عنوان نمونه: استجابت دعا،(۲) برآورده شدن حاجت های دنیوی و اخروی(۳) در زیارت امام حسین علیه السلام و طلب رزق و روزی(۴) در زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله است.

ص: ۴۲

۱- ۱. الکافی، ج۴، ص۵۶۷ .

۲- ۲. وسائل الشیعه، ج۴، ص ۴۲۳.

۳- ۳. همان، ج۱۴، ص۴۷۶.

۴- ۴. همان، ج۱۴، ص۳۲۵.

پروانگی در چهلمین روز(۱)

نگاهی به متن های ادبی با موضوع اربعین

اربعین روز سلام

سلام، پل پیوند با کسی است که به او سلام می دهیم. روز اربعین روز سلام و پیوند با شهیدان و با آرمان شهیدان کربلاست و این سلام، سلام به فداکاری، ایمان، ایثار، خلوص، آزادگی، عزت، امربه معروف و نهی ازمنکر است.

اربعین روز سلام به صحابه حسینی است. سلام به جان های صیقل خورده است و این سلام یعنی سلام به معرفت، یقین، عبادت، رادی و آزادی و آزادگی. روز اربعین روز بیعت با خوبی و خوبان است. زیارت است و همراهی و همدلی و همراهی.

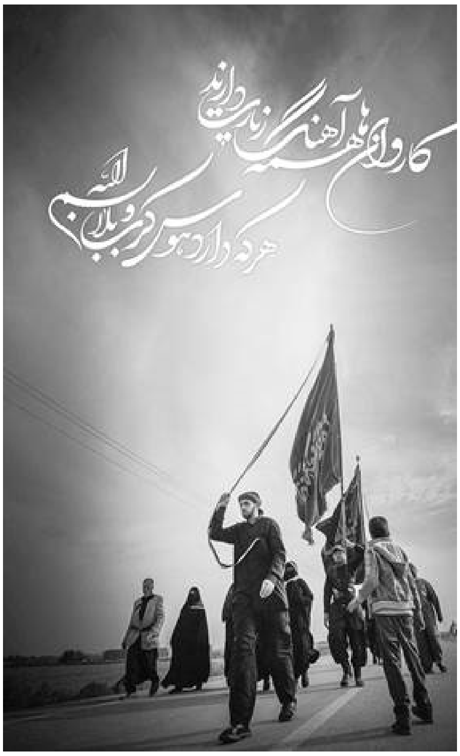
اربعین پایان هجران و آغاز وصال است.

روز، روز چشم به حسین و راه او گشودن است و رهنورد راه او بودن، هرچند این راه با زخم و درد و طعن و تازیانه و تحقیر و تلخی طی شود. اربعین همیشه «راهرو» ماندن است.

این پیام روشن، اربعین است. اربعین؛ یعنی عزّت، اربعین؛ یعنی وقار، اربعین؛ یعنی صبوری اربعین؛ یعنی کار را تا پایان پی گرفتن، الاـکرام بالاتمام. روش و مشی کریمانه این است که همیشه وقتی کاری را شروع می کنید خوب به پایان برسانید. مؤمن کسی است که این درس ها را از کربلا بیاموزد.

ص: ۴۳

۱- ۱. مطالب این بخش گلچینی از متن های ادبی منتشر شده در نشریه اشارات و سائر نشریات کشور است.



پیاده روی

شایـد با خود بگویی: از خانه هم می توانم به حسـین سـلام دهم؛ از خانه هم می توانم زیارت اربعین بخوانم. چرا بایـد سـختی چنـدروز پیاده روی را به جان بخرم و مسـیری طولانی را در گرما و سـرما طی کنم تا کسـی را زیارت کنم که همین لحظه هم در کنار من است؟ پس بشـنو سخن زینب را که به یزید فرمود: «به خدا که نمی توانی یاد و خاطره ما را نابود کنی.» اگر من از خانه ام سلام دهم و تو از خانه ات سلام دهی؛ دیری نمی پاید که داستان کربلا از یادها می رود.

پیاده روی اربعین کاری زینبی است.

آبی بر آتش جان

به التمـاس می خواهنـد آبی از دسـتانشان بگیری و بنوشـی. آنان آمـده انـد تا هرچه دارنـد تقـدیم مولایشان کننـد، اگرچه دیر آمدند.

زمان، قافله این عاشقان را هزاروچهارصد سال دیرتر به صحرای کربلا- راه داده است. حالا- به اصرار می خواهند آبی از دستانشان بگیری و بنوشی. انگار هر جرعه ای از این آب که زائران مولا را سیراب می کند. آبی بر آتش جانشان می نشاند.

سلام بر لب های تشنه حسین علیه السلام حُرمت حرم حسین علیه السلام اگر یک بار در مهمانی اربعین حسین حاضر شوی، دیگر برایت خیلی سخت می شود، در زمان های دیگر که حرم حسین آرام و بی هیاهوست آنجا باشی. چون حس می کنی تنها در اربعین است که حُرمت حرم حسین حفظ می شود؛ در اربعین است که کسی آرام وارد حرم نمی شود؛ همه به سر و سینه می زنند و در فراق حسین اشک می ریزند و ناله سر می دهند.

حسین علیه السلام صدا می زند: بیا

خوب گوش کن! صدای قدم ها؛ صدای سایش کفش ها بر سینه جاده ها؛ کسی می گوید بیا. چندروز است که در راهی و باز هم خسته نمی شوی. چون تو خوب این صدا را می شناسی. صدای حسین را که بی وقفه می گوید بیا بیا بیا....

دو طوفان فریاد

طنین فریاد ممتد زین العابدین علیه السلام موسیقی گسترده ای است که جان عالم را هماره به بیداری می خواند. سوگند بی کران بانو، قلب عالم را تسخیر کرده است و حیرت جاودان را میهمان همیشگی ادراک صبر نموده است که «به خدا قسم غیر از زیبایی چیزی ندیدم».

فریاد رسواکننده امام سجاد علیه السلام ، نه فقط شام را، که تاروپود خلقت را درنوردیده است؛ آنگاه که حیله یزید را در امر به مؤذّن برای شکستن خطبه خود پاسخ می دهد: «اشهد انَّ محمّداً رسولُ اللّه؛ آری! این محمد که نامش برده شد، آیا جدّ من است یا جدّ تو؟ اگر ادعا کنی که جدّ توست، دروغ گفتی و کافر شدی و اگر جدّ من است، چرا خاندان او را کشتی و آنان را از دم شمشیر گذراندی؟»

ننگی بر پیشانی یزیدیان حک شده که تا ابدیت پاک شدنی نخواهد بود. ذلتی، دامان مردم بی وفا و سست عنصر شام را لکه دار کرده که با هیچ اشک ندامتی شسته نخواهد شد. دیر شده است. دیگر برای پشیمانی دیر شده؛ حتی فرصتی برای مرور گذشته نیست.

اگر این خاندان، مهربان بخشنده نبودند...

وای به حال این مردم، اگر در حق کسی جز خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم چنین کرده بودند، وای به حال این شهر سیاه. اگر پنجه در پنجه کسی جز خورشید اهل بیت انداخته بودند، وای به حال جهان. اگر حسین علیه السلام و حسینیان، این قدر مهربان و بخشنده نبودند، سنگ بر سنگ بند نمی شد و زمین، لحظه های اهل خود را تاب نمی آورد. اگر وارثان عاشورا با مکتبی به نام عشق و فرهنگی به نام صبر از نفرین مردم درنمی گذشتند.

اربعین که می آید

اربعین که می آید، باید از زینب گفت؛ از حاصل زخم ها و نمازهای نشسته ای که هنوز او را به یاد دارند. اربعین می آید؛ اما تلاوت زیبایی را تنها در چشمان زینب علیها السلام باید جست. اربعین می شکفد و نام زینب گل می کند. زینب از آنچه یزیدیان شرم زده هراس داشتند، هم بالاتر بود. زینب علیها السلام ، با خطبه ای از غربت در میان هلهله زنان شام، گل گریه کاشت.

اربعین است و کاروان تأثیرگذار عشق آمده است. فرزند مکه و منا ــ زین العباد ــ آمده است؛ پیک انقلاب گر، برای شامیانی آمده است که دل هاشان از بنای مسجد دمشق هم سخت تر بود. اربعین آمده است؛ همراه سپاه پیروز افتخار و وارثان خون و روشنی.

چهل روز پیش

چهل روز از اشک های کربلا می گذرد؛ قطراتی که حاوی پیام فتح اند و دلاورمردی. امروز «جابر» و «عطیه» خود را به مدفن حنجره آزادگی رسانده اند. در چهلمین روز، تنها چیزی که برای همه تداعی می شود، حدیث خون و پیروزی است.

کوچه های بارانی

موج اشک، مرا به ساحل حقیقت شما می سپارد تا غربت شما را از پس قرن ها گریه کنم. چقدر روزهای دلتنگی محرم را دوست دارم؛ روزهایی که می توان بی بهانه در خیابان گریست. کاش قاصدک ها، بوی محرم تو را با دلتنگی کوچه های بارانی گریه کنند. چقدر این کوچه های سیاه پوش، از بغض پُرند.

کاروانی زخم دیده

باد می آید و تمامی پیکرم را در تلاطم خود گم می کند. هوا ملتهب و سوزان... گویی که زمان، مشت می کوبد این غم سنگین را بر تمامی وسعت هستی. زمین، چون صدفی پربها، لب فروبسته تا مبادا که مرواریدهای به خون غلطانش، چشم کائنات را تا ابد گریان کند. کاروانی از راه می رسد که شکوه قدم هایش، غرور صحرا و نخوت بیابان را به لرزه می آورد. کاروانی که از رنج و داغ، جامه پوشیده است و بر مرکب حوادث می راند، کاروانی که هم سفر صاعقه بود و هم نوای طوفان، کاروانی که زخم دید و داغ بر داغ.

کاروانی تا لاله های پرپرشان را باز جوید. می آید؛ اما با دلهره که مبادا با شنیدن صدایشان، خشم پنهان مانده در صحرا، با چشمانی سرخ بر سرشان فرو بریزد.

پابرجا و باشکوه

کاروانی می آید که شولای بزرگی و فخر بر دوشش نمایان است؛ کاروانی که آفتاب، در ظلّ پرتو وجودشان ریزه خواری می کند؛ نخلی بلند که اگرچه زخم ها دیده، ولی برجاست؛ کاروانی که داغ ها به سینه دارد و زمزمه «ما رایتُ الا جمیلاً» بر لب. شکوه و عزت بر زمین خشک کربلا ـ ساکن می شود تا خاک، بار دیگر عظمت را بر دوش خود احساس کند. اینان که خاک تفتیده را چون پاره جان دربرمی گیرند، روزگاری بر عرش شانه های علی علیه السلام جا داشتند و ملائک بر گام هایشان بال می گستراند.

فریاد بزن

صدایت را آزاد کن بر تمام پهنه ظلم و بیداد. فریاد بزن که جز صدای حقیقت، نخواهد ماند. فریاد بزن زینب علیها السلام ! کوفه سال هاست صدای بیدارگر علی علیه السلام را از یاد برده و سر بر بستر فراموشی و غفلت گذاشته است. فریاد بزن که تمام غافلان کوفه و گمراهان شام، صدایت را بشنوند. خطبه بخوان که سال هاست نام خدا را از دهانی حقیقت گو نشنیده اند. قدم بگذار با صدایی از جنس نور که جام بلورین بیدار را با صلابتی علی علیه السلام گونه، بر سر نفاق و گمراهی سرریز می کنی. کوفه و شام، چونان بیگانه ای در میان تاریکی خویش گم شده اند و به اشتیاق روشنایی کلامت خویش را پرسه می زنند.

گلوی آینده ها، سرشار نام عشق

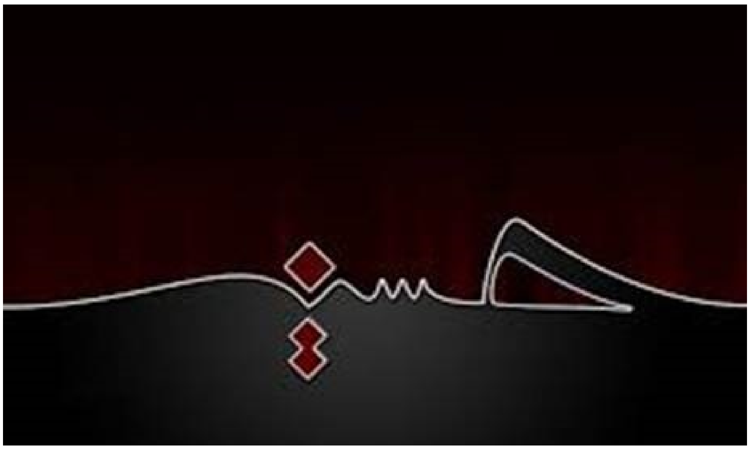
کـدام صـفحه تقـدیر، بر تـارک خود فتـح و ظفر سـتمکاران را حک کرده است؟ چه بیهوده هلهله شادی سـر دادنـد، آنان که افتخار خویش را در ذلت خویش یافتند و شمشـیر علیه خداوند کشیدند. آی شولای آتش بر دوشان! نفرینتان باد که از غنیمت این نبرد، جز دوزخ و سیاهی نصیبتان نخواهد شد و آنچه از دنیا، امید آسایشتان بود، مایه قهر و بلای جانتان خواهد شد. رنجی حصین در اعماق دیوارها رخنه کرده که آغوش گشوده تا گُرده بی تابتان را سخت دربرگیرد.

آوازتان را سـنگ ریزه های صـحرا به یاد دارند که جز برای خدا می خواندید و دست در دست شیطان، نابودی خویش را می رقصیدید. چه نصیبتان شد جز نفرین ابدی دخترکانی که گوشواره هایشان، دستان شما را خونین کرد. پس وای بر شما.

زمانه از یاد نخواهد برد... .

گلوی آینـده ها، سـرشار نام عشق شـد که عشق، هویتش را از خون پاک پاکان یافت و زمین، آرامشـش را از آوای حق گوی گلوهای بریده پیدا کرد. وقتی خاطره ها در قالب لحظه ها آرام می گیرند و تکاپوی گذشته زنده می شود، گویی زمان، تلخی ها و شیرینی ها را دوباره می آفرینند.

زمانه از یاد نخواهد برد باران رحمتی که وجدان های خسـته را طراوت می بخشـید و در بازدم صبح، به روشنایی معنایی وسیع تر می داد؛ فراخ تر از احساس سـخن می گفت و آینده را در لابه لای دستانش، هم سفر هیجان جلوه می داد و مردی را که به بودن معنا بخشید و به زن ارزش، تا نگاه معصومانه هیچ دختری، شاهد بی رحمی دستان شرمنده از جهالت پدرش نباشد.



ص: ۴۸

چهل روز اندوه

درد، روایت هفتادودو ستاره خاموش را به طوفان سپرده است. چهل غروب، آسمان، خورشید را بارید. چهل بار کوه، پژواک مظلومیت خون شهدا را به آسمان پاشید و گودال خون تراوش کرد. چهل روز غم، دیوارهای کوفه را کوبید و نیزه ها، نیمه جان، پا بر زمین زدند. به یاد آن روز که طنین «هل من ناصر» کسی، کائنات را می لرزاند.

این بار، تو باید قیام کنی

چشم هایت را باز کن؛ اینجا کربلاست. آمده ای تا داغ نفس گیر آن ظهر را، با اشک هایت، مویه کنی. چشم هایت، بغض فروخورده خاک را به فرات می سپارند. نگاه کن، نخل های کمرخمیده، استقامتت را تحسین می کنند. آتش از خاک می جوشد و صحرا هنوز بوی خون می دهد! فرات، تنها شاهد این ماجراست؛ مگر می شود مشک ها را فراموش کند؛ یا لب های تشنه ای را که با حنجره سوخت باد، آب را فریاد می زدند؟!

غم بر تارک دلت می وزد و هوای اسارتی را نفس می کشی که چهل سال، شکسته ترت کرده است.

شانه های صبرت را بگستران؛ چیزی از خاکستر خیمه ها نمانده؛ باد، همه را به تاراج برده است. آمده ای تا بعد از چهل روز، بوی برادرت را نفس بکشی؛ تا محکم تر و استوارتر از پیش، در شام بایستی. برو وقت آن است که خطبه هایت را با تمام وجود فریاد بزنی. دیگر نوبت آن است که عَلَم های افتاده را برافرازی. بلند شو؛ این بار تو باید قیام کنی.

کاروان سوگوار

خورشید بر سر خاک، آتش می ریزد. کاروان خیمه های سوخته، در چهلمین روز خزان بازگشته اند. قرار است به دنبال لاله های پرپرشده بگردند؛ به دنبال ردپایی از مظلومیت درخاک خفته. گدازه های آتش، در جام حسرت می سوزند و فرات، عطش خاک را در خود حل کرده است؛ با موج هایی که از داغ آن حماسه، سر به ساحل می زنند. کاروان آمده است تا خشم تازیانه ها را بر بدن های کوچک، مویه کند. آمده است تا قصه دربه دری اش را همدوش باد، در گوش زمان نجوا کند. آمده است تا در رد پای سنگ، آینه های شکسته را جست وجو کند.

غربت کاروان، باران می شود بر خاک و بار دیگر شعله می کشد تمام خاطره های جگر سوخته از زمین.

ص: ۴۹

خورشید، سر به تاریکی گذاشته است و غم، زانو زده در برابر کاروان و

«افتاده عکس ماه لبِ گودی و زنی

در جست وجوی یوسف زیبای بی کفن»

چله نشین

چهل روز است که چله نشین غربت آیینه ام.

چهل پگاه است که چکاچک شمشیرها، خاموش شده و اندوه نیرنگ کوفیان، از حنجره خسته زینب علیها السلام فریاد می شود.

فریاد غربت حسین را باید از گلوی خشکیده طفلی شنید که گل پوش تیر وحشیانه سیاه دلان شد.

ای نخل های صبور، شاهدان بی زبان معرکه آتش و خنجر! آنچه را دیدید، در یک هم سرایی شاعرانه بر جهانیان عرضه کنید.

مرا با داغ نینوا تا قیامت پیمانی ا ست ناگسستنی.

آقا! عاشورایی ام کن

سجاده نشین لحظه های سرخ عبادت! دستی برآور و سینه ام را عاشورایی کن. می خواهم پس از چهل وادی رنج و گریه، نام تو، مستی فزای دقایق عزایم باشد. آقا! کسی که امروز به تعزیت خاندان تو برخاسته، می خواست دیروز باشد و هواخواهی اش را با نثار جان خویش به تماشا بگذارد.

از چهلمین شب عروج آسمانی ات، چندین چله گذشته است که در شمار نیست؛ اما زخم ها همچنان تازه و مرثیه ها خواندنی است. گویا صدای علی علیه السلام بود. فریاد علی به گوش می رسد؛ آی شمایی که بر کرسی های دنیا تکیه داده اید! زین پس در میان شعله های سرکش ته مانده وجدان هایتان، ذوب خواهید شد. خیزران بر لب های قرآن خوان حسین علیه السلام زدن، نشان بیچارگی شماست که به هروسیله ای، درصدد خاموش کردن فریاد حقیقت برآمده اید. زینب علیها السلام خاموش نخواهد ماند. تا تصویر خاکسترنشینی حسین علیه السلام را در پیام سرخ عاشورا، به گوش همه برساند. صدای علی علیه السلام هنوز به گوش می رسد، صدایی که از نای سرخ کربلا برخاسته است.

کربلای بی حسین

اینک اسوه استقامت و صبر با قامتی خمیده، به دیدار برادر آمده است تا در اربعین روزهای تلخ خویش، مصحف دردهایش را یک به یک ورق زند؛ بلبل پیام آوری که

زیباترین گل بهار خویش را در ازدحام گل برگ هایی خونین نمی یابد و برای زینب علیها السلام کربلای بی حسین علیه السلام ، یادآور همان زخم های تلخ ظهر عاشوراست.

قطره ای از اربعین

اربعین، خیس گریه و پرچم شیون بر بام هستی. کربلا، تصویرهای زخم را در دست چهلمین خورشید می نهد. دنیا کجا حریف تواند بود تحمل کسی را که با قافله صبر طومار ریزریز شده هلهله را از شام آورده است و مرگ نیشخندها را؟! اربعین با ردایی سرخ و صدایی بلند آمده است که: پلیدی ها از یک قُماش اند؛ اگرچه نام آن ها در لعن، متفاوت است. اربعین آمده است با سلامی عاشورا بر طبع آبی پروانه ها کناره سرخگون فُرات و هنوز صدای بریده ای پربوسه از قتلگاه می آید. اربعین آمده است با درودی مشعشع بر رایحه طولانی عطش روبه روی نفس های برهنه تیغ و هنوز همه چیز از عشق مایه می گیرد و با کربلایی شروع می شود که قوّت قلب آب هاست.

یعقوب هم اگر بود

زمان، هوای ایستادن دارد. دنیا در ابتدای فراموشی است؛ اما شما در ابتدای شکوفه شدنید. دنیا با شما دوباره آغاز خواهد شد. با این همه زخم، هنوز استوارتر از هرکوهی، بشکوه مانده اید. همه بادها در راه ند تا نفس های معطر شما را به بهانه تبرک ببویند. اگر ابرها از داغ شما بو می بردند، تا ابد بی وقفه می باریدند و جهان، رنگ آسایش نمی دید. اگر سنگ صبورها کنار شما بودند، می ترکیدند.

با همین خطبه های آتشین

در این سفر چندهزارساله، سنگ ها، پیشانی و زخم هایتان را با درد همراهی کردند. مهربانی با شما خداحافظی کرد و هیچ کس برای غربت شما آواز نخواند. بین شما و آرامش، چندهزارسال فاصله افتاد؛ اما صدای خطبه خوانی های حضرت سجاد علیه السلام ، هنوز تن نخل های سر به هوای کوفه را می لرزاند. هنوز از عطر کلام صبوری زینب علیه السلام ، ستون های کافر دارالخلافه می لرزد. شب با تمام وجود می خواهد تمام قد، در برابر شما قد بکشد، اما صدای خطبه خوانی های این دو پرنده، خورشیدی است از حقیقت که شب را ذوب می کند، کفر را می شکند و روز را فراگیر می کند. سال هاست که صدای شما، طبل رسوایی شامیان یزیدی را بر بلندترین بام ها می کوبد. ذلت، همنشین عظمت ویران دارالخلافه شده است؛ اما هرروز که می گذرد، نام شما روشن تر از خورشید بر بلندای افق می درخشد تا همیشه.

بت کوفه و شام را شکستیم

تب عجیبی در میان سپاهیان یزید افتاده بود و با تمام وجود هذیان می گفتند. سردار با تمام دلش ندا برآورد و همه شنیدند که: ای قدوسیان اندوهگین! راحله سبک بردارید و قلب هایتان را در کربلا باقی بگذارید. عزا را چون کبوتری مشکی میان قتلگاه حسین علیه السلام ، بر شن های ساحل فرات، بر تمام شمشیرهای شکسته و تیر و نیزه های فرودآمده رها کنید، بر فراز پیکرهای آسمانی شده به ودیعه بگذارید و پشت سر من بیایید. تا دروازه های پیروزی راهی نمانده است. فرصت عزا نیست؛ گرچه تیغ نادان بزرگ ترین اشتباه تاریخی خود را مرتکب شده است.

پشت سر من بیایید؛ شمشیر باید بیاموزد که دوران جنگ های جاهلی به سر آمده است و سرزمین ها از این پس، به پشتوانه اندیشه های نورانی فتح خواهند شد. بیایید، ای نسل بت شکن آزاداندیش! طاغوت طعم ضربه های عصای محمد را فراموش کرده است. هبل این بار از کاخ های کوفه و شام سر درآورده است.

بیا ای قافله زخمی! تا باری از غل وزنجیر برداریم و برای به اسارت کشیدن جنگ افزارهای نادان، رهسپار شویم.

نوبت عزاست، جابر!

سپاهیان، مانند کودکان عروسی، غنیمت جمع می کردند. هلهله ای تلخ تر از هلهله تازیانه نبود که کاروان در میان آن محو شد. آن روز، قافله تمام بار عزایش را در کربلا به ودیعه نهاد و به سوی مأموریت بزرگ خود رفت. چهل روز می گذرد و غباری از دور بلند است جابر! قهرمانان بازگشته اند؛ بقچه های امانت را بگشای. مویه های سر به مهر را باز کن. دیگر نوبت عزاست. با اندوهی ابدی.

چهل روز می گذرد

از پرهای سوخته و خیمه های خاکستر، چهل روز می گذرد؛ از شانه های بی تکیه گاه و چشم های به خون نشسته، از لحظاتی که سیلی می وزید و صحرا در عطشی طولانی، ثانیه هایش را به مرگ می بخشید. حالا چهل روز است که مرثیه هایمان را در کوچه های داغ، مکرر می کنیم. چهل شب است که بر نیزه شدن آفتاب را سر بر شانه های آسمان می گرییم. «ای چرخ! غافلی که چه بیداد کرده ای».

ص: ۵۲

از شام تا کربلا

از کربلاـ تـا شـام، حکایت سـرهای جسور شـماست که شمشـیرها را به خاک افکنـد. من از روایت خونابه و خنجر می آیم؛ از شعله های به دامن نشسـته و فریادهای بی یاور. امروز، اربعین خورشـید است. نگاه کن چگونه پرندگان، بر شاخه های درختان روضه می خواننـد؛ چگونه ابرها، فشـرده فراقی عظیم، پهنه زمین را می بارنـد. رفته اید و پس از شـما، جاده ها، اسـیر زمسـتانی همیشگی اند. پرواز ناگهان شما آتشی است که هرگز فرو نمی نشیند.

زخم عاشورا همیشه تازه است

پاییز را دیده ای، چگونه نوباوگان تابسـتان را به زمین می ریزد و سـر و روی جهان را به زردی می نشاند؟! اکنون دیری اسـت که پروانه هـای هاشـمی مـان را شـعله های یزیـدی، بر تپه های خاکستر فروریخته انـد. دیری است که گیسوان کودکی رقیه را بادهای یغماگر، با خویش برده انـد. زمین، پاییزش را از یاد برده است، اما زخم عمیق عاشورا را هرگز. سال ها می گـذرد و ما همچنان سوگ کبوترانی آزاده را بر سینه می کوبیم.

اربعین لاله ها

بشـیر! وقتی به مدینه النبی رسیدیم، مبادا کسی جلوی قافله اسرای کربلا، گوسفندی را سر ببرد. این کاروان، از سفر چهل روزه بـا سـرهای بریـده بر بالاـی نی می آیـد. نگـذار هیـچ لاله ای را در رثای شـهدایمان پرپر کننـد. سراسـر خاک کربلا، پر بود از گلبرگ های خونین و پاره ای که از هر سو مرا صدا می زدند: «أخَی اخّی.»

اجازه نده کسـی بر سـر و رویش خاک بریزد. هنوز باد، گرد و خاک کوچه های کوفه و شام را از سر و روی زنان و کودکان عزادار نربوده است. این صورت هـای کبود و دست هـای سوخته، به گلاب افشانی نیازی ندارنـد؛ هنوز اربعین گل هایی که با تشنه کامی بر خاک وخون افتادند، نگذشته است. بگو پای برهنه به استقبالمان نیایند؛ این کاروان پر است از کودکانی که پای پرآبله دارند. سـفارش کن شـهر را شـلوغ نکنند و دور و برمان را نگیرند، ما از ازدحام نگاه های نامحرم و بیگانه بازگشته ایم. بگـذار آسوده ات کنم بشـیر! دل زینب علیهـا السـلام برای خلوت مزار جـدش پر می کشـد تـا به دور از چشم خونبار رباب و سکینه و سجاد علیه السلام و این کاروان داغدار، پیراهن کهنه و خونین حسین علیه السلام را بر سر و روی خویش بنهد و گریه های فروخورده چهل روزه اش را یک سره رها سازد.

ص: ۵۳

برخیزید ای شهیدان!

چه سکوت وهم انگیزی! چهل روز است که جز صدای ناله شبانه حیوانات صحرا و مویه جنیان و فرشتگان، نوای دیگری به گوش این سرزمین نرسیده است. هنوز بوی سوختگی به مشام می رسد و خاک، سرخی خویش را از دست نداده. آری! چهل روز است که از آن روزهای پرالتهاب می گذرد و این صحرا، در سکوتی بهت انگیز غرق است و چشم افلاک خیره بر اوست... ناگهان، صدایی سکوت صحرا را می شکند. صدا، آمیخت های است از زنگ شتران خسته و ناله کودکان یتیم و مویه زنان داغدیده و صدایی که در صحرا می پیچد: «برخیزید ای شهیدان کربلا! برخیزید که کاروان آزادگان بازگشته اند».

اولین کاروان

اربعین است. روز تازه شدن داغی که هیچ گاه کهنه نمی شود، روز ورود دوباره زینب کبری علیهاالسلام به کربلا؛ اما این بار نه به عشق همراهی برادر، که به شوق زیارت تربت او. کاروان خسته زنان و کودکان، چهل منزل راه را بی وقفه پیمودند تا یک بار دیگر، قتلگاه جگرگوشه‌های رسول خدا صلی الله علیه و آله را ببینند و این بار، بی دخالت زنجیر و تازیانه، آزادانه خود را بر آن خاک افلاکی بیفکنند و سیر بگریند؛ آنقدر بگریند تا عقده چهل روزه شان باز شود. این، نخستین کاروان زیارتی حسین علیه السلام و اصحاب عاشورایی حسین علیه السلام است.

اربعین با بوی خون در مشام

از بدرود اشکبار کاروان، چهل غروب گذشته است و قصه های سوخته، به چشم های فرات می ریزد. چهل روز پیش، حوالی اندوه، نیزارها ضجه زدند و مثنوی ها با گل های شیون، سرتاسر نینوا را پوشاندند. هرگز نمی توان به اربعین نگاه کرد و آن همه نغمه های خاکستری را به یاد نیاورد. امروز به جای همه یتیمان قافله، اربعین سخن می گوید. اربعین، با بوی خون در مشام و آبله در پا رسیده است تا بگوید همه اتفاقات سرخ، در راستای شکیبایی زینب علیها السلام بود. اربعین، شعرهایی با کلماتی خون رنگ در سوگ لاله ها آورده است تا بگوید دل بستگی های زینب علیها السلام در آن دشت بلاخیز، یکی پس از دیگری پرپر شد. اربعین، با پیراهنی از گریه در فرات اشک، غسل کرده است و اینک، در کنار نام حسین علیه السلام و جابربن عبدالله نشسته است و به یاد خون های عاشورا مقتل می خواند.

خطبه ای بخوان

چه سخت است چهل روز منزل به منزل، عاشقی را به دوش کشیدن و از ساحل، دریا را نظاره کردن! یا زینب! آه سینه سوز تو، هنوز از پشت حصار قرن ها، شعله بر جان می زند. از آن روز به بعد، زمین، چهل بار چرخید و در سوگ حسین علیه السلام ، هر روز آفتاب، لباس سیاه شب بر تن کرد تا در موج خونین خاطراتت، هم دردِدل طوفانی ات شود. اینک، تمام شوره زاران، پابرهنه و تشنه لب به دنبال توانَند تا آیه های عاشورایی را از چشمه زبان نینوایی ات بنوشند. زینب، ای وارث نجابت خاک! چهل روز است که آسمان، غربتت را می نگرد. باز هم خطبه ای بخوان تا به ابرها، اذن نزول داده باشی، ای رسول کربلا!

خدا با صابران است

گوش که می کنیم، از سوی مزار تو هر لحظه صدای هق هق فرشتگان می آید؛ آمده اند تا رسم گریستن بر حسین علیه السلام را زنده بدارند که به راستی رسول عشق فرمود: «بنده ای نیست که محشور شود جز آنکه چشمانش گریان است؛ مگر گریه کننده بر حسین علیه السلام که با چشم روشن و بشارت و روی شاد محشور شود.» وای بر یزیدیان که اشک سرخ چشم عاشقان حسین علیه السلام را حرمت نگه نداشتند و کوچه های تاریخ ظلمت را تا ابد، غرق نفرین فرشتگان کردند؛ هر چند صابران، به رسم جاودانه عاشقی، همواره فریاد می زدند که «ما رأیت الاّ جمیلاً.»

همیشه پیروز

حسین جان! در قانون تو، فتح و ظفر به گونه ای دیگر معنا می شود. آنجاکه فرهنگ های لغات ستم، واژه ای جز شمشیر را نمی دانند، نام تو فتح المبین پیروزی است. سینه می زنیم و گرد از غبار دل پاک می کنیم. اشک می ریزیم و رودخانه می شویم، تا قطره قطره به دریای تو بریزیم. ای نای بریده! سلام بر تو و بر راه سرخت.

من، همان صبر دیروزم

رفتم و بازگشتم، این چهل شبانه روز بی سر و سامان را این لحظه های دلتنگ یتیم، این مسیر عطشناک آبله پایی که پاره های تو را پشت سر داشت و لب های از نیزه روییده ات را پیش رو. مرا به یاد بیاور؛ مرا که پیرتر از تمام عمر خویش، اینک شناختنی نیستم. من همان هروله آتش به دامانم که چهل روز پیش، در این صحرا، هنوز جوان بود و تمام قافله به جامانده از تو را به دوش گرفت و رهسپار شد. منم؛ همان صبر ازکف

رفت هـای که تمام می راث حیـدری اش را از حلقوم فاطمی، فریاد سـر داد و کاخ ظلم را زیر و زبر کرد، اما در خلوت تنهایی اش، سربر کجاوه کوبید و لرزش شانه هایش را تنها خدا دانست.

بعد از تو، سوختم و خطبه خواندم

بعـد از آن غروب که با فاصـله های از من تا تو پر شـد و انحنای ناگهان قامتم را رقم زد؛ پس از آن قرآن پاره پاره ای که زیر لگدکوب اسب های ستم از هم گسیخت، من ماندم و جاده های پیش رو. من ماندم و کاروان بی تو، با قبیله به تاراج رفته؛ من به سفر ناگزیر بودم. آه! خون همیشه جاری در رگ های روزگار! ردای ولایتت را بر شانه گرفتم و لوای ستم سوزی قیامت را بر بلنـدای تاریـخ برافراشـتم. آنچه از تو در من بود، آنچه دیـده بودم و جز من کسـی ندیـد، در گوش هـای کر روزگـار فریاد کردم و راویانه، تمام خطبه های از تو گفتن را سرودم و حنجره ای مدام شدم؛ حنجره ای کبود که عطش های هفتادودو پروانه را می راث دار بود و زخم زبان چهل روز اسارت را برای همه پرسـتوهای قافله سپر می شد و در خویش مچاله می کرد. اینک به تو بازگشـته ام؛ خسـته از تمـام هستی. دیگر حوصـله ای به ادامه روزگـار نـدارم. آه از این کوله بار فرسوده در راه! آه از پر ریختنِ پروانه ها در جاده های سرد و بی شمع!

تاوان این خون تا قیامت ماند بر ما

چهـل شب است که آسـمان برای صورت خونین آینه می گریـد؛ درستماننـد دیـده مرطوب فرشـتگانی که از نـدای نصـرت خواهی امامشان جا ماندنـد و حسـرت حمایت از ولی خـدا، بر سپیـدی بال‌هایشان، گرد انـدوه و بی قراری پاشـیده است. شاید کربلا دیگر هیچ زمان قرص کامل ماه را نبیند؛ از وقتی سـر بریده خورشـید بالای نیزه رفت، شـرم دارد لبانش را بر جای بوسـه زینب بگذارد. امشب، اربعین واقعه است و زمین، حزین تر از همیشه، از طنین نوحه آدم علیه السـلام در خود مچاله شده است. این شب ها مدام نغمه آدم در گوش «صـفا» پرپر می زند. گویی چهل روز است سر بر سجده توبه دارد و آهنگ غم زده مویه هایش، چهارسـتون کائنات را به لرزه وامی دارد. او توبه می کند، ولی فرزندان مطرود قابیل، سر بریده یحیی علیه السلام را در میـان تشت زرین نهاده انـد. او ضـجه می زنـد، ولی نسل شـیطان زده ای ننگ کشـتن سـرور جوانان بهشت را بر دامن شـرافت آدمی نشانده اند. به این میاندیشم که اگر حضرت آدم علیه السلام تنها به سبب یک لحظه وسوسه انگشتانش برای چیدن میوه ممنوعه، از بهشت خدا بیرون شد و تا چهل روز به درگاهش استغاثه برد، پس تاوان کشتن ولی خدا و پسر رسولش را چگونه می توان پرداخت؟

ص: ۵۶

کاروان بی حسین علیه السلام اربعین، موعد بازگشت قافله خوبان عالم، به آغوش مهربان مدینه است؛ همان قافله کوچکی که هفتادودو ستاره اش را میان دستان خالی کربلا کاشت تا نور آزادگی و شرافت، در تاریک خانه تزویر یزیدیان گم نشود. حالا که کاروان اربعین، نه حسین فاطمه را در خود دارد و نه عباس علی را، رسالت روشنگری بر زانوان خسته زینب علیها السلام قد می کشد و جان سرخ شهیدان عاشورایی، بر لبان سبز زین العابدین علیه السلام شکوفه می زند. از امام صادق علیه السلام نقل است که فرمود: «امام حسین علیه السلام گفت: من کشته اشکم، اندوهگین و دلتنگ کشته شدم، بر خدا شایسته است که هر دلتنگی که به زیارتم می آید، دلتنگی اش را برطرف کند و او را شاد به خانواده اش برگرداند».(۱)

اربعین بلوغ عاشورا

چهل روز گذشت. حقیقت، عریان تر و زلال تر از همیشه از افق خون سر برآورد. کربلا به بلوغ خویش رسید و جوشش خون شهید، خاشاک ستم را به بازی گرفت. خونی که آن روز، در غریبانه ترین غروب، در گمنام ترین زمین، در عطشناک ترین لحظه بر خاک چکید، در آوندهای زمین جاری شد و رگ های خاک را به جنبش و جوشش و رویش خواند. چهل روز، آسمان در سوگ قربانیان کربلا گریست و هستی، داغ دار مظلومیت حسین علیه السلام شد. چهل روز، ضرورت همیشه بلوغ است. مرز رسیدن به تکامل است و مگر ما سرما و گرما را به «چله» نمی شناسیم و مگر موسی در خلوت طور با چهل روز به کمال نرسید.

اینک چهل روز است که خورشید، سوگوار مظلوم قربانگاه عشق است. چهل روز است که انقلاب از زیر خاکستر قلب ها شراره می زند. آنان که رنج پیمان شکنی بر جانشان پنجه می کشید و همه آنان که شاهد مظلومیت کاروان تازیانه و اشک و اندوه بودند و همه آنان که وقتی به کربلا رسیدند، تنها غبار صحنه جنگ و بوی خون تازه و دود خیمه های نیم سوخته را دیدند، اینک برآشفته، بر خویش شوریده اند و شلاق اعتراض بر قلب خویش می کوبند و اسب جهاد زین می کنند. چهل روز است که یزید جز رسوایی و جز پتک استخوان کوب، فریادی نشنیده است. چهل روز است استبداد به خود می پیچد و حق در سیمای کودکان داغ دار و دیدگانی اشک بار و زنانی سوگوار رخ نموده است.

۱- ۱. شیخ صدوق، ثواب الاعمال، ص ۱۲۳.

آسمان در آسمان

اینـک هنگـامه بلوغ ایثار است. هنگامه برداشـتن بـذری است که در تفتیـده ترین روز در صـحرای طف، در خاک حاصل خیز قتلگـاه افشانـده شـد. اربعین است. کـاروان به مقصـد رسـیده است. تیر عشق کـار گر افتـاده و قلب سـیاهی چاک خورده است. آفتاب از پس ابر شایعه و دروغ و فریب سـر برآورده است و پشت پلک های بسته را می کوبد و دروازه دیدگان را به گشودن می خوانـد. اربعین است، هنگـامه کمـال خون، زمـان باروری عشق و ایثار، فصل درویـدن، چیـدن و دوباره روییـدن و هنگامه میثاق است و دوباره پیمان بسـتن و کدامین دست محبت آمیز است تا دستی را که چهل روز از گودال قتلگاه، به امید فشـردن دستی همراه برآمـده است، بفشارد؟ و کدامین سـر، سودای همراهی این سـر بریده را دارد و کدامین دست، ذوالجناح بی سوار را زین خواهد کرد؟

اربعین است. عشق با تمام قامت بر فراز «گودال» ایسـتاده است. در دستی که در ساحل علقمه کاشـته شد، بلند و اسـتوار چونان نخل های بارور، سر برآورده و حنجره ای کوچک که به وسعت تمامی مظلومیت فریاد می کشید، آسمان در آسمان به جست وجوی هم صـدا و هم نوا سـیر می کند. راستی، کدامین یاور به «هم نوایی» و همراهی برمی خیزد؟ مگر هرروز، عاشورا و همه خاک، کربلا نیست؟ بیایید همواره همراه کربلاییان گام برداریم تا حسینی بمانیم.(۱)

خورشید تشنه

آسـمان چه خون رنـگ است! زمین چه بی تابانه چونان گهواره کودکی گریان، زیر پایمان تکان می خورد و می لرزد! اینک هنگامه ای شـگرف است. ندیده بودیم مرغان هوایی را که این گونه دردمندانه در این آسـمان سرخ، بال و پر بزنند و ناله شان به گوش همه تاریـخ برسد. فریادی بلند از فراسوی زمان به گوش می رسد. کسـی انگار بر مرگ فرزند آدم می گرید! بمان تا ابد!

نینوا! همـدردی کن بـا کودکـانی نـاآرام؛ بـا زنانی که به خود می پیچنـد از درد فراق؛ با زینب علیها السـلام ، که در این چهل روز، مرگ را هزارباره، با چشم خود دید و صبوری پیشه کرد.

نینوا! امانت داری کن. خون مقدسی از شاهرگ هستی، بر خاک تو ریخته است. بدن مقدسی از عرشی ترین پاکان، بر خاک تو، زیر سم سنگی اسبان، لگدمال شده است. امانت داری کن و مگذار طوفان فراموشی و مرگ، خاطراتت را برباید.

۱- ۱. برگرفته از: مجله دیدار آشنا، ش ۲۳، اردیبهشت ۱۳۸۱.

نینوا! فریادت را آزاد کن. بگذار همه آدمیان بدانند این کاروان حسین علیه السلام است که پس از چهل روز، آمده است به زیارت مولا؛ آمده است تا شکایت خود را در گوش تو زمزمه کند.

نینوا! از این پس تو خاک خونین و رمزآلودی هستی که پرچم جاودانگی را بر آن نصب کرده اند... بمان تا ابد.

جای رقیه خالی

جای رقیه خالی. نیست که به هوای بابا، سرتاسر بیابان تفتیده کربلا را بدود و «بابا بابا» بگوید. نیست که روی خاک تشنه بیفتد و یاد عموی سقا، سینه اش را بخراشد. دخترک نازنین حسین، کبوتر سپید «ارجعی» را زودتر از دیگران دید و به دنبالش پرید... و چه خوب! حالا که کاروان، به نقطه صفر زمین برگشته، نیست که از غصه نبودن بابا، دوباره دق کند. چه خوب که نیست تا صدای ناله زمین و زمان را بشنود و دوباره آتش به جان شود.

بازگشت دوباره

کاروان بازگشته است؛ با تمام دردها و داغ ها. کاروانی که اشک هایش عطش علی اصغر علیه السلام را تازه می کند؛ کاروانی که خیمه های سوخته اش را به بادها سپرد تا شعله بیداری همیشگی جهان باشد. کاروانیان، بازماندگان آن حادثه تلخ اند. از شام رسیده اند تا جراحت گلوهای بریده شده را با فریادهای بیدارگرشان مرهم شوند؛ تا با قامتی خمیده، استواری کوه را به سخره بگیرند در زمینی که چهل روز است طعم تازیانه، لب های ترک خورده اش را به خون کشده.

کربلا می مرد، اگر زینب نبود

وقتش رسیده است که حقیقت آشکار شود؛ با رساترین فریاد. چهل روز از خاموشی لب های عطشناک می گذرد و اکنون وارثان آن داغ را باید که منادی حق شوند.

خاطره ای تلخ، روی دست تاریخ شعله می کشد و حرف های ناگفته، گلوی لحظه ها را در هم می فشارد. اکنون باید پیراهن چاک چاک خورشید را علم کرد، تا قلب ها را بسوزاند، تا چشم های به خواب غفلت رفته را بیدار کند. زینب علیها السلام برمی خیزد و غبار فراموشی از شانه عاشورا به زمین می ریزد.

دنبال گمشده

وادی به وادی، گستره صبر را دویده و چهل روز رنج آوارگی و اسارت را به دوش کشیده است.

بازگشته است تا گمشده اش را از بین نیزه ها، از میان خیمه های خاکستر به تاراج داده، از لابه لای بدن های به سم اسبان کوبیده شده بیابد.

آمده است تا مظلومیت چهل سال هاش را بر سینه کبود دشت مویه کند با قامتی از کمان خمیده تر و چهره ای از مصیبت درهم شکسته.

زینب علیها السلام است که این چنین گودال ها را جست وجو می کند. بانویی که چهل غروب، زخم هزار سال هاش را ضجه زده است و اکنون با اشک هایش، فرات را به تکاپو درآورده. بغض فریادهایش، سکوت را به فراموشی می سپارد و خواب تاریخ را می آشوبد. هر چند دیگر نایی برایش باقی نمانده است، آمده تا عاشورا را با خطبه های همیشه جاویدش ماندگار کند. می خواهد از تمام شمشیرها، از تمام نیزه های در گلو رفته انتقام بگیرد.

چهل روز فراق

اربعین خلاصه غربت است غربت هفتادودو نگاه غریب که در فصلِ غربت نگاه ها در چشمه عاشورا، غسل ش هادت ساختند و در سرزمین نیوا برای احیای دل ها جاری شدند. اربعنی، قصه چهل روز عطش، چهل روز فراق و چهل روز وصال است و چه زیبا قصه رشادت ساقی سبزپوش کربلا را بیان می کند. اربعین سکوت پر معنای کربلاست، زینب آن سوی کربلا در کلاس اربعین، عاشورا را تفسیر می کند و سجاد در سجده بلندش، زیارت اربعین را نجوا می کند. اربعین نامه بلند عاشوراست که سیاهپوش، شکوفه های کربلا شده، اربعین نامه سرگشوده کربلاست و پاورقی نا زیارت عاشورا است. اربعین جلدسوم عاشوراست که با صفر هم سفر شده، اربعین کتاب حسین شناسی است که هفتادودو فصل دارد و هر فصلش هزار حکایت سرخ از عاشقی و مولف آن زینب است و سجاد.

بغض دوباره

اربعین، نگاهی مجدد به «عاشورا» است. امروز، روز خون گریستن دل ها، و اشک ریختن دیده هاست. امروز، اربعین است... یادآور شورِ عاشورایی حسین و حسینیان. و احیاگر درس های عاشورا! اربعین، مراسم تجدید اندوه دودمان رسول اللّه است. و فصل گریستن دوباره، بر شهدای مظلوم «آلُ اللّه » و بهار اشک باریدن بر خاک پاک

ص: ۶۰

کشتگان بی کفن دشت نینوا. اربعین، خزان گل های روییده در گلزار علوی است. ما، سال هاست که با اربعین، پیوند «خون» و «گریه» داریم، قرن هاست که اربعین را، شکستنِ دوباره بغض «عاشورا» در رواقِ زمان می شناسیم و شکفتن مجدّد غنچه غم بر شاخه دلمان می دانیم. اربعین، رنگ ماتم دارد، تاریخ پر از خون و شهادت انقلاب ما، سراسر «اربعین در اربعین» بود. امروز نیز، آموزش های «عاشورا» و «اربعین»در گوش دل و ژرفای جانمان است. و میثاق مان با اربعین، ناگسستنی است.

چهل پرده اشک

از آن روز، از آن ظهر، از آن هفتادودو خون، از آن هفتادودو عطش، چهل پرده بغض، چهل پرده اشک، چهل آفتابِ سرگردان، و چهل شامِ اسارت می گذرد....

یک اربعین غربت، یک اربعین سوگواره، یک اربعین تازیانه و یک اربعین خشمواره پشت سر نهاده ایم. نبض کربلا دیگر بار به جوش آمده و آسمان با چشمانی لبالب از سرشک شقایق و فرات با یک دریا بغضِ فر خورده، بر خاکِ هفتادودو مجنونِ به وصل رسیده، می گرید و صحرای نینوا خاکِ غربت و دردمندی بر سر می نهد....

دوباره بیرق های عزا را بر پا کنید که زنگ کاروانِ یادگاران حماسه ها و شجاعت ها و شهادت ها به گوش می رسد، کاروانِ از معراج برگشتگان، کاروانی که قافله سالار و علم دار و سربازان رشیدش را ــ از طفل شش ماهه تا یار هفتادساله ــ در دشت پر بلای کربلا به جا گذاشته و رقیه دل خسته اش، خزانِ کینه دشمن گشته است.

این قافله، قافله عشق است که غبارآلود، با دیدگان خون گرفته و دل های سوخته از راه می رسد. اینان چله نشینان عاشورایند که درد غریبی چشیده و رنج اسیری کشیده اند. اینان عزاداران گل های پرپر باغ ولایت اند که با دلی پرخون از جنایات فراموش نشدنی امویان اما با قامتی به سترگی کوه و ایمانی به صلابت آسمان، به ملاقات عطش های سر بریده می آیند.

اسارت به پایان رسیده و زینب دوباره کربلایی گشته است. زینب آمده است با خرمنی از موی سپید، دامنی خون جگر، پیکری بی جان و جسمی ناتوان.

زینب، یتیمان و بی پناهان حسین را به رسم ارمغان به غم خانه غربت حسین آورده؛ زیرا دیده بود که حسینش چگونه با یتیمان مهربانی می کند. اسارت و زنجیر، مانع انجام دادن تکلیف زینب نگشته و کشته شدن عزیزان و درد و رنج غربت و اسیری او را از ابلاغ پیام کربلا باز نداشت.

زینب در کوفه و شام پرده از چهره کریه بنی امیه برداشت و با منطق علوی، مغلطه ها و دسیسه های ابن زیاد و یزید را افشا کرد و پیام کربلا را به گوش تاریخ رساند

ص: ۶۱

و به عاشورا جاودانگی بخشید. زینب قتلگاه حسین علیه السلام را، قبله گاه آزادی خواهان تاریخ کرد و خونِ جوشانِ حسین علیه السلام را به رگ های تاریخ جاری ساخت، امت های افسرده را جانی دوباره بخشید و آزادی و شهادت را از شجره خونین کربلا به جوامع بشری ارمغان آورد.

همراه با خاتون خیمه ها

به چله نشینی آن اتفاق بزرگ برگشته است خاتون؛ به چله نشینی نیزه های شکسته و علم های افتاده؛ به چله نشینی هجوم دردها و داغ ها؛ به چله نشینی چکاچک شمشیرهایی که در نیام آرام نمی گرفتند. به چله نشینی آمده است خاتون، با کاروانی از هم سفران جامانده. آمده است با اشک هایی روان از درد عزیزان.

با کاروانی که نای برگشتن ندارد؛ کاروانی که رقیه را همراه ندارد. آمده است تا از گم شدگانش شاید خبری بگیرد. آمده است تا شانه در شانه دشت، سر بر سنگ های داغ بگذارد و بگرید. آمده است تا از باد خبری از لاله هایش بگیرد. آمده است تا گونه های خاک گرفته اش را روی گونه های ترک خورده دشت بگذارد و های های گریه کند.

آمده است تا بر خاک های متبرک کربلا تیمم کند و نماز شکسته غربت بخواند. آمده است تا چشم در چشم فرات بدوزد و حرفی نزند.

آمده است تا خاک ها را بغل بغل در آغوش بگیرد و ببوید و ببوسد. دلش می گیرد وقتی که نماز ظهرش را با اذان علی اکبر آغاز نمی کند. دلش می گیرد وقتی سر بر خاک ها می گذارد و بوی برادرش را احساس می کند. خاتون کربلا با کوله باری از غم های عالم به چله نشینی داغ بزرگ آمده است.

دشت در سکوت خویش آرام گرفته است، انگارنه انگار که روزی در این دشت، شیهه اسبان وحشی، گوش تاریخ را کر می کرد. انگارنه انگار که در این بادیه صدای «هل من ناصر ینصرنی» انعکاس داشت. انگارنه انگار که در این برهوت، گودال ها از خون لبریز بود و از زیر سنگ ها چشمه خون جاری. و دشت چقدر ساکت و آرام سر بر زانوی غم گذاشته است. این دشت که چهل طلوع خونین را به آغوش کشیده است؛ این دشت که چهل ظهر بی اذان را جان کنده است؛ این دشت که چهل غروب سرخ را نفس کشیده است. نه از صدای العطش کودکانی که از لب های ترک خورده شان خون می چکید، خبری است و نه از صدای گریه های رقیه که به دنبال آب برای اصغر می گشت.

ص: ۶۲

از آن زمان است که فرات از خودش شرمنده می جوشد و یارای موج زدن ندارد. زینب علیها السلام بر چله نشینی داغی بزرگ آمده است؛ با حنجره ای از ناگفته ها پر، با قامتی از حوادث خمیده، با چهره ای به اندازه غم های عالم، شکسته.

چهل روز گذشت

نه اشک ها در چشم دوام آوردند، نه حرف ها بر زبان. روایت درد آسان نیست. خاک های بیابان می دانند که سیلی آفتاب یعنی چه؟ تشنگی را باید از ریگ های ساحل پرسید تا بگویند آب به چه می آرزد. هم کوفه از سکوت پر بود و هم شام.

تنگ راه های شام انتظار می کشیدند تا صدای قدم های کسی بگذرد و دریغ. مسلمانان شهر، بیگانه و غریبه اند با برادران خویش. حرف ها فاسد شده اند پشت می له های زندان سینه ها. دستی بیرون نمی آید که سلامی را پاسخ دهد.

فریاد را از قاموس کوفه و شام ربوده اند و اراده ها را چپاول کرده اند. دست ها را بریده اند. به آدم ها یاد داده اند خم و راست شوند. کسی نمی داند شجاعت چیست و جوانمردی را با کدام قلم می نویسند؟

چهل روز گذشت. نه از آب خبری بود، نه از بابا. آسایش از فراز سرمان پرکشیده بود. چشم هایمان به تاریکی خرابه عادت کرده بود. اشک هایمان را چهل روز است که نشسته ایم.

چهل روز است که از پا ننشسته ایم. زنجیر بر دست هایمان نهادند و در می دان های شهر گرداندند، غافل که چلچراغ را به دیار شب می برند. خواب کودکانمان را آشفتند تا بر مصیبتمان بیفزایند، غافل که ما صبر را سال هاست می شناسیم. ما صبر را در خانه علی علیه السلام آموخته ایم.

از دشنه و دشنام کم نگذاشتند، از گرد و خاک کردن، کم نگذاشتند تا حقیقت پاکی مان پوشیده شود، ولی چه باک. حضرت دوست اگر با ماست، چه باک از این همه دشمنی. زبان ها را دستور به سکوت دادند، ولی آنچه البته دیر نمی پاید، سکوت است.

قلب ها را نتوانستند بازدارند از اندوه. مغزها را نتوانستند بازدارند از تأمل. زین العابدین علیه السلام خطبه هایش قیام کرده و قد برافراشته بود در میان جمعیت، تا پیام رسان خون تو باشند. طنین شهادت تو پرده ها را لرزاند، ریسمان ها را گسیخت و قلب ها را گشود.

چهل روز گذشت، اما اگر چهل سال یا چهارصدسال هم بگذرد، «صدای هل من ناصر...» تو بی پاسخ نخواهد ماند.

ص: ۶۳

روزگار این چنین نخواهد مانْد

دولتِ ظالم و کین نخواهد ماند

قرن ها می روند و می آیند

پرچمت بر زمین نخواهد ماند.

چهل روز اندوه

گل به گل سنگ به سنگ این دشت

یادگاران تواَنْد

رفت های اینک و هر صخره و سنگ

در تمام در و دشت

سوگواران تواَنْد

چهل روز گذشته زمین را به خاطر می آورم؛ چهل روز اندوه، چهل روز صبر و سوگ و ماتم، چهل روز بلند تر از چهل سال. زمین در این چهل روز، از داغ تو کویر شد و آب خوشی از گلویش پایین نرفت.

روزها همچون کاروانی سوگوار، از تک تک منازل تقویم رد شدند. کاروانی با شانه های فروافتاده و پیراهن های سیاه، با لب های مهر سکوت خورده و اشک های بی وقفه.

آه از این کاروان داغ دار، آه از روزهای پس از تو، آه از چهل صبح و شامی که سیاه پوش و حرمان زده ماندند و هیچ روزن امیدی در خویشتن نداشتند.

زیارت اربعین

پروردگارا! تو حسین را به واسطه شهادت گرامی داشتی و به سعادت، مخصوص گردانیدی و به پاکی نسل، او را برگزیدی... و به او می راث پیامبران بخشیدی و او را حجت بر خلق قرار دادی. پس او هم در این اتمام حجت بر خلق، رفع هر عذر از امت کرد و اندرز و نصیحت امت را با عطوفت و مهربانی انجام داد و خون پاکش را در راه تو به خاک ریخت تا بندگانت را از جهالت و حیرانی گمراهی نجات دهد. پس این امام بزرگوار در این راه، با ستمکاران در راه تو جهاد کرد و به اخلاص کامل صبر کرد و مشقت بسیار کشید تا آنجا که در راه طاعتت خون پاکش به خاک ریخت و حریم مطهر و هتک حرمت خاندان. پاکش را مباح شمردند. پروردگارا! پس بر آن قوم ستمکار لعن شدید کن و به عذابی دردناک مبتلایشان ساز!»

یکی از بـارزترین و برجسـته ترین مشـخصه هـای ایمـان، تولی و تبری است که در انسان ها به صورت حب و بغض یا نفرت و ارادت جلوه می کند. از حضرت امام باقر علیه السلام

ص: ۶۴

رسیده است: «هَلِ الـدّینُ إلاّ الحُبّ وَ البُغض؛ آیا دین داری چیزی جز محبت و دوستی اولیای خدا و بغض و دشـمنی دشـمنان الهی است؟».(۱)

ابوحمزه ثمالی از امام باقر علیه السلام پرسید: کدام عمل است که هرگاه آن را انجام داده باشم، حقیقت ایمان را کامل کرده ام؟ آن حضرت در پاسخ فرمود: «تُوَالِی أَولِیـاءَ اللهِ وَ تُعَادِی أَعـدَاءَ اللهِ وَ تَکُونُ مَعَ الصَّادِقِینَ کَمَا أَمَرَکَ اللهُ؛ این که با دوستان خدا دوستی، و با دشمنان خدا دشمنی ورزی و با راستگویان همراهی کنی، همان گونه که خدا به تو فرمان داده است.»(۲)

پای زخمی

من برای رسیدن به تو با همین پا آمدم.

من تشنه ام

زخم خوردم، تاول دیدم، رنج خار کشیدم تا بیایم.

جاده ها شاهدند که من عاشق تر از آنهایی هستم که در شعرها تورا می ستایند.

من همان پایی هستم که تاول زده و فرزندم برایم باندپیچیش کرده است

عاشقانه ترین عضوم همین پاهایی است که مرا به تو می رسانند.

همین پاهایی که وقتی نزدیک می شوند دیگر کفش پوشیدن را فراموش می کنند.

خدای عشق هم وقتی موسی را به عاشقانه های طور فرا خواند

در باره چشم و لب و دهن با او سخن نگفت، از او خواست پابرهنه بیاید، فاخلع نعلیک...».

من تشنه ام... تشنه

آب که می نوشم به تو سلام می کنم

رو به تو خم که می شوم

تا پاهایی را ببوسم که روی نفس جاده من را به تو می رسانند.

اربعین، روز پایان گم شدگی

اربعین حسین علیه السلام پایان بخش دو عنصر ویرانگر و ایمان سوز و تباه کشیده است، جهالت و حیرت و ضلالت. در

زیـارت اربعین می خوانیم که بـذل مهجه فیـک لیسـتنقذ عبادک عن الجهاله و حیره الضـلاله. حسـین، جان خویش را عاشـقانه بخشید یا بندگان را از جهالت و

ص: ۶۵

۱- ۱. همان، ج ۶۵، ص ۶۳.

۲- ۲. همان، ج ۲۷، ص ۵۷.

سردرگمی و بلاتکلیفی رهایی بخشد. اربعین، روز پایان گم شدگی، سردرگمی، گیجی و گمراهی است و مگر هدف همه ی انبیا و امامان جز رسیدن به این کمال، چیز دیگری است؟

وقتی اربعین تحقق همه این آرمان ها باشد. وقتی روز افتادن پرده ها و تماشای «حقیقت عریان و شکوهمند قرآن» باشد چرا مکرر نباشد.

در اربعین ما نیز با حسین علیه السلام میثاق و پیمان دیگر باره می بندیم. پیمان همراهی با او و حرکت بر همان جاده و صراط مستقیمی که او ترسیم کرده است.

اربعین، روز زیارت فضیلت و خوبی و زیبایی است. روز حضور جان در کربلا، روز مرور واقعه ای که گذشت تا در کربلا، با کربلا و کربلایی بمانیم.

اربعین، روز تصمیم گیری برای استمرار عاشورا، در جان و جهان است.

تجسم رسوایی ستم

اربعین بازگشت قافله ای است به کربلا که حدود ۲۱۵ روز آرامش به خود ندیده است و چهل روز سخت و غمبار را پشت سر گذاشته است؛ قافله ای که باید در اوج شکستگی باشد. اینک سرفراز و پیروز بازمی گردد؛ شرنگ شکست را در کام عبیدالله زیاد و یزید ریخته است. قدرت غاصبانه آنان را به باد انتقاد گرفته است و پرده فریب و دروغ و تزویر را پس زده است تا تماشای حقیقت را ممکن سازد. اربعین تجسم رسوایی ستم است و پیروزی حق مظلوم.

«اربعین انت های جاده اسارت است و ابتدای اسارت ستم. اگر نگاهی از جنس حقیقت آن سوی اربعین را می دید سی وسه هزار زنجیری را می دید که پیشاپیش آنان یزید و عبیدالله و عمرسعد در سلسله و غل بودند».

اربعین، روز پایان حیرت و سردرگمی و بهت و ضلالت است. اربعین، روز بازکردن چشم هاست که در زیارت اربعین می خوانیم «و بذل مهجته فیک لیستنقذ عبادک عن الجهاله و حیره الضلاله؛ حسین خونش را در راه تو بخشید تا بندگان را از جهالت و سردرگمی گمراهانه رها کند.

اربعین، عدد کمال است

کمال تابستان، چله تابستان است و کمال زمستان، چله زمستان. چهل سالگی سن کمال است و نقطه بعثت و برانگیختگی پیامبران، اربعین روز رسیدن به کمال است، کمال عاشورا اربعین است. کمال همه رفتن ها، کمال همه تکاپوها و تلاش ها.
کربلا در اربعین

ص: ۶۶

آیینه به قله رسیدگانی است که چهل منزل تا مقصد را یک نفس و هم نفس می پیمایند و در این راه رخوت و سکون و عقب گرد نمی شناسند.

اربعین، روز برائت

در زیارت نامه اربعین می خوانیم: «و قـد توازر علیه مَن غَرَّتْهُ الدُّنیا و باع حَظَّهُ بِالارذَلِ الادنی و شـری آخرته بالثمن الاَوْکَسِ و تَغَطْرَسَ و تَرَدّی فی هَواهُ و اسـخَطَکَ و اسـخَطَ نَبیکَ و اَطاعَ مِن عِبادِکَ اَهلَ الشِّقاقِ و النِّفاقِ و حَمَله الاوزار المسـتوجبین النار فجاهَدَهُم فیکَ صابراً محتسباً حتی سُفِکَ فی طاعَتِکَ دَمُهُ».

در آن، تاریک دلانی مقابل حسـین ایسـتادند که فریب خوردگان دنیا بودند و به فروترین و بی ارج ترین بها خود را فروخته و آخرت خویش را از سر غرور و حماقت به انـدک قیمتی به حراج و تاراج سپرده بودنـد. فریب خوردگانی که واژگون در چاه هوس هـا افتـاده و خشم حسـین و پیـامبر را برانگیخته و به پیروی از بی آبرویـان و دورویـان، جهنم را بر دوش گرفتنـد و خون حسـین را که صبورانه و عاشقانه مجاهدت می کرد، ریختند و حرمت حرمش را نامردانه شکستند. لعنت وبال آمیز و سنگین بر آنان باد.

اربعیـن، روز برائت و بیزاری از این خصـلت هـاست. روز نفرت و بیزاری از هواپرسـتی، خودپرسـتی و دنیـاپرستی است. اربعین روز دیـدن ناکامی دنیازدگان است. روز فهم قیمت انسان. اربعین درک خطی است که باید از آخرت ببریم و این درک خط، بدون خطکشیدن بر دنیای فریبناک ممکن نیست.

تجدید عهد

بازگشت به کربلا نوعی تجدید عهد با شهداست. تکریم و تجلیل شهید و راه شهید است. زیارت شهید، مرور و ذکر راه شهید است.

نمایشگاه بخشش

در عاشورا، خداوند میراث همه انبیاء را به حسین بخشید (و اعطیته مواریث الانبیا) روز اربعین روز بخشیدن این میراث به تاریخ است. عاشورا نمایشگاه بخشش خدا به حسین و اربعین نمایشگاه بخشش حسین به انسان و تاریخ است.

زیرنویس ها و پیام های کوتاه

چشمه های جوشان

• امام صادق علیه السلام : آسمان چهل روز بر حسین علیه السلام ، خون گریه کرد. (مناقب آل أبی طالب، ج۳، ص۲۱۲)

• امام صادق علیه السلام ــ در زیارت امام حسین علیه السلام در روز اربعین ــ :

بارخدایا! من گواهی می دهم که آن بزرگوار، خون خود را در راه تو نثار کرد تا بندگانت را از جهالت و سرگشتگیِ گمراهی برهاند، درحالی که آنان که دنیا فریبشان داد و بهره خود [از آخرت] را به [دنیای] پَست فروختند، علیه او همیار شدند. (بحار الأنوار: ج ۱۰۱، ص۳۳۱، ح۲)

• امام حسین علیه السلام : بر خداوند است که هیچ گرفتاری به زیارت من نیاید مگر آنکه او را شادمان بازگردانم و به خانواده اش برسانم. (ثواب الأعمال و عقاب الاعمال، ص۹۸)

• پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم : کربلاـ پاک ترین بقعه روی زمین و از نظر احترام بزرگ ترین بقعه ها است و الحق که کربلا از بساط های بهشت است. (بحارالانوار، ج۹۸، ص۱۱۵)

• پیامبر اکرم: کشته شدن حسین علیه السلام چنان داغی در دل مؤمنان است که هرگز سرد نشود. (مستدرک الوسائل و مستنبط المسایل ج ۱۰، ص ۳۱۸)

• امام مهدی: [هر صبح و شام بر تو گریه و شیون می کنم و در مصیبت تو به جای اشک، خون می گریم. (بحارالأنوار (ط ــ بیروت) ج۹۸، ص۲۳۸)

• امام صادق علیه السلام : زیارت امام حسین علیه السلام را رها نکن و دوستان خود را هم به آن سفارش کن؛ زیرا در این صورت، خداوند عمرت را طولانی و روزی ات را زیاد می کند و زندگی ات را همراه با سعادت می کند و جز سعادتمند نمی میری و نام تو را در شمار سعادتمندان ثبت می کند. (کامل الزیارات، ص۱۵۲)

• امام صادق علیه السلام : به راستی که خدا کربلا را حرم امن و بابرکت قرار داد، پیش از آنکه مکه را حرم قرار دهد. (کامل الزیارات، ص۲۶۷ بحارالانوار، ج۹۸، ص۱۱۰)

° امام علی علیه السـلام : امیرمؤمنان علیه السـلام خطاب به خاک کربلا فرمود: «چه خوش بویی ای خاک! در روز قیامت قومی از تو به پا خیزند که بدون حساب و بی درنگ به بهشت روند. (شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج۴، ص۱۶۹)

° امام صادق علیه السـلام : کربلا را زیارت کنیـد و این کار را ادامه دهید؛ زیرا که کربلا بهترین فرزندان پیامبران را در آغوش خویش گرفته است. (کامل الزیارات، ص۲۶۹)

° امام باقر علیه السـلام : اگر مردم می دانسـتند که چه فضیلتی در زیارت مرقد امام حسین علیه السلام است از شوق زیارت می مردند. (ثواب الاعمال، ص۳۱۹؛ به نقل از کامل الزیارات)

° امام باقر علیه السلام : زیارت قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله و زیارت مزار شهیدان، و زیارت مرقد امام حسین علیه السلام معـادل است با حـج مقبولی که همراه رسول خـدا صـلی الله علیه و آله به جا آورده شود. (مسـتدرک الوسائل، ج۱، ص۲۶۶ و نیزکامل الزیارات، ص۱۵۶)

° امام باقر علیه السلام : ای حمران! به تو مژده می دهم که هرکس قبور شهیدان آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم را زیارت کنـد، مرادش از این کـار رضـایت خـدا و تقرب به پیامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم باشـد، از گناهانش بیرون می آیـد، چون روزی که مادرش او را زاد. (امالی شیخ طوسی، ج۲، ص۲۸؛ بحارالانوار، ج۹۸، ص۲۰)

° امام صادق علیه السـلام : هرکس دوست دارد روز قیامت بر سـر سـفره های نور بنشـیند، باید از زائران امام حسین علیه السلام باشد. (وسائل الشیعه، ج۱۰، ص۳۳۰؛ بحارالانوار، ج۹۸، ص۷۲)

° امام صادق علیه السـلام : کسـی که می خواهد در همسایگی پیامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم و در کنار علی علیه السـلام و فاطمه علیها السلام باشد زیارت امام حسین علیه السلام را ترک نکند. (وسائل الشیعه، ج۱۰، ص۳۳۱)

° امام صادق علیه السلام : هرکس به زیارت قبر امام حسین علیه السلام نرود تا بمیرد ایمانش ناتمام و دینش ناقص خواهد بود، به بهشت هم که برود پایین تر از]دیگر[مؤمنان در آنجا خواهد بود. (وسائل الشیعه، ج۱۰، ص۳۳۵)

° امام صادق علیه السـلام : زیارت امام حسـین علیه السلام را ترک نکن و به دوستان و یارانت نیز همین را سفارش کن. تا خدا عمرت را طولانی و روزی و رزقت را زیاد کنـد و خـدا تو را باسـعادت زنـده دارد و نمیری مگر شـهید. (وسائل الشـیعه، ج۱۰، ص۳۳۵)

° امام صادق علیه السـلام : هرکس که خدا خیرخواه او باشد محبت حسین و زیارتش را در دل او می اندازد و هرکس که خدا بدخواه او باشد کینه و خشم حسـین علیه السـلام و خشم زیارتش را در دل او می اندازد. (وسائل الشیعه، ج ۱۰ ص ۳۸۸، بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۷۶)

• امام صادق علیه السلام : هرکس که به زیارت قبر حسین علیه السلام نایل شود، درحالی که به حق آن حضرت معرفت داشته باشد خدای متعال]نام[او را در بلندترین درجه عالی مقامان ثبت می کند. (من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ۵۸۱)

• موسی بن جعفر علیه السلام : کمترین ثوابی که به زائر امام حسین علیه السلام در کرانه فرات داده می شود این است که تمام گناهان بخشوده می شود. به شرط این که حق و حرمت ولایت آن حضرت را شناخته باشد. (مستدرک الوسائل، ج ۱۰ ص ۲۳۶، به نقل از کامل الزیارات، ص ۱۳۸)

• امام رضا علیه السلام : کسی که قبر امام حسین علیه السلام را در کرانه فرات زیارت کند، مثل کسی است که خدا را زیارت کرده است. (مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۲۵۰)

• امام حسن عسکری علیه السلام : نشانه های مؤمن پنج چیز است: ۱. نمازهای پنج گانه (منظور نمازهای روزانه و نوافل آنهاست که پنجاه رکعت می شود)؛ ۲. زیارت اربعین؛ ۳. انگشتر به دست راست کردن؛ ۴. بر خاک سجده کردن؛ ۵. بسم الله الرحمن الرحیم را بلند گفتن. (وسائل الشیعه، ج ۱۰ ص ۳۷۳ و نیز التهذیب، ج ۶ ص ۵۲)

• امام صادق علیه السلام : شفای هردردی در تربت قبر حسین علیه السلام است. (کامل الزیارات، ص ۲۷۵ و وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۴۱۰)

• جابربن عبدالله انصاری، نخستین زائر کربلای معلی در روز اربعین سال ۶۱ هجری است.

• سنت حسنه پیاده روی اربعین در سال های حضور ائمه معصومان: با وجود حکومت سفاک و خون ریز اموی و عباسی انجام شده است.

• در برخی روایات تاریخی آمده است که زیارت کربلا با پای پیاده در زمان «شیخ انصاری» (متوفی سال ۱۲۸۱ قمری) رسم بوده است، اما در برهه ای از زمان به فراموشی سپرده شد که در نهایت «شیخ میرزاحسین نوری» دوباره احیا می کرد.

• اگر قیام عاشورا را قانون اساسی عالم تشیع قلمداد کنیم، می توانیم نتیجه بگیریم که بخش اعظمی از این قانون اساسی در اربعین حسینی به میثاق نوینی تبدیل شده است.

• سلام بر ولی خدا و حبیب او. سلام بر دوست خدا و محبوب او. سلام بر بنده برگزیده خدا و فرزند بنده برگزیده خدا. سلام بر حسین مظلوم شهید. (زیارت اربعین)

• سلام بر کسی که اسیر غم و اندوه گشت. پروردگارا! من شهادت می دهم که او [امام حسین علیه السلام] ولی تو و پسر ولی تو و برگزیده تو و فرزند برگزیده توست که به برکت کرامت تو، رستگار گردید. (زیارت اربعین)

• سلام بر تو ای فرزند سید اوصیا. سلام بر تو ای فرزند رسول الله. من شهادت می دهم که تو امین خدا و فرزند امین او هستی. سعادتمندانه زیستی و بزرگوارانه و مظلومانه به شهادت رسیدی و شهادت می دهم که خداوند آنچه از وعده های پاداش که به تو داد، عملی خواهد کرد و آنانی را که با تو جنگ کردند، هلاک و معذب خواهد کرد. (زیارت اربعین)

• شهادت می دهم که تو به عهدت با خدایت وفا و در راه او جهاد کردی تا آنکه از جام شهادت نوشیدی. پس خدا لعنت کند کسی را که با تو جنگید و به تو ظلم کرد و خدا لعنت کند گروهی را که داستان شهادت تو را به دست ستمکاران شنیدند و به آن رضایت دادند. (زیارت اربعین)

• پروردگارا! شهادت ده من با هرکه با حسین دوست است، دوست و با هر که با او دشمن است، دشمن. (زیارت اربعین)

• یا حسین! من شهادت می دهم که تو نوری بودی در اصلاب پدران عالی مقام و ارحام پاک مادران که تیرگی جاهلیت تو را نیالود. (زیارت اربعین)

• من شهادت می دهم که تو از پایه های دین و اساس مسلمانی و نگهبان اهل ایمان هستی و شهادت می دهم که تو امام نیکوکار و پرهیزکار و دارای صفات پاکیزه هستی و شهادت می دهم که امامانی که از نسل تو هستند، همه کلمه تقوا و نشانه های هدایت و رشته محکم ایمان و حجت بر اهل دنیا هستند. (زیارت اربعین)

• من شهادت می دهم به شما ایمان و به رجعت شما یقین دارم. (زیارت اربعین)

• [یا حسین!] قلبم تسلیم قلب پاک شما و همه کارم در مسیر پیروی از اوامر شماست و من برای یاری شما همواره آماده ام. (زیارت اربعین)

• درود خدا بر شما و بر ارواح شما و اجساد شما و حاضر شما و غائب شما و ظاهر شما و باطن شما باد! (زیارت اربعین)

• درسی که اربعین به ما می دهد، این است که باید یاد حقیقت و خاطره شهادت را در مقابل طوفان تبلیغات دشمن زنده نگهداشت. (بیانات مقام معظم رهبری ۲۹/۰۶/۱۳۶۸)

· شهادت بدون خاطره، بدون یاد، بدون جوشش خون شهید، اثر خودش را نمی بخشد و اربعین روزی است که برافراشته شدن پرچم پیام شهادت کربلا در آن روز آغاز شود و روز بازماندگان شهداست. (بیانات مقام معظم رهبری ۲۹/۰۶/۱۳۶۸)

· اهمیت اربعین آن است که در این روز، با تدبیر الهی خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ، یاد نهضت حسینی برای همیشه جاودانه شد و این کار پایه گذاری گردید. (بیانات مقام معظم رهبری ۲۹/۰۶/۱۳۶۸)

· شروع جاذبه مغناطیسی حسینی در روز اربعین است، جابربن عبدالله را از مدینه بلند می کند و به کربلا می کشد، این همان مغناطیسی است که امروز هم با گذشت قرن های متمادی در دل من و شما هست. (بیانات مقام معظم رهبری ۱/۱/۱۳۸۵)

· اولین شکوفه های عاشورایی در اربعین شکفته شد. اولین جوشش های چشمه جوشان محبت حسینی – که شطّ همیشه جاری زیارت را در طول این قرن ها به راه انداخته است – در اربعین پدید آمد. (بیانات مقام معظم رهبری ۱/۱/۱۳۸۵)

· اربعین، فرصتی است دوباره، برای اندیشیدن به پیام عاشورا.

· اربعین، بزرگداشت حماسه سازان عاشوراآفرین است.

· زیارت اربعین، از جلوه های جهاد و فداکاری در راه خدا است.

· عظمت راهپیمایی میلیونی اربعین، نماد مقاومت جهانی علیه باطل با پرچم لبیک یا حسین است.

· پیاده روی اربعین، تمرینی برای حضور در عصر ظهور است.

· پیام زیارت اربعین، آمادگی شیعیان برای یاری دین خدا و حمایت از امام زمان[است.

· اربعین، پژواک خشم و خروش بر ستمگران است.

· اربعین با بوی خون در مشام و آبله در پا رسیده است تا بگوید همه اتفاقات سرخ، در راستای شکیبایی زینب علیها السلام بود.

· اربعین؛ روز زیبایی حقیقت، روز زیارت چشم ها از زیبایی های کربلا، روز تماشای واقعه عاشورا، روز به گل نشستن خون ذبح عظیم کربلاست.

· اربعین، چلّه عارفانه شیعه و فریاد ستم ستیزی اوست.

· اربعین، فرصتی است برای تجدید پیمان با عاشوراییان.

· اربعین، نگاهی دوباره به عاشوراست.

٠حضور در پیاده روی اربعین قدم نهادن در مسیر تکامل و خودسازی است.

ص: ۷۲

· یکی از درس های پیاده روی اربعین، فانی شدن و خرج کردن و خرج شدن در این راه و تمرین«کریم شدن» است.

· راهپیمایی اربعین، پاسخ خدا به «هل من ناصر ینصرنی» حسین علیه السلام است.

· قدرت های عالم هنوز هم از امام حسین علیه السلام می ترسند؛ چرا که او به ما آموخت در برابر ظالم از مرگ نترسید.

· این سفر، سفر شیعیان نیست و حتی سفر مسلمانان هم نیست. ما این قدر به اربعین می آییم که همه آزادگان جهان به اربعین بپیوندند.

· راهپیمایی اربعین، سیاسی ترین راهپیمایی جهان است، اگر سیاسی نبود، طرد نمی شد.

· همه جای دنیا گدایی می کنند تا چیزی به دست آورند، اما در راهپیمایی اربعین التماس می کنند تا همه چیز خود را به زائران حسینی بدهند و این می تواند مبنای تمدن جدیدی باشد.

· پیاده روی اربعین، جلوه ای از وحدت امت واحده اسلام است.

· پیاده روی اربعین، اظهار عظمت و تجلیل از مقام شامخ اباعبدالله علیه السلام است.

· دفاع از حق، مهم ترین پیام زیارت اربعین است.

· راهپیمایی عظیم اربعین، دعوت بشر به اسلام و دعوت مسلمانان به اسلام و قرآن است.

· پیادهروی اربعین حسینی اثبات ایستادگی شیعیان در جبهه امام حسین علیه السلام است.

· پیاده روی اربعین حسینی علاوه بر اینکه زیارتی سرشار از معنویت و روحانیت است، نوعی جهاد حسینی و سیاسی است.

· زیارت اربعین، فریادی است که بر سر ظالمان، بلند می شود و زائران را به سوی زیارت کربلا، برای تجدید بیعت با امامشان برمی انگیزد.

· برگزاری پیاده روی اربعین، قیام امام حسین علیه السلام را در دنیا منعکس می کند تا حقانیت و مظلومیت اباعبدالله علیه السلام اثبات شود.

· «تفکر» یکی از آداب عبادت باعظمت زیارت اربعین است.

· یکی از موضوعاتی که باید درباره آن تفکر کرد، راز این همه تأکید امامان معصوم: به زیارت اباعبدالله الحسین علیه السلام است.

- اربعین نمایشگاه مهر و محبت اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و سلم در مقابل خشونت و ظلم است.
- یاد غربت و مظلومیت اهل بیت علیه السلام و رساندن پیام شهیدان کربلا از ثمرات زیارت اربعین است.
- پیاده روی اربعین، فرصتی برای معرفی امامحسین علیه السلام به جهان است.
- زیارت اربعین به ما می آموزد تا براساس سیره ائمه اطهار: تکلیف محور باشیم و به دستورهای الهی عمل کنیم.
- پیام زیارت اربعین، تکلیف محوری، موقعیت شناسی و آرمان خواهی براساس اصول اخلاقی است.
- پیاده روی اربعین حسینی انقلاب دینی عظیم در دنیاست.
- عاشورا، تبلور ایستادگی و جان فشانی بود؛ اربعین حسینی، پیوند خون و پیام است.
- راهپیمایی اربعین، شکست ناپذیری و غیرت دینی شیعیان را به رخ جهانیان می کشد.
- اربعین حسینی، تبلور جلوه های دلدادگی عاشقان امام حسین علیه السلام است.
- پیاده روی اربعین، تبلور جهاد حسینی در مقابل دنیای کفر است.
- اربعین؛ یعنی دشمنان اسلام بدانند که شیعیان هرگز از مقاومت اسلامی جدا نمی شوند.
- اربعین؛ یعنی تا آخرین قطره خون از دین اسلام حمایت خواهیم کرد.
- پیاده روی اربعین؛ جلوه جهاد و رویارویی با ظلم و حمایت از آرمان های انقلاب حسین علیه السلام است.
- شکوه و عظمت اربعین، مایه سرخوردگی و ناامیدی دشمنان دین خداست.
- اربعین، روز خون گریستن دل ها و اشک ریختن دیده هاست.
- اربعین، روز شکستن دوباره بغض عاشوراست.
- اربعین حسین علیه السلام امتداد عاشوراست.
- اربعین چراغ و نوری از چلچراغ و مشعل عاشوراست و پیاده روی اربعین راهی برای رسیدن به این نور عاشورایی است.
- اربعین؛ یعنی دوران مظلومیت شیعه به پایان رسیده است و ما شاهد عظمت و شکوه حسینیان هستیم.

- حضور میلیونی شیعیان در اربعین، لرزه بر اندام دشمنان و داعش انداخته است.
- پیاده روی اربعین، خاری در چشمان دشمنان است.
- اربعین حسینی علیه السلام نماد اتحاد، اقتدار و صلابت شیعیان است.
- اجتماع میلیونی زائران اربعین حسینی، نماد اقتدار جهان اسلام است. واردشدن به این راه، کمال سعادت برای انسان است.
- هرقدمی که برای اربعین برمی داریم، یک قدم به مولایمان نزدیک می شویم.
- اگر در زبان، نام امام حسین علیه السلام را جاری کنیم باید در مسیر او قدم برداریم و خود را حامی خونش بدانیم.
- پیاده روی اربعین، نماد وحدت اسلامی در بین مسلمانان جهان است.
- حرکت عظیم کاروان پیاده اربعین، نشان از اعتقادات راسخ مردم به امام حسین علیه السلام است.
- پیاده روی اربعین، نشان از ایمان و ولایت مداری مردم است.
- پیاده روی بزرگ اربعین، نشانگر اقتدار ولایت است.
- پیاده روی در مراسم اربعین، نشانگر هم بستگی اسلامی است.
- ظلم ستیزی و عدم تبعیت از ظالم و بیعت نکردن با ظالم، رمز پیروزی قیام های مبتنی بر ولایت است.
- پیاده روی اربعین حسینی، نماد استکبارستیزی، وحدت و اقتدار مسلمانان است.
- مراسم اربعین در کربلا، نشان دهنده این است که عاشورا سرآغاز یک جریانی است که هرگز ایست و وقفه نمی شناسد.
- اربعین، نشان دهنده این است که حماسه عاشورا در برابر ظلم؛ ایستادن؛ سکوت و سکون نمی شناسد.
- اربعین حسینی، نماد تجلیل از یک شخصیت بزرگ در سطح جهان است.
- اربعین، بهترین فرصت برای زنده نگه داشتن نهضت امام حسین علیه السلام است.
- اربعین حسینی، نمایش بی همتا از شوروشعور اسلامی است.
- اربعین، تکمیل کننده واقعه عاشوراست.
- اربعین حسینی، در کربلا مصداقی از اهمیت قیام امام حسین علیه السلام است.

• اربعین یعنی؛ منشا عشق و دلدادگی الهی و تسلیم شدن محض در برابر بارگاه ربوبیت و نماد قیام در مسیر دین خدا و آزادی خواهی توام با شهادت طلبی است.

ص: ۷۵

· اربعین، یک روز نیست، بلکه تکرار ۴۰ روز، واقعه عاشوراست.

· رسیدن به اربعین، یعنی نقطه اوج هیئت حسین علیه السلام .

· اربعین، یعنی چهل روز مدام در سرمستی جرعه نوشی جام نیزه ها باشی.

· اربعین، هر سال فریاد می زند آنها که نرفته اند، برخیزند...

· اربعین وقتی می آید، می خواهد جامانده ها را با خود ببرد...

· اربعین یعنی؛ رسیدن به همان قاب قوسینی که پر جبرییل در رسیدن به آن آتش می گیرد.

· اربعین یعنی؛ به جوش آمدن پیمانه هایی که در هیئت حسین علیه السلام در جام های خالی ما ریخته اند.

· اربعین، یک روز نیست، یک فرهنگ است.

· خداباوری و خدامحوری، پذیرش حجت خدا، مبارزه برای نجات انسان ها، کمال دانستن شهادت و نداشتن ایمان فصلی و مقطعی از خصوصیات حامیان امام حسین علیه السلام است.

· گرامی داشت اربعین، تعظیم شعائر دینی، رمز پویایی همیشگی نهضت پربار حسینی و اعلام پایبندی به مکتب سرخ عاشورا است.

· اربعین، داغ عاشورا را زنده می کند و درس های عاشورا را دوباره یادمان می آورد.

· عاشورا، عهدی است با همه آزادگان عالم که هرگز ظلم را برنتابند و اربعین تازه کردن این عهد است.

· اربعین، موسم تازه کردن اشک ها و زنده کردن عزاداری هاست.

· زیارت اربعین، ستون ولایت است.

· ما حامی خون کسی هستیم که شهادت عزت مندانه را بهتر از زندگی ذلت بار می دانست.

· این اقیانوس جوشان نشان دهنده آن است که منبع لایزال اهل بیت عصمت و طهارت پیوسته در تاریخ نقش آفرینی می کنند.

· امروز در دنیا هیچ قدرتی نمی تواند این موج انسانی را به راه اندازد.

· تنها قدرت اهل بیت: است که همچون معجزه ای این اقیانوس عظیم را پیاده روانه کربلا کرده است.

• در شرایط پیچیده فعلی دنیا و علی رغم تبلیغات گسترده علیه شیعیان و ایجاد تفرقه در جهان اسلام راهپیمایی و پیاده روی مردم در مراسم اربعین نشان دهنده هم بستگی اسلامی در جهان اسلام است.

• راهپیمایی اربعین، این پیام را به دنیا مخابره می کند که با انفجار و کشت و کشتار و لبه تیز شمشیر نمی توانند دل ها را تصرف کنند.

• راهپیمایی اربعین، این پیام را به دنیا مخابره می کند که مردم از خشونت هایی که امروز توسط استکبار جهانی مدیریت می شود، بیزارند.

• مردم با راهپیمایی اربعین، می خواهند به جهانیان بگویند: «ای مسلمانان، واعتصموا بحبل الله».

• پیاده روی اربعین، یک مانور اسلامی است.

• دنیا از عظمت اربعین عاجز مانده است.

• پیاده روی اربعین، یک همایش و مانور بزرگی است که مشتاقان را به عرصه ظهور می رساند و اعلام می کند که راه اباعبدالله الحسین علیه السلام و یاران ایشان همچنان ادامه دارد.

• همایش پیاده روی در اربعین نشانگر آن است که باز هم خواستار آن هستیم تا با این حرکت پیامدهای حرکت امام حسین علیه السلام در جهت حفظ دین را تکرار و مرور کنیم.

• زیارت اربعین، یکی از نشانه های مؤمن است.

• پیاده روی اربعین، حرکت عظیم فرهنگی است که نشانگر عدم هراس مسلمانان از داعش و صهیونیست است.

• اباعبدالله خطرات را به جان خرید تا اسلام بماند، حامیان خون حسین علیه السلام نیز همواره این خطرات را به جان می خرند.

• پیاده روی و همایش بزرگ اربعین، حرکتی خودجوش، مردمی و عاشقانه است.

• بازتاب جهانی پیاده روی اربعین، نشانگر گستردگی حضور مردم با عشق، علاقه و پایبندی به دین است.

• ملت ایران با روحیه صلح دوستی و عشق به حضرت امام حسین علیه السلام در مراسم اربعین حضور دارند.

• پیاده روی اربعین، رزمایش فرهنگی جهان اسلام است.

ص: ۷۷

- اگر پیاده روی اربعین نبود، فرهنگ حسینی در بین جهان اسلام به فراموشی سپرده می شد.

- پیام اصلی پیاده روی اربعین حسینی، شکوه و اقتدار دین اسلام در تمام دنیا است.

- شکوه پیاده روی اربعین، نشان عظمت حسین بن علی علیه السلام است.

- اربعین حسینی، فرصت احیاء حماسه ایثار در راه دفاع از آموزه های دینی است.

- ایام اربعین حسینی، برای مؤمنین یک فرصت خودسازی و احیاء حماسه ایثار و ولایت مداری در راه دفاع از آموزه های دینی و قرآنی است.

- اربعین، مقطع پایان یافتن اسارت اهل بیت:، کامل شدن رسالت حضرت زینب علیها السلام و امام سجاد علیه السلام در رسوا ساختن یزیدیان است.

- اربعین، رساندن پیام خون سرخ حسین به گمراهان کوفی و شامی است، چه اربعین را آغاز حرکت آن ها از شام بدانیم و چه زمان رسیدن شان به کربلا.

- اربعین، مبدأ حرکت جوشنده و تمام ناشدنی تبلیغ و ترویج فرهنگ حسینی است.

- پیام اربعین، پیام پیروزی حق بر باطل و خون بر شمشیر و آغاز شکل جدیدی از نبرد فرهنگی با طاغوت های زمانه است.

- حادثه عاشورا و بر زمین ریختن خون های پاک امام حسین علیه السلام و یاران قهرمانش، بهترین انرژی و سرمایه برای چنین مبارزه تمام ناشدنی و مستمر تا قیام قیامت است.

- راهپیمایی بزرگ شیعیان در روز اربعین، مصداق واضحی از یک قدرت نمایی نرم است.

- خواندن زیارت اربعین، زیارت کردن امام حسین علیه السلام در روز اربعین و پاسداشت چنین روزی در میان شیعیان اهل بیت: یکی از برجسته ترین عوامل تقویت هویت شیعی است.

- از اربعین است که هویت شیعی جان و قالبی تازه می گیرد.

- اربعین، میعادگاه مذهبی ـ سیاسی تشیع است.

- پیاده روی اربعین حسینی، نماد مدیریت اسلامی شیعیان است.

- اربعین، نماد اقتدار معنوی پیروان اهل بیت: است.

- اربعین حسینی، نماد و مظهر حقیقی اتحاد و انسجام جهان اسلام است.

- پیاده روی اربعین، مظهر اقتدار امت اسلامی است.

ص: ۷۸

· زائران اربعین به کربلا رفته اند تا به جهانیان بگویند در مقابل طوفان تبلیغات دشمنان اسلام چونان کوهی ایستاده اند.

· پیاده روی اربعین، سیلی محکمی به استکبار جهانی است.

· زائران اربعین برای تجدید عهد با امام زمان[به کربلا رفته اند.

· اربعین، آموزنده این تفکر الهی است که اگرچه باطل مانند کفی بر روی آب ممکن است مدت کوتاهی حق طلبان را گرفتار قتل، اسارت و انواع بلاها کند، اما عاقبت، پیروزی از آن حق و حق طلبان خواهد بود.

· شیعه با پاسداشت اربعین، پیروزی امام حسین و یارانش را فریاد می زند.

· اربعین، شایسته تکریم و بزرگداشت است؛ زیرا اربعین، ثمره عاشوراست و آنچه امام حسین علیه السلام در عاشورا آغاز کرد در اربعین به بار می نشیند.

· مراسم پیاده روی اربعین، یکی از بهترین فرصت های آشنایی و تعمیق روابط معنوی، سیاسی و فرهنگی شیعیان جهان است.

· پیاده روی اربعین، بهترین فرصت برای معرفی امام حسین علیه السلام به جهانیان است.

ص: ۷۹

بار بگشایید اینجا کربلاست

شعراربعین

علی اکبر لطیفیان

تازه رسیده از سفر کربلا، سرت

بین تن تو فاصله افتاده تا سرت

با پهلوی شکسته و با صورت کبود

کنج تنور کوفه کشانده مرا سرت

پیشانی ات شکسته و موهات کم شده

خاکستر تنور چه کرده است با سرت؟

وقتی که هست دامن من نذر بچه هام

در گوشه تنور بیفتد چرا سرت؟

رگ های گردنت چقدر نامرتب است

ای جان من چگونه مگر شد جدا سرت؟

این جای سنگ نیست، گمان می کنم حسین

افتاده است زیر سم اسب ها سرت

باید کمی گلاب بیارم بشویمت

خاکی شده است از ستم بی حیا سرت

چشمان تو همیشه به دنبال زینب است...

تا اربعین اگر برود هر کجا سرت

مهدی محمدی

چگونه با تو بگویم چگونه خواهر رفت

تمام سوی دو چشمم پس از برادر رفت

به جای آن همه تیری که بر تنت آمد

لباس کهنه و انگشتر مطهر رفت

صدای حرمله می آمد و نوای رباب

کنار نیزه طفلش ز هوش مادر رفت

حرم در آتش دختر نفس نفس می زد

نگاه ها پی غارت به سمت دختر رفت

برای غارت یک گوشواره کوچک

دو چشم رفت، گل سر شکست، معجر رفت

مهدی محمدی

ای همیشه خواهر غم پرورم *** ای خمیده مثل زهرا مادرم

بشکن این بغضی که داری در گلو *** هرچه می خواهد دل تنگت بگو

بر حسینت شام را توصیف کن *** از خرابه رفتنت تعریف کن

از درخت خشک و سنگ و سر بگو *** از لب و از چوب و طشت زر بگو

صورت خورشید و نوک نی چه بود *** قصه قرآن و بزم می چه بود

جان من بنشین و حرف دل بگو *** از جبین و چوبه محمل بگو

به چه بزمی، بزم اشک و ماتم است *** بزمتان جمع است و یک کودک کم است

حسن لطفی

باور نمی کنم که رسیدم کنار تو *** باور نمی کنم من و خاک دیار تو

یک اربعین گذشته و من پیر تر شدم *** یک اربعین گذشت و شدم همجوار تو

یک اربعین اسیر بلایم اسیر عشق *** یک اربعین دچار فراقم دچار تو

یک اربعین دویده ام و زخم دیده ام *** دنبال ناله های یتیمان زار تو

یک اربعین بجای همه سنگ خورده ام *** یک اربعین شده بدنم سنگ سار تو

یک اربعین به گریه من خنده کرده اند *** لبهای قاتلان تو و نیزه دار تو

مثل رباب مثل همه تار تر شده *** چشمان خسته من چشم انتظار تو

روز تولدم که زدم خنده بر لبت *** باور نداشتم که شوم سوگوار تو

با تیغ و تیر و دشنه تو را بوریا کنند *** با سنگ و تازیانه مرا داغدار تو

یادم نمی رود به لبت آب بود *** یادم نمی رود بدن غرقه خار تو

مانده صدای حرمله در گوش من هنوز *** پستی که نیزه زد به سر شیرخوار تو

حالا سرت کجاست که بالای سر روم *** گریم برای زخم تن بی شمار تو

من نذر کرده ام که بخوانم در علقمه *** صد فاتحه برای یل تکسوار تو

یک مشت خاک روی تو و من دعا کنان *** شاید شوم نشان تو _ سنگ مزار تو _

ص: ۸۱

مجید لشکری

یک اربعین، به نیزه سر یار دیده ام

یک اربعین، چو شمع به پایش چکیده ام

یک اربعین، به ضربه شلّاق ساربان

بر روی خارهای مغیلان دویده ام

یک اربعین، تمام تنم درد می کند

با ضرب تازیانه ز جایم پریده ام

یک اربعین، رقیه تو مفرد از غمت

اکنون بدون او به کنارت رسیده ام

یک اربعین، به شام و به کوفه حماسه ها

با خطبه های حیدری ام آفریده ام

یک اربعین، ز چوبه محمل سرم شکست

همچون پدر ببین تو جبین دریده ام

یک اربعین، کنار عدو، وای! وای! وای!

بس جور طعنه های فراوان کشیده ام

یک اربعین، به ضربه سیلی ببین حسین

رویم کبود گشته و قامت خمیده ام

محمود ژولیده

ای امام عاشقان عشقت اسیرم کرده است *** گر چه محنت دیده هفتادوچند آلاله ام

وی امیر عارفان داغ تو پیرم کرده است *** داغ پیری سه ساله سخت پیرم کرده است

من اسیر داغ عشقم نی اسیر دست خصم *** کربلا تا شام صدها کربلا کردم به پا

شعله های داغ های تو اسیرم کرده است *** خصم حیرت از سپاه بی نظیرم کرده است

آرزوهای محال دشمنان بر باد رفت *** کوه می لرزید از فریادهای زخمی ام

قدرت خون تو بر دشمن دلیرم کرده است *** کوفه تمکین از پیام ناگزیرم کرده است

ظهر عاشورا در آن میدان شورانگیز عشق *** انقلاب سرخ تو با خطبه های ناب من

دست جان بخش ولایت غم پذیرم کرده است *** پاسدار خطبه ظهر غدیرم کرده است

ص: ۸۲

عبدالرحیم سعیدی راد

شبی که نام تو در باور زمین گل کرد

کسی نگفت «چرا زخم ما چنین گل کرد»

دوباره مزرعه کربلا شکوفا شد

دوباره پینه دستان خوشه چین گل کرد

ببین چگونه زنی شیون از دلش جوشید!

ببین چگونه ترک های زخم دین گل کرد!

دوباره می رسد امروز مردی از ره شام

که سجده های وی از سینه زمین گل کرد

به یاد خیمه آتش، به یاد روز عطش

نگاه شعر من از زخمی آتشین گل کرد

به یاد غیرت مردان روز عاشورا ،

به یاد هیبت مردی که روی زین گل کرد

تمام خاطره هایم، تمام زخم دلم

دوباره تازه شد و روز اربعین گل کرد

یاسر مسافر

قسمت نشد اربعین کنارت باشم

و زائر آن صحن و مزارت باشم

به خود فاطمه سوگند که مایل بودم

چون شهیدان خدا یاور و یارت باشم

و از آن نوع نگاهی که به حُرّت کردی

به من انداز که بر چوبه دارت باشم

گوش جان جز به صدای غم تو نسپارم

آمدم گوشه این روضه که زارت باشم

گفته ای دار و ندارت همه در علقمه ماند

من فدای تو و آن داروندارت باشم

پس برایم بنویسید به مشهد آیم

اربعین روزی اگر نیست کنارت باشم

ص: ۸۳

سید رضا مؤید

ای کربلا کعبه عشق و امیدم

بعد از جداییها به دیدارت رسیدم

ای کربلا آغوش بگشا زینب آمد

من زینبم کز رنج دوری ها خمیدم

هر روز دیدم کربلای تازه ای را

ای کربلا تا بر سر کویت رسیدم

منزل به منزل داغ بر داغم فزون شد

جان کَندهام تا رخت در اینجا کشیدم

از بهر انجام رسالت زنده ماندم

گر زندهام من زنده هر دم شهیدم

ای کاروان سالار زینب، دیده بگشا

تا گویمت با دیده گریان چه دیدم

با آن که با دستت به قلبم صبر دادی

چندان که در هر جا شهامت آفریدم

اما دو جا دست غمم از پا در آورد

بی خود ز خود گشتم گریبان بر دریدم

یک جا که دشمن بر لبانت چوب می زد

یک جا سرت چون بر فراز نیزه دیدم

بشنیده بودم صوت قرآنت بسی لیک

نشنیده بودم من زِ نی، کآنهم شنیدم

داغ دل من کمتر از زخم تنت نیست

این را گواهی می دهد موی سپیدم

عبدالعلی نگارنده

بنازم آنکه دایم گفتگوی کربلا دارد

دلی چون جابر اندر جستجوی کربلا دارد

دلش چون کربلا کوی حسین است و نمی داند

که همچون دوردستان آرزوی کربلا دارد

به یاد کاروان اربعینی با گریه می گوید

به هرجا هست زینب رو به سوی کربلا دارد

اگرچه برده از این سر زمین آخر دلی پرخون

ولی دلبستگی از جان به کوی کربلا دارد

به یاد آن لب تشنه هنوز این عاشق خسته

به کف جامی لبالب از سبوی کربلا دارد

اگر دست قضا مانع شد از رفتن به پابوسش

همی بوسیم خاکی را که بوی کربلا دارد...

نصرالله مردانی

آنچه در سوگ تو ای پاک تر از پاک گذشت

نتوان گفت که هر لحظه، چه غمناک گذشت

چشم تاریخ در آن حادثه تلخ چه دید

که زمان مویه کنان از گذر خاک گذشت

سر خوشید بر آن نیزه خونین می گفت

که چه ها بر سر آن پیکر صد چاک گذشت

جلوه روح خدا در افق خون تو دید

آنکه با پای دل از قبله ادراک گذشت

مرگ هرگز به حریم حرمت راه نیافت

هر کجا دید نشانی ز تو چالاک گذشت

حرّ آزاده شد از چشمه مهرت سیراب

که به میدان عطش پاک شد و پاک گذشت

آب شرمنده ایثار علم دار تو شد

که چرا تشنه از او این همه بی باک گذشت

بر تو بستند اگر آب، سواران عرب

دشت دریا شد و آب از سر افلاک گذشت

با حدیثی که ملائک ز ازل آوردند

سخن از قصه عشق تو زلولاک گذشت

محمدعلی مجاهدی

آنچه از من خواستی با کاروان آورده ام

یک گلستان گل به رسم ارمغان آورده ام

از در و دیوار عالم فتنه می بارید و من

بی پناهان را بدین دارالامان آورده ام

اندرین ره از جرس هم بانگ یاری برنخاست

کاروان را تا بدین جا با فغان آورده ام

تا نگویی زین سفر با دست خالی آمدم

ص: ۸۵

یک جهان درد و غم و سوز نهان آورده ام

قصه ویرانه شام ار نپرسی خوش تر است

چون از آن گلزار، پیغام خزان آورده ام

دیده بودم تشنگی از دل قرارت برده بود

از برایت دامنی اشک روان آورده ام

تا به دشت نینوا بهرت عزاداری کنم

یک نیستان ناله و آه و فغان آورده ام

تا نثارت سازم و گردم بلا گردان تو

در کف خود از برایت نقد جان آورده ام

تا دل مهرآفرینت را نرنجانم ز درد

گوشه ای از درددل را بر زبان آورده ام

محمدجواد غفورزاده (شفق)

ما را که غیر داغ غمت برجبین نبود

نگذشت لحظه ای که دل ما غمین نبود

هرچند آسمان به صبوری چو ما ندید

ما را غمی نبود که اندر کمین نبود

راهی اگر نداشت به آزادی و امید

رنج اسارت، این همه شورآفرین نبود

ای آفتاب محمل زینب کسی چو من

از خرمن زیارت تو خوشه چین نبود

تقدیر با سر تو مرا هم سفر نبود

در این سفر، مقدّر من غیر ازین نبود

گر از نگاه گرم تو آتش نمی گرفت

در شام و کوفه، خطبه من آتشین نبود

در حیرتم که بی تو چرا زنده ام

عهدی که با تو بستم از اول، چنین نبود

ده روزه فراق تو عمری به ما گذشت

یک عمر بود هجر تو، یک اربعین نبود

ص: ۸۶

(مشفق کاشانی)

ساربانا ز اشتران بگشای بار

لحظه ای ما را به حال خود گذار

اینکه بینی سرزمین کربلاست

خاک او آغشته با خون خداست

در حریم قدسی صحرای دوست

بشنو این گلبانگ، این آوای اوست

نینوا، در نینوای راستین

مویه ها دارد ز نای اربعین

ناله آتش بال در پرواز بین

همطراز آه گردون تا زمین

اشک می ریزد ز چشم کائنات

در عزای تشنه کامان فرات

آن بلا جویان که تا بزم حضور

راه پیمودند با سامان نور

رایت توحید از اینان پایدار

ماند و می ماند به دور روزگار

گر فرات اینجا چو دریا خون گریست

نی عجب، خورشید برهامون گریست

حبیب اللّه چایچیان (حسان)

بار بگشایید اینجا کربلاست

آب و خاکش با دل و جان آشناست

بر مشام جان رسد بوی بهشت

به به از این تربت مینوسرشت

ماه اینجا واله و سرگشته است

و آن شهاب ثاقب از خود رفته است

اربعین است اربعین کربلاست هر طرف

غوغایی از غم ها به پاست

گویی از آن خیمه های نیم سوز

خود صدای العطش آید هنوز

هرکجا، نقشی ز داغ ماتم است

هر چه ریزد اشک در اینجا کم است

باشد از حسرت در اینجا یادها

هان به گوش دل شنو فریادها ...

بهمن صالحی

باز در جان جهان یکسره غوغاست حسین

این چه شوری ست که از یاد تو برپاست حسین

این چه رازی ست که صد شعله فرو مرد و هنوز

روشن از داغ تو ظلمت کده ماست حسین

تا قیامت نرود نقش تو از لوح ضمیر

حیرتم کشت، بگو این چه معماست حسین

گرچه شد جوهر عشق از قلم عاطفه پاک

رقم مِهر تو بر صفحه دل هاست حسین

دامن از شوق تمنّای تو، گلزار صفا

سینه از آتش سودای تو سیناست حسین

راهیان حرم قدس تو با شهپر عشق

همه رفتند و جهان محو تماشاست حسین

گرنه خون تو ثمر داد به میدان بلا

این همه شور شهادت به چه معناست حسین

تا به محراب محبت تو امامی، پیداست

خاک هر وادی گلرنگ، مصلاست حسین

غرق در موج مکافات کن اقلیم ضلال

قطره در قطره خونت همه دریاست حسین

رضا اسماعیلی

آیینه شدی تا که خدا در تو درخشید

خورشیدترین حادثه ها در تو درخشید

بر دوست همان روز که با حنجره خون

گفتی تو «بلی» کرب وبلا در تو درخشید

ص: ۸۸

شد کرب وبلا کعبه تو، حج تو مقبول

گفتی تو چو لبیک، بلا در تو درخشید

ای معجزه سرخ به ایثار تو سوگند

تو خون خدایی، که خدا در تو درخشید

حجت الاسلام نیّر تبریزی

چون تیر عشق جا به کمان بلا کند

اول نشست، بر دلِ اهل ولا کند

در حیرتند خیره سران از چه عشق دوست

احباب را به بند بلا مبتلا کند

بیگانه را تحمل بار نیاز نیست

معشوق، ناز خود همه بر آشنا کند

تن پرور از کجا و تمنّای وصل دوست

دردی ندارد او که طبیبش دوا کند

آن را که نیست شور حسینی به سر ز عشق

با دوست کی معامله کربلا کند

یک باره پشت پا به سرِ ما سوا زند

تا ز آن میان از این همه خود را سوا کند

آری کسی که کشته او این بود سزاست

خود را اگر به کشته خود خون بها کند

باللّه اگر نبود خدا خون بهای او

عالم نبود در خورِ نعلین پای او

سیدرضا موید

ای برافروخته از عشق رخت اختر ما

خاطراتی است ز دریای غمت دفتر ما

از سرت بر سر نی سرّ خدا سر می زد

ای حسین ای اثر بندگی ات بر سر ما

آتشی بر دل هر خشک و تر انداخته است

ص: ۸۹

ماجرای لب خشک تو و چشم تر ما

ز شهیدان به خون خفته کویت ما راست

خاطراتی که نخواهد رود از خاطر ما

کاش می سوختم از سوز غمت تا شاید

ببرد باد به صحرای تو خاکستر ما

به سراپای تو ای مظهر ایثار قسم

که غمت شعله فکنده است ز پا تا سر ما

دیگران را غم محشر بود و ما را نیست

چون که آغاز به نام تو شود محشر ما

سر پرواز به کویت همه داریم ولی بسته اند

ای پسر فاطمه بال و پر ما

محمد شریف صادقی

باز دلم خون شد و چشمم گریست

آنکه درین روز چون من نیست کیست؟

باز دگر باره رسید اربعین

جوش زند خون حسین از زمین

غرق تلاطم شده بحر محیط

یک سره درد است بساط بَسیط

شد چهلم روز عزای حسین

جان جهان باد فدای حسین

محمدعلی مجاهدی

خار غم نیست که در کرب وبلا می روید

گل درد است که از دشت وفا می روید

می خلد خار مِحَن پای دلم را که هنوز

گل اندوه ز باغ دل ما می روید

یادگار غم هفتادودو تن لاله رخ است

این همه لاله که در کرب وبلا می روید

ص: ۹۰

لاله را با گل افسرده سر و کاری نیست

این گل از تربت ارباب صفا می روید

تا چه حد در دل تو عشق خدا بود حسین

که ز خاک تو گل عشق خدا می روید

شوق جانبازی اگر در دل تو راه نداشت

پس ز خاک تو گل شوق چرا می روید

نی در آن بادیه از آن به نوا سرگرم است

که به جای گل از این دشت بلا می روید

با ولای علی و آل چو «پروانه» بسوز

که ز خاک من و تو مهرِ گیا می روید

حسین ایمانی

زینب رسیده از سفر برخیز ارباب

با کاروانی خون جگر، برخیز ارباب

برگشته ام از شام و کوفه، قد خمیده

آورده ام صدها خبر، برخیز ارباب

شد مقتدای کوفی و شامی سقیفه

می سوخت خیمه مثل در، برخیز ارباب

ای کاش تو هم در رکوع بخشیده بودی

انگشترت شد درد سر، برخیز ارباب

شد روزگارم تیره، وقتی کنج ویران

میهمان ما شد تشت زر، برخیز ارباب

یک جمله از غم های زینب، بشنو کافیست

با شمر بودم هم سفر، برخیز ارباب

از دختر دردانه ات چیزی نپرسی!!

جا مانده در وادی شر، برخیز ارباب

در آرزوی دیدن موعود دارم

چشمی به راه منتظر، برخیز ارباب

ص: ۹۱

غلامرضا سازگار

من جابر پیر توأم، ای دوست نگاهی

جز تربت پاک تو، مرا نیست پناهی

آرند همه بر شهدا، لاله و من هم

باشد، گلم از سوز جگر، شعله آهی

گوش که شنیده است، که با نیزه و خنجر

بر یک تن مجروح کند، حمله سپاهی

لب تشنه، سر از پیکر پاک تو، بریدند

آخر به چه جرمی چه خطایی چه گناهی؟

دریا به لبت سوخت و این قوم ستمکار

بر حنجر خشک تو نکردند نگاهی

با داغ تو، لبخند، حرام است به شیعه

بی گریه به پایان نرسد، سالی و ماهی

آن کس که زد آتش به حریم تو بسوزد

در آتش دوزخ، ابد الدهر، الهی

خون ریخته از گوش زنی بر روی شانه

جان داده ز کف، دخترکی بر سر راهی

و الله نسوزند خلایق به جهنم

سوزند اگر در غم تو گاه به گاهی

«میثم» همه جا، گفته من از آن شمایم

بسته است خودش را به شما نامه سیاهی

یوسف رحیمی

دارد به دل صلابت کوه شکیب را

از لحظه ای که بوسه زده زخم سیب را با

اقتدار فاطمی خود رقم زده

در کربلا حماسه أمن یجیب را

با کاروان نیزه چهل منزل آمده

این راه پر فراز بدون نشیب را

کوبید صبح قافله بر طبل روزگار

ص: ۹۲

رسوایی اهالی شام فریب را

با خطبه های ناله و اشکش غروب ها

تفسیر کرد غربت شیب الخضیب را

شد لاله پوش معجرش از حسرت فراق

تا دید روی نیزه نگاه طبیب را

جانش رسید بر لبش از دست خیزران

طاقت نداشت طعنه تلخ رقیب را

می ریخت عطر سیب نفس های خسته اش

در جان باغ وعده صبحی قریب را

جواد حیدری

من که مأموریت خود را به سر آورده ام

خاطراتی تلخ از داغ سحر آورده ام

گوئیا یک عمر بود این اربعینی که گذشت

از شب مرگ یتیم تو خبر آورده ام

گوشوار دخترت را پس گرفتم از عدو

ارث دختر را سر قبر پدر آورده ام

دست و پایی زخم دیده، قامتی اندر رکوع

بهترین سوغات را من از سفر آورده ام

سجده شکری نمودم بهر دیدار سرت

یادگار از سجده خود زخم سر آورده ام

از کبوتر بچه هایی که کنارم بوده اند

یا اخا بنگر فقط یک مشت پر آورده ام

اولین بار است، قبرت را زیارت می کنم

قبر زهرا مادرم را در نظر آورده ام

علیرضا لک

دردها می چکد از حال و هوای سفرش

گرد غم ریخته بر چادر مشکی سرش

تک و تنها و دو تا چشم کبود و چند تا...

ص: ۹۳

کودک بی پدر افتاده فقط دور و برش

ظاهراً خم شده از شدت ماتم اما

هیچ کس باز نفهمیده چه آمد به سرش

روزها از گذر کوچه آتش رفته

اثر سوختگی مانده سر بال و پرش

همه بغض چهل روزه او خالی شد

همه کرب وبلا گریه شد از چشم ترش

علیرضا لک

خواهر نگو، خاکستر خواهر می آید

با کوهی از غم، خسته و بی پر می آید

ای شاهد بر نیزه دربدری هام

چشم تو روشن، صاحب معجر می آید

امروز یعنی با صدای «یا حسینم»

ته مانده جانم کنارت درمی آید

ای بی کفن! ای بی سر و سامانی من

برخیز زینب را ببین با سر می آید

با دستباف مادر و گهواره و مشک

همراه من یک حلقه انگشتر می آید

یادت می آید با چه شکلی رفتم، اکنون

انگار اصلا یک کس دیگر می آید

از شهر بی شرم نگاه خیره سرها

سقا کجایی؟ دختر حیدر می آید

محمد بیابانی

ای هم سفر قرار تو باور نکردنی است!

من، اربعین، کنار تو، باور نکردنی است!

با نیمه جان مانده خودم را رسانده ام

اینجا، سر مزار تو، باور نکردنی است!

ص: ۹۴

بر روی سرخ هم سفرانت نگاه کن

این باغ لاله دار تو باور نکردنی است!

در زیر تازیانه به سر شد اسارتم

تا آمدم دیار تو باور نکردنی است!

من را ببین و مادر خود را نظاره کن

قدِّ کمان یار تو باور نکردنی است!

با آنکه دشمنت همه جا کرد غارتم

من قهرمان عرصه رزم اسارتم

***

آنان به قلب خون شده جز غم نداشتند

چیزی برای خواهر تو کم نداشتند

میهمان شام بودم و بر میزبانیم

یک لحظه چشم خویش روی هم نداشتند

جز سنگ و تازیانه و سیلی و کعب نی

بر زخم های وا شده مرهم نداشتند

وقتی که آستین شده معجر برای من

یعنی که هیچ چیز برایم نداشتند

دیگر چه وقت حرف عبا و عمامه است

وقتی به دست های تو خاتم نداشتند

دیدی چطور که آل پیمبر عزیز شد

در مجلسی که دخترک تو کنیز شد

آیت الله صافی گلپایگانی

اربعین است و دل از سوگ شهیدان خون است

هر که را می نگرم غمزده و محزون است

زینب از شام بلا آمده یا آنکه رباب

کز غم اصغر بی شیر، دلش پرخون است

یا که لیلی به سر قبر پسر آمده است

کاشکش از دیده روان همچو شط جیحون است

مادر قاسم ناکام که می نالد زار

ص: ۹۵

بهر آن طلعت زیبا و قد موزون است

در ره کوفه و در شام و سرا ظلم یزید

کس نپرسید ز سجّاد که حالت چون است

دختر شیر خدا ناطقه آل رسول

کز نهیب سخنش کفر و ستم موهون است

کرد ایراد چنان خطبه و ثابت بنمود

که یزید شقی از دین خدا بیرون است

زنده دین مانده ز تصمیم و ز ایثار حسین

حق و حرّیت و اسلام به او مدیون است

هان بیایید و ببینید که در راه خدا

صحنه رزم ز خون شهدا گلگون است

آه و افسوس که کشتند لب تشنه امام

زخم بر پیکر پاکش ز عدد افزون است

قصه کرب وبلا قصه صبر است و قیام

به فداکاری و جانبازی و دین مشحون است

تا ابد نام حسین بن علی در تاریخ

با ثبات قدم و نصرت حق، مقرون است

جاودان عزت حزب الله و انصار خداست

خیمه باطل و احزاب دگر وارون است

هر که در حصن ولایت رود از روی خلوص

ز آتش دوزخ و آن هول و خطر، مأمون است

«لطفی» از عاقبت کار مکن قطع امید

که به الطاف حسین بن علی میمون است

مجید تال

با دست بسته هست ولی دست بسته نیست

گرچه سرش شکسته ولی سرشکسته نیست

هرچند سربه زیر... ولی سرفراز بود

زینب قیام کرده چون از پا نشسته نیست

رنج سفر، خطر، غم بازار،چشم شوم

ص: ۹۶

داغ سه ساله دیده ولی باز خسته نیست

حتی اگر به صورت او سنگ می خورد

هیهات بند معجرش از هم گسسته نیست

چشم او در اثر حادثه کم سو شده است

کمرش خم شده و دست به زانو شده است

بیت بیت دل او از هم پاشیده شده

صورتش در اثر لطمه خراشیده شده

گفت برخیز که من زینب مجروح توام

چند روزیست که محو لب مجروح توام

این چهل روز به من مثل چهل سال گذشت

پیر شد زینب تو تا که ز گودال گذشت

این رباب است که این گونه دلش ویران است

در پی قبر علی اصغر خود حیران است

گرچه من در اثر حادثه کم می بینم

ولی انگار در این دشت علم می بینم

دارد انگار علم دار تو برمی گردد

مشک بر دوش ببین یار تو برمی گردد

خوب می شد اگر او چند قدم می آمد

خوب می شد اگر او تا به حرم می آمد

تا علی اصغر تو تشنه نمی مرد حسین

تا رقیه کمی افسوس نمی خورد حسین

راستی دختر تو... دختر تو... شرمنده

زجر... سیلی... رخ نیلی... سر تو شرمنده

وای از دختر و از یوسف بازار شدن

وای از مردم نااهل و خریدار شدن

سنگ هایی که پریده است به سوی سر تو

چه بلایی که نیاورده سر خواهر تو

سرخی چشم خبر می دهد از دل خونی

وای از آن لحظه که شد چوبه محمل خونی

ص: ۹۷

رضا جعفری

برگشتم از رسالت انجام داده ام

زخمی ترین پیمبر غمگین جاده ام

ناباورانه از سفرم، خیل خارها

تبریک گفته اند به پای پیاده ام

زیر چراغ ماه سرت خواب رفته ام

بر شانه کجاوه تو سر نهاده ام

دل می زنم به آب و آتش برای تو

از خیمه ها بپرس که پروانه زاده ام

چون ابر آب می شوم از آفتاب شام

تا ذره ای خلل نرسد بر اراده ام

یا نیست باورم که در این خاک خفته ای

یا بر مزار باور خود ایستاده ام

سید سعید پورهاشمی

آمد ولی صد غصه در دل داشت زینب

یک کربلا آلاله در گِل داشت زینب

صد زخم کهنه بر جگر از داغ گل ها

زخمی به سر از چوب محمل داشت زینب

هجده ستاره همره این کاروان بود

بر نیزه اما ماه کامل داشت زینب

در هجمه امواج سختی و بلاها

مانند کوه از صبرِ ساحل داشت زینب

دردانه ای از کاروان در شام جا ماند

در گفتن این حرف مشکل داشت زینب

«شد خاطرات روز عاشورا مجسم»

یک کربلا غم در مقابل داشت زینب

در راه دلبر هستی خود را فدا کرد

آری فقط یک جان قابل داشت زینب

ص: ۹۸

مطهره عباسیان

از کوفه تا شمشیر عزراییل هایش

از کربلا تا شام با تفصیل هایش...

بعد از چهل روز از مسیر تلخ دیروز

امروز آمد دیدن فامیل هایش

خود را به روی قبرهای خاکی انداخت

بانوی مکه با همان تجلیل هایش

حال عجیبی داشت وقتی باز می گشت

بغض غریبی داشت در ترتیل هایش

با او چهل روز و چهل شب هم سفر بود

کابوس هایی تلخ با تأویل هایش

آخر پذیرفت آن چه را باور نمی کرد

دل کند این جا زینب از هابیل هایش...

زن مانده بود و یک بیابان بی پناهی

زن مانده بود و داغ اسماعیل هایش

مصطفی متولی

از جان خود اگر چه گذشتم به راحتی

دل کنده ام ولی ز تنت با چه زحمتی

می خواستم به پات سرم را فدا کنم

اما به خواهر تو ندادند مهلتی

کی گفته قطعه قطعه شدن دردآور است؟

مُردن به عشق تو که ندارد مشقتی

بهتر نبود جای تو من کشته می شدم؟

بی تو چگونه صبر کنم.... با چه طاقتی؟

از بس برای زخم لبت گریه کرده ایم

چشمی ندیده ام که ندیده جراحتی

تو رفتی و غرور حریمت شکسته شد

هنگام غارت حرم، آن هم چه غارتی

آتش زدند خیمه ما را و بعد از آن

ص: ۹۹

دزدیده شد تمامی اشیاء قیمتی

این بچه ها تمامی شان لطمه خورده اند

با من ولی به شکوه نکردند صحبتی

غصه نخور حقیر نشد خواهرت حسین

از فتح شام آمده ام با چه هیبتی

شرمنده ام رقیه تو در خرابه ماند

لطفی کن و سراغ نگیر از امانتی

عباس اگر نبود اسارت چه سخت بود

ممنونم از حمایت آن چشم غیرتی

سیدحمیدرضا برقعی

نسیمی آشنا از سوی گیسوی تو می آید

نفس هایم گواهی می دهد بوی تو می آید

شکوه تو زمین را با قیامت آشنا کرد

و رقص باد با گیسوی تو محشر به پا کرد

زمین را غرق در خون خدا کردی خبر داری؟

تو اسرار خدا را بر ملا کردی خبر داری؟

جهان را زیر و رو کرده است گیسوی پریشانت

از این عالم چه می خواهی همه عالم به قربانت

مرا از فیض رستاخیز چشمانت نکن محروم

جهان را جان بده، پلکی بزن، یا حی یا قیوم

خبر دارم که سر از دیر نصرانی در آوردی

و عیسی را به آیین مسلمانی در آوردی

خبر دارم چه راهی را بر اوج نیزه طی کردی

از آن وقتی که اسب شوق را مردانه هی کردی

تو می رفتی و می دیدم که چشمم تیره شد کم کم

به صحرایی سراسر از تو خالی خیره شد کم کم

تو را تا لحظه آخر نگاه من صدا می زد

چراغی شعله شعله زیر باران دست و پا می زد

حدود ساعت سه جان من می رفت آهسته

ص: ۱۰۰

برای غرق در دریا شدن می رفت آهسته

بخوان آهسته از این جا به بعد ماجرا با من

خیالت جمع ای دریای غیرت خیمه ها با من

تمام راه بر پا داشتم بزم عزا در خود

ولی از پا نیفتادم، شکستم بی صدا در خود

شکستم بی صدا در خود که باید بی تو برگردم

قدم خم شد ولیکن خم به ابرویم نیاوردم...

نسیمی آشنا از سوی گیسوی تو می آید

نفس هایم گواهی می دهد بوی تو می آید

میثم داودی

ای شوق پابرهنه که نامت مسافر است

این تاول است در کف پا یا جواهر است

راهی شدی به سمت رسیدن به اصل خویش

دور از نگاه شهر که فکر ظواهر است

دل های شست وشو شده و پاک بی شمار

چشمی که تر نگشته در این جاده نادر است

سیر است گرچه چشم و دلت از کرامتش

در این مسیر سفره افطار حاضر است

وقتی که در نگاه تو مقصد حرم شود

پاگیر جاده می شود آن دل که عابر است

با آب وتاب سینه زنان گرم قل قل است

کتری آب جوش که در اصل شاعر است

فنجان لب طلا پر و خالی که می شود

هر بار گفته ام نکند چای آخر است

حامد حجتی

اگرچه شعر برایت به سینه ام دارم

برای تا تو رسیدن چقدر کم دارم

تو از وجود پُری... بی نهایتی... محضی

ص: ۱۰۱

منی که آمده ام رنگی از عدم دارم

من از حوالی آن کوچه های بارانی است

که در هوای شما باد در سرم دارم

گدا شدم به در خانه تو آمده ام

چقدر خوب که ارباب با کرم دارم

نفس به سینه ام افتاده باز دلتنگم

چقدر حسرت یک لحظه بازدم دارم

«رواق منظر چشم من آشیانه توست»

عجیب نیست که ایمان به پا قدم دارم

دو دسته اشک گرفته است هیاتی در من

میان شور غزلخوانی ام دو دم دارم

امیر قافله عشق گفته است که من

درون سینه عشاق هم حرم دارم

محمود ژولیده

کربلای عمر هرکس بی گمان خواهد رسید

روز عاشورای ما هم یک زمان خواهد رسید

عاقبت باید حسینی رفت از دارِ جهان

ورنه در بستر بِسَر عمرِ گران خواهد رسید

دست و پنجه نرم کردن با شهادت ساده نیست

هرکسی کرب وبلایی شد، به آن خواهد رسید

نوکرِ ارباب پیوسته دلش باشد جوان

پیر هم گردد به آقایش جوان خواهد رسید

غم مخور، پای پیاده، کربلا، روزی نشد

عاقبت یک روز، جا مانده، دَوان خواهد رسید

دستِ بی مهری نباید داد با ارباب، چون

دستِ پر مِهرش به دست دوستان خواهد رسید

آزمایش های تو در تو، به دل صیقل دهد

وانگهی، روزی، جواب امتحان خواهد رسید

اشک عاشق، تازه روز اربعین گل می کند

ص: ۱۰۲

آشنا باشیم، زنگ کاروان خواهد رسید

ناله زینب کند کاری که بر «هل من معین»

پاسخ لبیک از کلِّ جهان خواهد رسید

گر بماند نزد حق یک روز از عمر جهان

طالب خون خدا، صاحب زمان خواهد رسید

ص: ۱۰۳



متن برنامه ای

قدمگاه(۱)

برنامه اول / رنگ الهی

مثل خورشید که بر دروازه های شهر

رنگ طلوع را جاودانه می کند

نام تو عشق را زنده می کند / یا حسین

بسم الله الرحمن الرحیم / به نام خداوند کریم / سلام...

***

ما اینجا بر شانه های جاده ای ایستاده ایم که به قله ابدیت ختم می شود.

اینجا قدمگاه عشاق است.

همان جایی که هزاروچهارصد سال پیش سکوی پرواز هفتادودو کبوتر به سمت آسمان خدا بوده است.

اینجا قدمگاه مقدسی است که باید با وضو وارد شویم

باید چشم هایمان را برای دیدن زیبایی های آن از هرچه رنگ و ریا پاک کنیم.

اینجا قدمگاه پاک مردان و زنانی است که آمده اند مشق انتظار کنند

مشق انتظار را باید در پیاده روی اربعین بازخوانی کرد

اینجا همه منتظرند

تا خون خواه حسین بر دیوار کعبه تکیه زند / و فریاد رستگاری جهان را در گوش بادها بخواند.

***

بی مقدمه باید از اربعین گفت

اربعین برای این روزهای ما حکایت نابی است از دلدادگی و شیدایی شیعیان و محبان حسین علیه السلام .

ص: ۱۰۴

۱- ۱. نمونه متن رادیویی اربعین؛ نویسنده حامد حجتی.

برجستگی اربعین در همراهی و هم خوانی ویژگی های گوناگون انسان هاست.

در این مسیر هم معنویت و روح خدایی در چشم ها موج می زند هم ویژگی های انسانی.

هم توان جسمی انسان بالا می رود / هم روح تعالی می گیرد.

این هم آوردی روح و جسم در پیاده روی اربعین یعنی شیعه باید خودش را از همه جهات برجسته سازد.

تنها توان معنوی برای پیمودن راه رسیدن به کمال کافی نیست.

در ره منزل لیلی باید توان راه رفتن باشد تا به اول قدم عاشقی دست پیدا کنی.

اما آنچه امروز می خواهم از اربعین حسین علیه السلام و همایش عظیم پیاده روی برایتان بگویم:

واقعیت این است که در دنیای امروز ما، هر وقت انسان ها به ملکوت نزدیک تر شدند، توانستند گام های بلندی در جهت ارتقا و پیشرفت بردارند.

یعنی هرچقدر روح خداباوری و توحیدنگری در اندیشه ها و ریشه ها دمیده شده، حرکت ها تاثیرگذارتر و جدی تر و عمیق تر بوده اند.

اگر بخواهیم به تاریخ نگاهی گذرا داشته باشیم درمی یابیم که حماسه عاشورا در محضر خدا باوری یاران حسین علیه اسلام رنگ و بوی دیگری یافته است.

سپاه نور در کربلا اگر رفتار و گفتارش رنگ خدایی نداشته باشد که نمی تواند بر تاریکی غلبه کند.

آن هم تاریکی سپاهی که سیطره عظیمی بر روزگار خود داشته و تمام ابزارها و سلاح ها و نیروها را در خدمت گرفته است.

حسین علیه السلام در پرتو خداباوری است که توانسته حماسه عاشورا را رقم بزند و به همین دلیل است که در اوج تنهایی ها، خود را تسلیم خدا و امر خدا می داند.

پس رنگ خدایی کربلا شاید مهم ترین دلیل بقای قیام حسین علیه السلام باشد.

***

حالابه این فکر کنیم که ما برای امروزمان چه کاری انجام بدهیم؟

اصلاً مگر ما مدعی انتظار برای ظهور حضرت ولی عصر که امام زمان ماست، نیستیم. چه باید بکنیم؟

بدون تردید باید رنگ خدایی به زندگی هایمان بدهیم.

ص: ۱۰۵

زندگی موحدانه باید اولویت ما باشد.

اگر می خواهیم به جایگاه یاران حسین علیه السلام برسیم باید موحدانه زندگی کنیم.

و اربعین این رنگ خدایی را به ما گوشزد می کند.

این جا در مسیر پیاده روی اربعین سیدالشهدا همه چیز رنگ خدایی دارد.

هم این جماعت عاشقی که از میهمانان پذیرایی می کنند، رنگ خدایی بودن بر رفتارهایشان نواخته اند و هم زائرانی که آمدند تا اربعین را درک کنند.

نقطه اشتراک این آدم ها خداباوری و خدا محوری آنهاست.

یعنی هر دو گروه زائر و میزبان برای رضای خدا گام در این مسیر گذاشته اند و این رمز بقای این حرکت است. رمز درخشش این جریان در عالم.

***

نکته آخر این که منتظران ظهور باید قبل از هر آمادگی، خداباور باشند.

ظهور حضرت وقتی اتفاق می افتد که انسان ها خدا را محور کارها بدانند و در مقابل طاغوت ها طغیان کنند. یادمان باشد طاغوت های این دوران در شکل های مختلف خودنمایی می کند.

اربعین مشق انتظار است.

انتظار یعنی خداباوری/ انتظار یعنی زندگی موحدانه.

اربعین به ما یاد می دهد که خدا محور همه کارهاست.

برنامه دوم / صلح واقعی

چراغ چشم مرا به سمت پنجره ای روشن کن

که عشق در ابتدای آن ایستاده باشد

و بیرقی ها در گوش بادها /

حکایت دلدادگی را روایت کنند

مرا به پنجره هایی بسپار که عطر پیراهن تو را در باد می فهند/

بسم الله الرحمن الرحیم/ به نام خداوند کریم / سلام...

***

ایستادن روی خط استوا آرزویی که هر انسانی می تواند به آن فکر کند.

ص: ۱۰۶

من فکر می کنم این روزها تمام این مردمی که روی جاده ۸۵ کیلومتری نجف و کربلا ایستاده اند روی خط استوای عاشقی قدم می زنند.

یعنی این جا قدمگاه آدم های عاشقی است که روی خط استوا ایستاده اند.

آنچه در این شیدایی قابل ملاحظه است این آرامش دلنشینی که در چهره تمام آدم هاست.

دنیای اطراف ما این روزها پر از جنگ و اتفاقات ناگوار است.

اما این جا آنقدر آرامش هست که اصلا نمی توانی فکر کنی که در چند کیلومتری همین سرزمین، جنگ با نیروی شیطان، در جریان است.

ما خیلی وقت ها فکر می کنیم که تفکر شیعه قرار است تکلیف جهان را در یک جنگ جهانی روشن کند

یعنی امام عصر] تشریف بیاورند و دنیا را با شمشیر به سمت صلاح و اصلاح برسانند.

اما سیره اهل بیت: سیره تن دادن به جنگ نیست.

سیره مبارزه با ظلم است.

سیره دعوت به صلاح و اصلاح.

اگر تعداد سخنرانی های امام حسین علیه السلام در منازل مختلف مسیر رسیدن به کربلا را بررسی کنیم، درمی یابیم که حضرت سیدالشهدا چقدر دغدغه اصلاح امت را داشتند.

چقدر همه را به خوبی دعوت کردند. چقدر فریاد زدند که انسان ها را راهنمایی کنند.

اصلاً برای جنگ نرفته بودند.

برای راهنمایی انسان ها رفته بودند.

زن و بچه و کوچک و بزرگ در کاروان مردان جنگی جایی ندارند.

پس امام حسین علیه السلام برای جنگ به کربلا نرفته بودند.

برای آرامش بخشیدن به زندگی ها رنج سفر را تحمل کردند.

اما کوفیان یا به عبارتی اصحاب طاغوت جز با جنگ و خون ریزی نمی توانستند حرف خودشان را در تاریخ بنگارند.

امام برای آرامش و صلح به کوفه رفته بودند، تا مردم آن سامان را در پناه امامت خویش، رستگار کنند؛ اما فرزندان طاغوت نمی خواستند.

***

ص: ۱۰۷

صلح و آرامش نه تنها در کلام و بیان مولای ما حضرت حسین علیه السلام جاری بوده است، بلکه همین امروز هم می تواند برای ما درس آموز باشد.

تفکر شیعه که برگرفته از اندیشه معصومان: است برای آرامش و اطمینان انسان ها آمده است. چهارده معصوم پاک آمده اند تا ما در سایه سار امن آنها راه رسیدن به ملکوت را بپیماییم.

اما همیشه طاغوت ها می خواهند صورت مساله را پاک کنند.

عصر ظهور چقدر شبیه همین اربعین خواهد بود.

عصر ظهور در واقع گاهِ حضور حضرت مهدی موعود است که به انسان ها آرامش می دهد.

آرامشی دلپذیر مثل همین لحظاتی که در اربعین دیده می شود.

به چهره ها نگاه کن! چقدر آرام و دلنواز این راه پیاده را می پیمایند.

چقدر مهربان اند.

مگر سختی راه توانشان را کم نکرده است؟

مگر گام هایشان خسته نیست؟

این راه پیاده به سادگی طی می شود؟

که این همه مشتاق درکمال آرامش مسیر را به سمت کربلا می پیمایند.

***

مسیر به سمت ظهور اگرچه سختی های خودش را دارد اما آرامشی که در این چهره ها می بینی حکایت همان آرامش نابی است که در عصر موعود تجربه خواهیم کرد. انشاءالله

اربعین پژواک دل های عاشقی است که آرزو دارند کربلا را به عصر ظهور مرد چهاردهم گره بزنند.

آرامش ظهور در پس پرده حضور، انتظار کسانی را می کشد که دلشان در تپش حسینی جاودان است.

برنامه سوم / جهان آگاهی

مرا به جریان رودها

به استواری کوه ها

به صلابت آسمان بسپار

ص: ۱۰۸

تا در نفس بادها

آتش را در چشم هایش خلاصه کنم و پیمان های خونرنگ از تپش های قلبم را به ملکوت بسپارم.

بسم الله الرحمن الرحیم به نام خداوند کریم / سلام...

***

فریاد هل من ناصر حسین علیه السلام که بر دشت تفتیده کربلا طنین انداز شد

پژواک دردهایی بود که تا همیشه تاریخ زمین را فراگرفته است.

آن فریاد همچنان در بادها می پیچد و هر روز از کنار پنجره ذهن ما عبور می کند.

حسین علیه السلام وقتی بر بلندای داغ کربلا دست هایش را به سوی کوفیان بلند می کرد و آنها را به صلاح می خواند در حقیقت تمام دنیای بعد از خودش را به رستگاری می خواند.

این دست ها در کربلا جز معدود یاران حسین علیه السلام دیگران را در آغوش نگرفت و تا امروز چند نفردر سایه سار این دست ها آرامش گرفته اند؟

اینجا روی جاده ۸۵ کیلومتری نجف تا کربلا ـ حضور آدم هایی را احساس می کنی که در آغوش حسین علیه السلام گرم گرفته اند.

بر گونه های خاک آلود و چهره های خسته در این مسیر نه تنها یاس و ناامیدی نمی توانی بیابی، که بهجتی نورانی در این خستگی ها و رنج ها خودش را به چشم های زائران رسانده و تو در نگاه اول می فهمی که این چشم ها چقدر حرارت دلپذیری دارند.

***

حسین علیه السلام همان روز دهم برای نجات انسان در ابتدای تاریخ ایستاد و فریاد هل من ناصر سر داد.

کوفیان که نفرین شدگان حنجره علی علیه السلام بودند جواب مهربانی اش را با شمشیرهای آخته دادند.

اما صدای حسین علیه السلام تا ابدیت در فضا پیچیده است.

حنجره حسین علیه السلام وقتی در صدای یارانش ضرب می شود گویی تو را به فریاد در مقابل طاغوت ها می خواند.

کربلا تنها یک روز تلخ بر تارک تاریخ نیست.

کربلا ابدیتی است که افق های نورانی انسانیت را پیش روی فرزندان آدم می گشاید.

ص: ۱۰۹

فرق نمی کند در محرم ۶۱ هجری در سپاه حسین علیه السلام باشی یا امروز، باید حنجره ات دنیا را تصاحب کند و انسان ها را به فطرت خویش باز گرداند.

عونِ سیاه پوست باشی یا حبیبِ سپیدموی فرقی ندارد، در مکتب حسین علیه السلام همه انسان ها حنجره های حق طلبی هستند که می خواهند انسان را رستگار کنند و رستگاری انسان یعنی ایستادن بر قله شرافت و تن ندادن به لذتی که هر روز رنگ عوض می کند.

یاران حسین علیه السلام هر روز در مواجهه با کوفیان باید سینه سپر کنند، تا تیغ ها و نیزه ها به سمت امام هجوم نیاورد.

حلاوت احلی من العسل از سال ۶۱ هجری شهد شیرینی است که تا امروز... که تا فردا در کام محبان حسین علیه السلام ریخته می شود.

***

اربعین به ما می فهماند که حسین علیه السلام هنوز بر ستیغ تاریخ ایستاده است و فریاد هل من ناصر سر می دهد.

و این جماعت شیدا که پیاده از بارگاه مولا تا کربلا قدم در قدمگاه عشق گذاشته اند همان یاران اندکی هستند که در کربلا سینه هایشان را به تیرها و نیزه ها سپردند.

اربعین، نمادی از فریادهای حسین علیه السلام و یارانش در کربلاست.

فریادی برای آگاهی جهان.

غریو با شکوهی در جهان آگاهی انسان.

اینجا کنار زائران اربعین می توان فهمید که مظلومیت حسین علیه السلام در چشم های انسان های آزاده ضرب شده است.

و امروز دنیا در نفس های همین مردان و زنان زائر خلاصه می شود.

اربعین فرصتی است برای تمام آنهایی که پای مکتب حسین علیه السلام آزادگی آموخته اند، تا صدای هدایت انسان را درگوش جهان فریاد بزنند.

و انسان های خفته را بیدار کنند تا از کاروان کربلا جا نمانند.

کنار همین موکب های ساده که می ایستی احساس می کنی اربعین جایی برای رفتن و رسیدن است.

رسیدن به فهم ناب از عشق.

از سرمستی

و کربلا می خانه ای است که جام های پیاپی آن لبریز از خون عاشقان است.

ص: ۱۱۰

چهل شام چله نشینی(۱)

و الطّور

سوگند به طور

به سرزمین فرود آمدن تو

که تمام سیاهی ها را نورانیت تو یکجا به آتش کشید

ای نجم ثاقب

که نگاه تو تمام ظلمات زمین را شکافت؛ به یکباره

و بریده بریده

لایه های پلیدی را خاکستر کرد

و السماء و الطارق

... سوگند به آسمان

و به کوه های مضطرب و خورشید رنگ ورو پریده

و ماهیانی که از آب بیرون آمدند.

و مرغانی که از آسمان سقوط کردند؛ برای تو. و چلچله هایی که برایت چله نشینی کردند.

و النجم اذا هوی

... سوگند به ستاره هنگامی که فرود آید

و سلام بر تو آن هنگام که در تمام ذرات نور پاشیدی از پیکرت

و سلام بر پیکر پاره پاره ات

که آیه های مقطعه عشقند

چونان

۱- ۱. نمونه متن برنامه ای با موضوع اربعین؛ نویسنده مریم سقلاطونی.

یس، ص، الم، ق...

و الشمس و الضحی

سوگند به خورشید نگاه آسمانی تو

که با خون و خاک آغشته شد

ناگاه سر برهنه و غبارآلود

در شب درخشیدن گرفت

چون ماه چهارده

و فَدیناهُ بِذِبْحٍ عظیم

ای کشته اشک ها

از آن پس دریاها پیراهن سیاه پوشیدند

از همان هنگام که دیگر روی خوش ندید زمین

اِذا زُلْزِلَتِ الْاَرْضُ زِلْزالَها

زمین به لرزه درافتاد؛

در هموارگی مرگ و آتش و خون

زیر سمّ ستوران بی افسار

وَ الْعادِیاتَ ضبْحا

... سوگند به دوندگان به ستوه آمده

فَالْمُورِیات قَدْحا

... پس آتش افروزندگان به نواختن سُم ها بر زمین

و الصافات صفا

سوگند به آنان که صف ببندند صف بستنی

کربلا؛ معراج عاشقانه توست

ای آیه آیه های کهف از لبانت روشن!

ای صاحب بروج، که باران، به برکت تو نازل می شود؛ از برج های بلند رحمت

و آب که مهر مادر توست، عطر مشام تو را دارد!

ای صف در صف به استقبال پیکر پاره پاره ات، فرشتگان!

ای ذبح عظیم، که منای تو عاشقانه ترین است

و کربلای تو

ص: ۱۱۲

آیات روشنگر تسلیم!

سلام بر قطعه قطعه پیکرت

و بر زبان مجروحت که سائیده شد بر زمین

و بر چشم هایت که از تشنگی تاریک شدند

و بر جگر پاره پاره ات

و بر انگشتان بریده بریده ات

و بر دندان های خیزران خورده ات

و بر تن عریان خون آلودت

... موسی در طور آتش دید و به قومش گفت

صبر کنید تا برای شما جذوه بیاورم که گرم شوید

و تو

در کربلا

نور دیدی و به قومت گفتی

با من بیائید که خداوند

خواسته شما را اسیر ببیند

... و از آن روز به بعد

دریاها، سرکش شده اند

وحوش، سرگردان اند

کوه ها، رشته صبرشان از هم گسیخته

درختان، هر صبح نوحه سر می دهند

پرندگان، سراسیمه اند

اِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَت

... و از آن هنگام، زمین، آب خوش از گلو پایین نبرد

آسمان در غبار همیشگی شناور است

سیاه و کدر

خاموش و سرد

باران زجر بر خاك باریدن گرفت

باران تاول و زخم

و سه روز پیکرها بر زمین تبدار

برهنه و خون آلود

نیلی و بنفش

لهیده و قطعه قطعه

بیابان لب تشنه را

از جلوه های عشق سیراب کردند

از خیمه ها، خاکستری به جا بود

از فرات؛ شبحی مانده بود و زخمی گُر گرفته

خون تو تکثیر شد

در ذرات آسمان و زمین

درخت شد؛

باران بارید

هنوز خاک را در آرامش جبروتی ات دامن نگرفته بودی

که مزارت را ویران کردند

شخم زدند؛

زیارت کنندگانت را دست و پا بریدند

دار زدند

و از آن روز هر روز کربلا

عاشوراست

اینک:

چهل وادی هروله کردیم

چهل وادی خون گریستیم

چهل وادی باران اشک باریدیم

چهل وادی مصیبت خواندیم

چهل وادی زخم زبان شنیدیم

چهل وادی با پای پیاده و آبله

رنج راه؛ غربت و دربدری

زیر باران نیش های گزنده

زیر باران زخم های کشنده تهمت

زیر باران تازیانه و اشک

زیر باران سیلی و دشنام

تا به زیارت مقدس تو بیاییم

چهل شبانه روز در رود رودِ گریه و زخم

چهل شبانه روز در حیرت و سکوت

چهل شبانه روز در آوارگی و اسارت

هر لحظه بی تو، هزار سالِ سیاه گذشت بر ما

هزار سالِ مصیبت

هزار سالِ اندوه

و امروز آمده ایم؛ با خاطرات سرخ تو

که هر لحظه از قتلگاه تا دروازه های شام را

در می نوردند. از کجا بگوئیم؟!

بالای نیزه خدا را چگونه یافتی؟

در گودی قتلگاه، خدا را چگونه دیدی؟

در طشت طلا، با عطر مشک و کافور، کدام حقیقت را به تماشا نشستی؟

با دیر راهب، رنج کدام مصیبت را مویه کردی؟

بر کدام زانوی مهربان سر گذاشتی؟

در تنور خولی، کدام دریا را شعله گریستی؟

کدام منزل از منزل های عاشقانه ات را گریه کنیم؟

هنگام آویختن سرت بر خانه یزید

یا هنگام چرخش پیکرت در دریاچه خون

یا هنگامه نمایش سرت بر دروازه های شوم شام

یا هنگام لخته بستن خون چشمانت بر یال های عزیز ذوالجناح

صدای قهقهه مرگ می آمد

خون تو، جریانی شگفت از زندگی بود

کجاست گهواره علی اصغرت، برادر!

کجاست دستان آب آور ابالفضلت، برادر!

کجاست قاسم و علی اکبرت؟

داغ کدام عزیزت را مویه کنم؟

در این پریشانی اندوه

از کدام دلتنگی ام بگویم؟

ص: ۱۱۶

عطش و عشق(1)

اربعین، تنها داستان پیاده روی نیست... داستان پا و تاول و زخم... داستان انگشتان ورم کرده...

اربعین داستان بلند هزاران دست و بیرق و روضه و سیطره است...

سیطره اشک و آه و ناله...

در داستان دنباله دار اربعین هزاران هزار واژه نقش آفرینی می کنند...

یک: دست ها

...

دستی برای تعارف خرما...

دستی برای تعارف مهربانی

دستی برای بالا گرفتن پرچم بلند است... پرچم عزای تو... سرخ و سیاه و سبز...

این جا مقام همه دستان دوست داشتنی اربعین تو است....

اینجا دست های زیادی در کارند... در گوشه عراق عشق تو همه نواها دست به دامان زینب اند...

و حکایت جاذبه نام تو

حکایت پروانه ها و شعله های آتش است...

حکایت هزاردستان است... هزاران هزار دست...

دست هایی که آمده اند تا سخاوتشان را به رخ عالم بکشند... دست های بخشنده و عاشق...

حکایت این دست ها حکایت دستان کوچکی است که تمام مسیر کربلا تا شام از دستان عمه جانش جدا نشد...

۱- ۱ . نمونه متن برنامه ای اربعین؛ نویسنده مریم سقلاطونی.

حکایت این دست ها حکایت دستی است که اشک های کودکانه رقیه را پاک می کرد و خون می گریست...

اربعین تو خلاصه می شود در آن نامی که کلیدش دست های کریمانه عباس است...

او که دو دس___ت بریده اش

کافیست...

ب__رای گرفتن دس___ت تمام ع__المی__ان...

ألسَ___لاَمُ عَلَیکَ_____ی__ا أب__وُالفَضل ِاَلعَبّاس....

این دست ها گره زلف اشک هایی را باز می کنند که برای دستان بریده علم دار کربلا بارانی شده اند...

بوی روضه عباس می دهند این دست های کریم... بوی دستی که شریعه فرات را تا دنیا دنیاست شرمنده کرد...

اینجا نمایش گاه بزرگ دست هایی است که علم عباس را بردست گرفته اند تا بگویند

علم عباس، هنوز برپاست. دست عباس هنوز قلم نشده است. دست عباس، همین دسته های به هم پیوسته است که هر سال از هر کوی و برزن، مانند رود خروشان جاری می شوند تا به اقیانوس اربعین حسین وارد شوند...

این دست ها آمده اند تا نذر دستان بریده بر سینه ها کوبیده شوند...

این دست ها آمده اند تا دستی از نزدیک بر آتش عشق حسین علیه السلام بگیرند...

اینجا همه آدم ها را به سخاوت دستانشان می شناسند... دستانی که غبار خستگی از تن زائران اربعین می گیرند...

دستانی که نوازشگر پاهای بی رمق و تاول زده اند

اینجا همه آدم ها جان خود را به دست گرفته اند و آمده اند... از همه قاره ها و کشورها... از همه شهرها و آبادی ها...

از همه ملیت ها و قبیله ها

و دست این حکایت غریب

و دست این سعایت رسیدن

و دست و رایت قمر

اخ الوفا اخ الحبیب

و دست و یک روایت از ابوالبشر

ص: ۱۱۸

و دست و این حمایت پسر

و دست و این رعایت ادب

و دست که می شود سبب

دستی برای سایبانی و دستی برای میزبانی برای میهمانی

دستی برای بکا و دستی برای سخا

دستی کنار گوش زمزمه می کند

و دست ها

و دست و بیرق و قمر...

و دست های بسته در اسارت و سفر

دست ها که یادآور گاهواره اند

دست ها که بالا گرفته اند بیرقت را

دست ها که تعارف می کند مهر را

سال هاست که دست ها چنین کنند و باز تکرار

دستی که پیش می کشد و دستی که پس

دستی که معنی سلام می دهد

دست ها دست به دامان خاندان تواند

اینجا در اربعین

مقام تمام دستان دوست داشتنی است

حکایت هزاردستان است این... هزاران هزار دست

دست های زیادی در کارند، دست به دامان تواند

و حکایت جاذبه نام تو

حکایت پروانه گی و آتش

دست ها آمده اند تا تمام کنند سخاوتشان را

دست ها خلاصه می شوند در آن نامی که کلیدش دست های کریمانه قمر است...

او که دو دســـــت بریده اش

کـــــــــافیست...

بـــــــــرای گـــــــــــــرفتن دســـــــت تمـــــــــام عـــــــــــالمی‌ـــــــــــــان

ألسَـــــــــلَامُ عَلَیکَـــــــــــــــــــــــ یـــــــــــــا أبـــــــــوُالاحرار، علم دار

ص: ۱۱۹

دست ها گره زلف اشک باز می کنند

کل می کشند ولوله می کنند اسپندوار

بوی روضه عباس می دهند این دست های کریم

اینجا آوردگاهی بزرگ است که علم بگرفته اند بر دوش

دسته های به هم پیوسته، که هر بار چون شریعه ای از هر سوی چون رود خروشان

در فرات این جاده جاری می شوند تا در بحر حسین طاهر شوند

اینجا دست ها نذر دستان بریده می شوند

دست ها آمده اند تا دستی بر آتش حسین علیه السلام گیرند.

اینجا همه را به سخاوت دستانشان می شناسند.

دستانی که می روبد غبار خستگی از تن زائر.

اینجا دست ها رنگ به رنگند ولی یکرنگ

اینجا همه دست ها عقده گشایند.

دست هایی که حرارت هُرم حرم را در خویش ذوب کرده اند.

اینجا همه دست ها، بوی انگشتان و انگشتر گرفته اند...

بوی زنجیر می دهند .

این جا، ابتدای طریق الی کربلای شصت ویک هجرت است... .

دست ها در دست حسین علیه السلام اینجا قرار می گیرند.

رب ادخلنی مدخل صدق و اخرجنی مخرج صدق

واجعلنی من لدنک سلطانا نصیرا

دو: کفش ها و پاها

و کفش ها و پاها...

صدای پای کاروان کربلا می آید... و تو چه می دانی هوای دل زینب این روزها چگونه است؟

به پای بوسی راه افتاده اند این چشمه ها... رودخانه ها... این اقیانوس

تا ثابت کنند پای حرفشان ایستاده اند...

آنان که اگر تشنگی و خستگی از پا درشان آورد از پا نمی ایستند...

ص: ۱۲۰

و کفش ها و پاها...

و پایی که یک روز سنگلاخ مروه را چشم های جوشان کرد

و یک روز بر سنگی فرونشست تا مقام ابراهیم شود...

و پایی که از کفش تعلق بیرون آمد تا کلیم خدا شود...

فاخلع نعلیک...

اینجا باید با پای برهنه راه بروی...

در هروله اشک و آه و نوحه...

اینجا آتشی پنهان است

آتشی که بعد از هزاروچهارصد سال هر روز سوزان تر است!

حالا نوبت آسمان است؛ تا ببارد!

آسمان هم که ببارد

این آتش شعله ورتر خواهد شد...

کفش هایت را از پاهایت بیرون بیاور

این جا وادی مقدس طوای ارادت به حسین است

داستان این پاها... داستان همدردی با پاهای تاول زده کودکان و زنانی است که در شولای خارهای بیابان پیچیده است...

داستان مرهم ها و زخم ها... داستان غل ها و زنجیرها...

اربعین مرور خاطرات خطر در بیابان عشق حسین علیه السلام است...

اربعین مرور خاطرات تلخ وادی حصاصه است و نخله... موصل است و رقه... مرور خاطرات دهشت بار رقه است و حلب... شیزر است و حمص... اربعین مرور کفش های کوچک جامانده در سنگلاخ های بعلبک است...

بیابان هر لحظه زیر پای قافله خشک و خشک تر می شود... تا پشت دروازه های شام، کجاو های سنگین از بار مصیبت، پا برهنه تاولناک پیش می روند... مسیر کاروان اسیران را ردی از خون مشخص کرده است. بیابان های تفیده و داغ، گواه پینه

هـای دردنـاک کودکـان کربلاـست... همیشه دروازه هـای شـهر مژده رسـیدن نیست... گاهی پیغام مصـیبت است... برای قافله مجروح... برای پاهای تاول زده...

حکایت این پاها، حکایت پا در رکاب شدن با کاروان شام است... سواد عتبه نجف دور و دورتر می شود و زخم انگشتان پاها رفته رفته عمیق تر...

ص: ۱۲۱

با پای جان آمده اند... این مردم!

با پای جان بر رمل های رمنده

آمده اند تا حسرت دیر رسیدن به ظهر عاشورا بر دلشان سنگینی نکند...

این پاهای خسته، حرف های بلندی را بر زمین هجی می کنند... این پاهای بی رمق آمده اند تا بر غبار جاده بنویسند:

به سر بایست رفتن در طریق کرب___لا

ای دل که تا یاب__ی ط__واف پادش_____اه دی____ن و دنی__ا را

غلط کردم به پا رفتم از آن سرما

ربود از من گناه از جانب من بود جرمی نیست سرما را

ول__ی مع____ذور می دارم که در راه تمنّ_____ای__ت

چنان بودم که از مستی ز سر نشناختم پا را

مسافر این راه، پای عاشق می خواهد و کفش ارادت

این جا، فراز حماسه حسینی است

همه آمده اند...

سواره و پیاده...

بی دست و بی پا...

بی قرار و بی تاب

حکایت اربعین، حکایت بوسه بر پایین پای مبارک است

انگار همین روزها بود که پایی خسته از سفر شام، زیر باران شیون و نوحه، زخم هایش را به گونه خاک کشید...

تا پای همه دل ها به کربلا باز شود...

...

سه: چشم ها و اشک ها

و اشک این حکایت غریب

و قلب های بی شکیب

و گریه های کودکان کربلا

و بغض های سرزمین نینوا...

ص: ۱۲۲

و ندبه های کاروان شام

و زخم های ناتمام...

حکایت هزار چشم منتظر...

حسین! چشمی نیست که برای تو گریان نباشد...

اشکی نیست که از سوز جگر گداخته نگردد...

و باز داستان اشک و چشم...

و ندبه های یعقوب در فراق یوسف...

گریه های یوسف در غم غربت...

و بارش باران اشک از چشمان زهرا علیها السلام در بیت الاحزان...

و اشک های زهرا علیها السلام در غربت علی علیه السلام ...

و اشک ها، زنجیروار، روایتگر مویه های خاندان وحی اند...

و چشم ها، راوی درد های بزرگ کسی است که کشته اشک هاست...

و چه زیبا فرمود: من کشته اشک هستم، هیچ مؤمنی من را یاد نمی کند مگر آنکه با یاد من اشک بر دیدگانش حلقه می زند.

این جا، جاده نینواست... مقام آن بزرگ، که چهل روز آسمان، در مصیبتش خون گریسته است...

این راه، با چراغ اشک های رباب روشن است... با شور حسینی زینب... نور چشمان منتظر ام البنین

حکایت اشک، حکایت عموست... وقتی تیر، چشمان مبارکش را نشانه گرفت... وقتی عمود...

حالا نه مشک دارد که به خاطر چشمهای منتظرِ بچههای برادر برگردد، و نه دست که دوباره به فرات بزنند.

اینجا اربعین است...

أَلسَّلامُ عَلی مَنْ بَکَتْهُ مَلائِکَهُ السَّمآءِ

سلام بر آن کسی که فرشتگانِ آسمان بر او گریستند...

چهل روز است که زینب، چشمی اشک دارد و چشمی خون.

مگر باران ببارد تا آتش این همه داغ را موقتا خاموش کند...

اربعین مرور داستان بلند چشمان منتظر مدینه در بازگشت کاروان کربلاست...

اربعین، بغض های فشرده امام سجاد علیه السلام در خطبه خوانی دروازه های شهر مدینه است...

ص: ۱۲۳

آنجا که فرمود:

ای مردم! کدام قلب است که در شهادت]حسین[لرزان نشود؟ یا کدام جگری می توان یافت که برای او نسوزد؟

ای مردم! ما طرد شده، آواره، رانده و دور از شهرها شدیم؛

این چشم ها، نایب الزیاره اند... نائب الزیاره همه قلب های بی قرار... همه جامانده های کاروان اربعین...

سلام بر زائر غریب این روزهای اربعین... سلام بر صلابت سلام هایش در زیارت ناحیه

فَلَئِنْ أَخَّرَتْنِی الدُّهُورُ، وَ عاقَنی عَنْ نَصْرِک الْمَقْدُورُ،

اگرچه زمانه]حضور مرا در واقعه عاشورا[به تأخیر انداخت، و مُقدَّرات الهی مرا از یارىِ تو بازداشت،

فَلَاَ نْدُبَنَّکَ صَباحاً وَ مَسآءً، وَ لاَبْکِیَنَّ لَکَ بَدَلَ الدُّمُوعِ دَماً،

صبح و شام بر تو مویه می کنم، و به جای اشک برای تو خون گریه می کنم،

چهار: بچه ها و طفل ها...

و کودکی که تشنه است...

و مشک پاره پاره بر زمین

و طفل شیرخواره...

و بچه های تازیانه خورده غریب

و کودکان بسته با غل و رسن...

باز بوی کربلا...

بوی خیمه های سوخته...

بوی زخم های باز...

بچه ها در انتظار ذوالجناح...

در انتظار مشک...

بچه های آب... آب آب

و باز آسمان عراق، منتظر طلوع آفتاب اربعین است...

منتظر رسیدن قافله اسیران شام...

ص: ۱۲۴

قافله ای که دیگر نه صدای گریه های اصغر را می شنود...

السلام علی عبد الله بن الحسین الطفل الرضیع، المرمی الصریع... (ناحیه)

نه لبخند کودکانه رقیه را...

قافله ای که بوی پیراهن ابراهیم و محمد می دهد... دوطفلان مسلم...

قافله ای که خالی از لالایی و گهواره است...

این جا اربعین...

کدامین سر سودای همراهی سرهای بریده را دارد

و کدامین همت، ذوالجناح بی سوار را زین خواهد کرد؟

اربعین است.

آفتاب، تمام قامت بر قله «گودال» ایستاده است!

و هنوز حنجره ای کوچک به وسعت تمامی مظلومیت فریاد می کشد...

فبای ذنب قتلت

پنج: دخترها و زن ها

و نازدانه ای که گوشواره اش ربوده شد...

و دختر سه ساله یتیم...

خرابه...

باز شام...

شامِ دختری که ناله اش به جان آسمان نشست...

شامِ بانوان دست بسته و اسیر

شامِ دهشت و هراس...

شامِ تشتی از طلا...

شامِ سر

شامِ خطبه های آتشین...

شامِ آن حماسه بزرگ...

شام شیون زنان...

شام روضه رقیه با سر است...

پدر جان! کدام سنگ دلی سرت را برید و محاسن تو را به خون پاکت خضاب کرد؟

ص: ۱۲۵

پـدر جـان! چه کسـی مرا در کودکی یتیم کرد؟ پس از مـادر از غم فراق او به دامان تو پناه می آوردم و محبت او را در چشـم های تو سراغ می گرفتم، اکنون پس از تو به دامان که پناه برم؟

پدر جان! پس از تو چه کسی نگهبان دختر کوچکت خواهد بود، تا این نهال نوپا به بار بنشیند؟

پدر جان! پس از تو چه کسی غم خوار چشم های گریان من خواهد بود؟

پـدر جان! در کربلا، مرا تازیانه زدند، خیمه ها را سوزاندند، طناب بر گردن ما انداختند و بر شتر بی حجاز سوار کردند و ما را اسیران از کوفه به شام آوردند.

اینجا اربعین است

أَلسَّلامُ عَلَی النِّسْوَهِ الْبارِزاتِ،

سلام برآن بانوانِ بیرون آمده از خیمه ها

هوای اربعین، هوای گریه هاست... گریه های بی صدای زینب...

گریه های بی صدای رباب...

گریه های بلند مادر عباس...

هوای اربعین... هوای بغض های نشسته در گلوی کوچک رقیه است... بغض های دخترانی که پیراهنشان آتش گرفت...

بغض های دخترانی که سیلی خوردند...

هوای این روزهای جاده نجف ـ کربلا نُت شکسته ناله های همسران و مادران شهید است...

هوای این روزهای این جاده، هوای حماسه های ام کلثوم ها... ام لیلاها... ام هانی ها... است...

هوای این جاده هوای عطوفت طوعه ها... ام وهب ها... عطیه کوفی است

هوای مویه های همسران خولی است...

داستان اربعین، مرور داستان بلند اشک های زینب است...

«پلک صبوری می گشایی

و چشم حماسه ها

روشن می شود

کدام سرانگشت پنهانی

زخمه به تار صوتی تو می زند

ص: ۱۲۶

که آهنگ خشم صبورت

عیش مغروران را

منغبض می کند

تاریخ زن آبرو می گیرد، وقتی پلک صبوری می گشایی...

ای زن!

قرآن بخوان

تا مردانگی بماند

قرآن بخوان

به نیابت کل آن سی جزء

که با سرانگشت نیزه

ورق خورد»]سید حسن حسینی[

شش: پیرمردها و پدربزرگ ها

جاده های منتهی به کربلا، عطر سیب می دهند...

بوی مهربانی حبیب می دهند...

بوی سلام های جابر

السَّلامُ عَلَیکُم أیتُهَا الأَرواحُ الَّتی حَلَّت بِفِناءِ الحُسَینِ

«سلام بر شما ای روح هایی که گرداگردِ حسین فرود آمده، همراهش شدید! گواهی می دهم که نماز را به پا داشتید و زکات دادید و به نیکی فرمان دادید و از زشتی بازداشتید و با مُلحدان جنگیدید و خدا را پرستیدید تا به شهادت رسیدید. سوگند به آن که محمّد را به حق برانگیخت در آنچه به آن درآمدید با شما شریک هستیم.» جاده های منتهی به کربلا لبریز از عطر بیرق های سرخی است که بر شانه های تکیده پیرغلامان حسین است...

اینجا بوی کاروانی از گل های سرخ می دهد...

بوی لحظه های ناشکیب

بوی گریه های جابر و حبیب

و پیرمردها و پدربزرگ ها...

ص: ۱۲۷

و دوباره از نو، اربعین بر قله های مرتفع عشق و حماسه دمیده است

جاده های منتهی به کربلا شور زیارت مخصوص است

زیارت ناحیه...

هوای ناحیه این روزها، بارانی است

بارانی قدم هایی که دیر به کربلا رسیدند...

قدم های جامانده از قافله شصت ویک هجری

حکایت اربعین حکایت همه پیرغلامان دستگاه حسین است.

حکایت زهیربن قین ها...

حکایت مسلم بن عوسجه ها... قیس بن مسهرها...

حکایت نافع بن هلال ها... حربن یزید ریاحی ها...

حکایت اربعین حکایت همه محاسن سفیدهای نینواست...

حکایت پدربزرگ هایی که راهی زیارت جاده اند...

حکایت عصا به دست های سفر کربلا...

حکایت قامت های خمیده و گود

حکایت دست های پینه بسته...

حکایت چهره های چروکیده...

این جاده، با نفس حق این پیرغلام ها باز می شود...

هوای این مسیر، شمیم ذکر یا حسین بر لبان لرزان این پیران سالک است...

از این نقطه تا کربلا، راهی به وسعت قلب های مهربان این سروهای خمیده است...

هفت: ناتوان ها و معلول ها

و معلول ها...

تو چه می دانی اربعین چیست؟

باید اینجا باشی...

در ازدحام این پرچم ها و آدم ها... در میان این طوفان...

باید اینجا باشی وسط معرکه... درست همین جایی که مقصد حرم است... و هیچ چیز مانع از حرکت نمی شود...

حتی معلولیت جسمی...

ص: ۱۲۸

و تو چه می دانی اربعین چیست و ایمان چگونه سایه بلندش، چتر راه مسافر حرم می کند؟

باید اهل این جاده باشی...

اهل این راه...

تا ببینی ارادت یعنی همین دختر بچه معلول عراقی...

همین مرد ناشنوا... همین پسر بچه عصا به دست...

باید اهل این جاده ۸۵ کیلومتری باشی

اهل این موکب ها و رایت ها...

اهل همین نوحه خوانی حزن انگیز ملاباسم کربلایی

باید جانت آشنا با نغمه های اربعینی باشد... باید نوای نزار گوش جانت را نوازش داده باشد.

تا آن وقت باور کنی برای دل داده بودن.

قد و قامت مهم نیست

اراده و ایمان مهم است...

آن وقت باورخواهی کرد ناتوان کسی است که نتوانسته باشد مِهر حسین را در قلبش جا داده باشد.

این جا اربعین است...

و تو چه می دانی اربعین چیست...

باید مقیم این مقام باشی

تا بدانی عشق آتشی است که باید به جان بیفتد

و اگر افتاد دیگر کوچک و بزرگ فرقی نمی کند

دیگر خردسال و سال خورده نمی داند

دیگر پاشکسته و بی دست نمی داند...

این جا کسی بزرگ تر است که اراده اش قوی تر است...

باید سلام کرد به زوار حسین علیه السلام . به پاهای آبله زده

و در طوفان لایوصف این وادی رها کرد جان را...

ص: ۱۲۹

هشت: سیطره و سربازها

کربلا نقطه پایان این راه نیست...

کربلا آغاز است...

آغاز راهی که به ظهور ختم می شود...

و حسین علیه السلام امروز فتح الفتوح کرده است...

لشکریان حسین علیه السلام هزاروچهارصد سال است در خط مقدم عشق، مرزبان خون حسیند...

و عشق حسین بر عالم سیطره کرده است...

این سیطره ها، بارقه ای از آن سیطره عظیم و مبارک است...

اینان سربازوظیفه پیاده نظام فرزند پیامبرند...

از جان و مال و خاندان گذشته هایی که مدافع حرمند...

اینان چشم و چراغ این جاده اند...

این سیطره ها، سنگرهای عاشقان بی نام و نشان حسینند...

و این سربازها، سربازان لشکر نهضت حسین...

حسین، زمان را معنی بخشیده است...

فاصله ها را حرمت داده است...

به قدم ها منزلت بخشیده است...

و لشکریان حسین در همه خطوط آماده هل من ناصر ینصرنی مولایشان هستند...

اینان آمده اند تا در خط مقدم عشق به مولایشان، زهیروار جانشان را تقدیم کنند.

حکایت این جاده و این سربازها و سیطره ها...

حکایت آن چراغی است که بعد از ۱۴۰۰سال هنوز روشن مانده است...

حکایت آن داغی است که هر صبح تازه تر و هر شب عمیق تر می شود...

اللهّم عجّل فرج مولانا الامام الهادی المهدی القائم بأمرک واجعلنا من خیر أنصاره وأعوانه.

نه:آواره ها

و آواره هایی که از خانه بیرون زدند...

و سرگشتگان دشت بلا...

یک روز فطرس، آواره تو شد..

ص: ۱۳۰

یک روز کاروان تو...

و امروز آواره هایی که در غبار جاده کربلا، گرفتار جاذبه حرم تواند...

و آواره های کوی تو بی شمارند...

در وادی امن کسای تو جا برای همه سرگشتگان هست... جا برای همه مهاجران... همه دورافتادگان وطن...

و کربلا، موطن همه عاشقان توست... موطن همه آواره گان

همان هایی که روزی در سفر کربلای عشق اِلهی عَظُمَ الْبَلاءُ را خواندند

آواره هایی که اربعین روز رهایی از اسارت هایشان شده است...

روز گسستن زنجیرها... روز هجرت از غربت ها...

غبار عاشورا فرونشسته است...

اما هزاروچهارصد سال است آفتاب اربعین از پس ابرهای شایعه و نیرنگ یزیدیان زمان سربرآورده...

اینجا فصل دوباره روییدن است...

فصل کامل شدن خون...

چهل روز است این جاده، تصویر سرگشتگانی است که تنها به عشق حرم از خانه بیرون زده اند...

چهل روز از مرثیه عاشورا می گذرد...

حکایت اربعین حکایت شوریدگی ها و آوارگی هاست...

حکایت اربعین حکایت کودکان و زنانی است که در گردباد عاشورا سرگشته بیابان شدند...

عاشورا فقط به شهادت منتهی نمی شود... عاشورا هم شهادت دارد هم اسارت و آوارگی...

اربعین، امروز به وسعت همه جهان است...

به وسعت همه مرزهای آبی و خاکی عشق و عرفان...

این جا وادی حیرت و حیرانی است

این جا وادی دلبری است...

و اینک قرن هاست این جاده، از نفس کاروان زینب علیها السلام تنور عزایش گرم است...

و چگونه چنین نباشد، وقتی دنیا آواره محبت حسین است...

ص: ۱۳۱

ده: ملیت ها و قوم ها

همه آمده اند...

همه آمده اند تا زیر چتر تو باشند...

زیر باران ندبه های نینوا...

همه آمده اند

بودایی ها / زرتشتی ها... ایزدی ها... سنی ها...

زیارت تو قلبی می خواهد عاشق...

جانی می خواهد آماده قربانی

پایی و سری و چشمی...

عاشقان مسافر زیارت تو چمدان های دلشان را بسته اند

و از خانه و شهر و دیارشان بیرون زده اند...

از همه نقاط جهان...

شیفتگان تو به شیعیان محدود نمی شوند...

از تمام نقطه جهان اینجا جمع اند...

از نیویورک تا فیلیپین

از یونان تا آفریقا...

از هند تا اسپانیا...

از ایران تا کشمیر...

بوی پیراهن تو می وزد اینجا

اینجا همه زبان ها یکی است... همه مقصد ها یکی است... و همه جاده ها و کوهستان ها و بیابان ها، همه نخلستان ها و

رودخانه ها به اقیانوس نام عظیم تو وصل می شود...

اینجا همه حسینی اند... و همه قلب ها با ذکر لبیک یا حسین تو کوک شده اند...

زیارت تو، دلی عاشق می خواهد و سری سودایی و جانی سرگشته...

این جا همه واژه ها یک رنگ است... رنگ خون.

این جاده متعلق به همه مردم جهان است از هر قوم و عشیره و مذهبی...

و همه قلب ها، موکب محبت توست یا حسین!

ص: ۱۳۲

یازده: سوزها / روضه ها

_ السلام علیک یا صاحب الدمعه الساکبه، یا صاحب المصیبه الراقبه،...

باز اربعین...

باز هم مرور خاطرات تلخ...

عطر روضه رقیه... سوز گریه های کودکان آب

خاطرات خیمه های سوخته...

باز اربعین...

و شوقُنا... و شوقُنا... وشوقُنا لکربلاء

و سوز ها و روضه ها...

روضه سری که روی نیزه رفت...

سوز مویه های مادرانه رباب

روضه خرابه... تازیانه... سنگ....

روضه لب و شماتت و شرنگ

باز اربعین...

با سر باید این عمودها را بشماری...

با سر باید این ستون ها را بشماری

این عمودها بوی روضه عباس می دهند...

این ستون ها یادآور ستون خیمه گاه اند...

این جاده، هزاران هزار خاطره با خود دارد...

خاطره کاروان شام... خاطره کاروان بی رقیه...

کاش جای این نخل های بلند بودم... تا هر روز سلام هایم را ابرها و بادها به کربلا بردند...

کاش جای این بیرق های بلند بودم...

کاش جای این نهرها که هر روز به پا بوسی تربت تو نائل می شوند...

کجاست محتشم تا ترکیب بندی تازه بسازد از این همه سوزوگدازها

اینجا همه چشم ها مات کیش محبت تواند...

این روزها در این جاده کمتر کسی است که عطر تربت تو را از نسیم نبوییده باشد

پای سفر همه قلب ها به کربلا باز شده است...

این روزها رایحه زیارت خوانی فرشته ها، همه جا را فرا گرفته است.

ص: ۱۳۳

نیازی به ذکر مصیبت نیست...

اربعین روضه مجسم است...

گوش بخوابان به زمین! می شنوی!

بوی روضه می آید... روضه عباس...

روضه زینب... روضه اصغر...

قلب ها مثل اسفندی در آتش ارادت به حسین می سوزند...

بوی اسفند می آید...

بوی چای روضه های مادربزرگ...

بوی روضه سر... روضه مادر...

عطر گلاب می دهند این غبارها...

دوازده: وضوها و نمازها

این جاده بوی تربت می دهد...

بوی مهر کربلا...

بوی سجاده و تسبیح... بوی حی علی الصلاح

این جاده وصل می شود به صف نماز ظهر عاشورا

نماز عشق با وضوی خون

حکایت اربعین، حکایت سجده بر این خاک خونین است...

اینجاست که حق داری گم کنی هزار بار، نه راه را، که خود را.

اینجا ابتدای جاده است...

ابتدای راهی که می رسد به تربت تو

از این جا تا مقصدی که تویی

هزار خیمه برپاست... هزار سجده گاه...

هزار موکب...

بوی اذان می آید...

همه تاریخ از جلوی چشمت رد می شود...

انگار صدای بلال از ماذنه ها می آید...

و بغضی فشرده در گلوی زهرا علیها السلام ...

ص: ۱۳۴

این بار فقط به خواهش فاطمه آمده بود. صدای «الله اکبر» بلال

در فضای شهر پیچید. مردم لحظه ای دست از کار کشیدند.

مدینه در سکوت فرو رفت. پس از مدت ها صدای آشنایی

از مناره مسجد پیامبر می آمد. بلال ادامه داد: «اشهدان لااله الاالله»

مردم به خود آمدند. آری این صدای بلال است.

آنان بی اختیار به طرف مسجد شتافتند. بلال ادامه داد: «اشهدان محمد رسول الله»...

یک روز هم موذنِ مسجدِ کوفه برای آخرین نماز علی علیه السلام اذان گفت...

الله اکبر الله اکبر

و یک روز دیگر در مسجد شام وقتی موذن گفت: الله اکبر الله اکبر

اشهد ان محمد رسول الله... امام سجّاد علیه السلام عمامه خویش را از سر برداشت و خطاب به مؤذّن گفت: تو را به حقّ محمّد ساکت باش تا من سخنی بگویم. آنگاه از بالای منبر خطاب به یزید فرمودند:

ای یزیـد! این پیغمبر، جـد من است و یا جـد تو؟ اگر بگویی جـد من است، همه می داننـد که دروغ می گویی، و اگر جد من است پس چرا پدر مرا کشتی و مال او را تاراج کردی و اهل بیت او را به اسارت گرفتی؟!

پیاده یا سواره فرقی ندارد... اینجا همه زیر بیرق کسی هستند که فرمود: به نماز عشق می ورزم.

اینجا همه زیر بیرق حسیند...

حکایت این روزها... حکایت نمازهای شکسته زینب است...

حکایت نماز ظهر عاشورا....

حکایت تیر و کمان و نیزه...

حکایت نماز سرخ... تربت سرخ...

حکایت مُهری که بوی پیراهن می دهد...

اینجا هه دلتنگ اذان حرم اربابند...

اینجا همه دل ها هوایی سلام گفتن از باب القبله حسینند...

السّـلام عَلَیْـکَ یـا ثـارَ اللهِ وابـنَ ثـارِهِ والـوِتـرَ المَوتـورَ اَشـهَدُ اَنَّکَ قَد اَقَمتَ الصَّلاهَ وَآتَیتَ الزَّکـاه وَاَمَرتَ بـاُلمِعروف وَنَهَیتَ عَـنِ المُنکرِ وَ...

ص: ۱۳۵

سیزده: جاده ها

بعضی جاده ها تنها محل گذرند...

بعضی جاده ها نشانه رسیدن اند...

بعضی جاده ها آدم را به مقصد می رسانند.

و جاده ای که وصل می شود به عرش...

و جاده ای که ختم می شود به گنبد و حرم...

و جاده های منتهی به دشت های نی نوا...

کربلا... جاده ای که از زمین به آسمان رسیده است

کربلا صراط مستقیم مهربانی و محبت است

این جاده دل کندن از خاک را برای آدم راحت می کند...

این جاده تجسم ما رایت الا جمیلاست...

این جا همه چیز را زیبا می بینی کافی است از چشمان گریان زینب به این راه چشم بدوزی...

این جاده صاف است... نه خاری دارد... نه سنگلاخی... نه شماتتی می شنوی... نه زخم زبانی...

هیچ کس اینجا نان و خرمایش بوی صدقه نمی دهد...

این جاده آتش عزای حسین علیه السلام را روشن نگه داشته است...

همه شریعه ها از این جاده به اقیانوس عشق حسین علیه السلام می رسند... همه عمودهای این جاده وصل می شوند به علم عباس...

همه ستون های این راه ستون خیمه ویران زینب اند...

اینان پا در مسیری گذاشته اند که ۱۴۰۰سال کاروان شام عبور کرده اند...

این جاده، آدم را سبک می کند...

اینجا که باشی دلت نرم می شود...

هوای جاده قلبت را رقیق می کند...

این جاده... می رسد به زیارت... زیارت نواحی مقدس...

زیارت قتلگاه... زیارت شش گوشه

ص: ۱۳۶

چهارده: چای ها/ آب ها

و آب... مهریه مادر است...

اربعین،

حکایت آب است...

آبی که شرمنده لب های ترک خورده شیرخواره شد

آبی که شرمنده مشک عمو عباس شد...

آبی که به لب های تشنه حسین نرسید...

السلام علیک یا ذبیح العطشان

اربعین حکایت آبی است که اسب های لشکر یزید را سیراب کرد

... صدای نوحه باد می پیچد...

باد بوی فرات را با خود آورده است...

بوی بیرقی که بر فراز گنبد برافراشته است...

باد بوی حیات می دهد...

اللِّهُمِّ اجْعَلْ مَحْیایَ مَحْیا مُحَمّدٍ وَ آلِ مُحَمِّدٍ

و حسین سرچشمه آب حیات است

و تمام جهان با نام مبارکش زنده است...

و قرن هاست در مطاف مزار عباس...

و اینک کاروان اربعین میهمان ضیافت آب اند... آبی که هر جرعه اش آتش ارادت به حسین را افروخته می کند...

و چای ها...

و چای های نذری مسیر...

طعم گریه های کودکانه می دهد...

طعم نغمه های ناتمام نی...

و چای ها...

عطر روضه های اصغر است...

و چای ها...

لذت شنیدن زیارت علی اکبر است...

باز اربعین... دوباره ازدحام در صف فرشته هاست...

ص: ۱۳۷

ازدحام در مسیر دجله... در مسیر نهر علقمه...

اینجا دستی آب تعارف می کند به نیت دست های بریده...

و دستی چای... به نیت داغ های مکرر زینب...

اینجا شریعه است...

و بی روضه اشک ها روانند...

اینجا آب روضه خوان است...

صدای نوحه می آید...

پانزده: ضیافت ها

و ضیافت ها... مسافت ها را کم کرده است...

دعوت به ضیافت آب...

دعوت به ضیافت چای و قهوه...

دعوت به ضیافت رایحه محمدی...

ضیافت اربعین

تنها ضیافت نان و ناهار و شیرینی نیست

ضیافت اربعین ضیافت اشک است...

ضیافت عرش است...

اشکی که بهایش حسین است...

ضیافت اربعین

ضیافت نوحه های غم انگیزی است که اگر شعله ور شود

سنگ را ذوب می کند...

فولاد را نرم می کند...

خون را به جوشش یاورد...

ضیافت اربعین ضیافت همین بغض های شکفته است...

این چشم های خون بار...

این داغ...

و اربعین آتشی است که ۱۴۰۰ سال است همچنان سوزان است...

اینجا شرمنده می شوی از این همه التماس و اصرار...

ص: ۱۳۸

دوست داری سرت را به دامان این بادیه نشینان بگذاری و دلی سیر گریه کنی...

حالا نوبت این ابرهاست... که در ضیافت نوحه های طوفانی شان مسافران این جاده را تا کربلا بدرقه کنند و از عمود ۱۴۰۰ به استقبال شان بیایند...

اربعین تنها ضیافت شیر و شکر و شهد خرما نیست...

اربعین حلاوت حلوای حلم و بردباری این زنان و کودکان آفتاب سوخته است که تنها کلامشان شده هلبیکم یا زواری... هلبیکم...

ضیافت اربعین همین التماس هاست...

التماس برای هم سفره شدن...

هم رکاب شدن...

هم پیاله شدن...

هم نغمه شدن در نی نوای حسین... و حسین درِ تک تک خانه های این مسافران را برای این دعوت بزرگ زده است...

این سراسیمگی ها نشانه آن دعوت مخصوص است برای آن زیارت مخصوص...

شانزده: خاک ها/ سرمه ها

دلتنگ حرم که باشی

حتی بدون روضه هم دلت می شکند

حتی بدون ذکر مصیبت هم هوایی می شوی...

هوایی این خاک...

و اینجا که باشی در ازدحام این اقیانوس عبیرآمیز سرمای هات «سلاح بکا» است...

آن وقت

با گوشه نگاهی خاک وجودت اربعینی می شود...

اینجا که باشی شناسنامه ات صادره از خاک سرمه خیز صبر است...

این خاک خطه خوب ها و خوبی هاست...

این خاک بوی تربت اقیانوس می دهد...

بوی غربت مظلوم...

بوی چادر خاکی مادر

و اینجا همه قامت ها به نیت مادر خم است...

ص: ۱۳۹

صدای نوحه باد می آید..

بادی که از سفر چهل روزه شام برگشته است...

با سرهای بریده... بر بالای نی...

و فرات، عطش این صحرا را در خود حل کرده است...

کاروان خیمه های سوخته دارند برمی گردند..

و این تمام اربعین نیست...

اینجا غبار صحرا سرمه چشمان مسافران کشتی حسین است...

اینجا بادها خبر از پاهای نحیف آبله آورده اند..

خبر از گوشواره نازدانه های سفر شام...

نفس این مسافران راه، بوی تربت می دهد...

اینجا عرب ها و عجم ها خاک پای زائران را به چشم می کشند...

اینجا خبر از منصب ها و مقام ها نیست...

خبری از نژاد نیست... همه از یک خاکند... از گِل وجود ارباب... از گِل محبت عباس...

آفتاب اربعین در افق کربلا طلوع کرده است... تا همه مسافران اربعین سرمه تربت کربلا را به چشم بکشند...

بر مشامم می رسد هر لحظه بوی کربلا...

أَلسَّلامُ عَلی مَنْ جَعَلَ اللهُ الشِّـفآءَ فی تُرْبَتِهِ،

سلام بر آن کسی که خداوند شفا را در خاکِ مزار او قرار داد،

هفده: رسیدن ها/ انقلاب ها

ذهن مردم جهان پر از خاطرات انقلاب هاست...

انقلاب مردم فرانسه/ چین/ روسیه

انقلاب مردم الجزایر/

انقلاب مردم یمن/

انقلاب مصر و بحرین

انقلاب های رنگ...

و انقلاب کربلا انقلاب دیگری است...

ص: ۱۴۰

انقلاب کربلا... انقلاب اشک ها ست

انقلاب زندگانی است...

انقلاب کربلا بزرگ ترین انقلاب جهانی است...

کربلا خیزش بلند اشک های زینب است...

خون تازه... در رگان سرخ مکتب است

کربلا رسیدن است...

رسیدن به قله شرف و انسانیت...

رسیدن به قاف یقین...

و به ثمر نشستن میوه آزادگی...

کربلا به اصل خود رسیدن است...

و به خدا پیوستن...

و اربعین مرور این رسیدن ها است...

انقلاب اربعین انقلابِ رنگ خِداست...

انقلاب صبغه الله

انقلاب رنگِ ولایت...

همه این بیرق ها و پرچم ها رنگشان را از خون حسین در انقلاب زینب وام گرفته اند...

اینجا همه رنگ ها سرخ است...

اینجا هیچ کس متوقف نمی شود... همه در حرکتند... همه برای رسیدن تلاش می کنند.

رسیدن به مقام راس الحسین...

رسیدن به رایحه پیراهن...

رسیدن به عطر سیب... عطر سلام...

أَلسَّلامُ عَلَی الْمُجَ_رَّعِ بِكَأْساتِ الرِّماحِ

سلام بر آنکه از جام های نیزه ها جرعه نوشید.

هجده: طاقت ها/ مقاومت ها

راهی شده اند این رودخانه های مواج...

این کوهواره های ایمان...

ص: ۱۴۱

راهی شده اند تا ثابت کنند

المؤمن کالجبل الراسخ لا تحرکه العواصف

و اگر اربعین علامت مؤمن است

مؤمن این جاده هم باید کوه باشد...

کوهی راسخ در برابر بادهای توفنده

اینجا آوردگاه جوانمردان و شیرزنانی است که

كَأَنَّهُمْ بُنْيانٌ مَرْصُوصٌ

اینجا اربعین است

میدان آزمایش استقامت...

میدان امتحان بزرگ طاقت ها

حکایت این گام های محکم...

حکایت این قدم های استوار...

حکایت این تن های رنجور

حکایت اربعین است...

سواره و پیاده...

بی سروسامان این جاده شد اند

این جان های شیفته و بی قرار

تا حسرت دیر رسیدن به قافله حسین علیه السلام را در سال شصت ویک هجری بر شانه های نحیفشان سنگینی نکند...

و اینجا عجیب دست عشق در کار است...

تاب و توان این زانوها به جرعه ای از نگاه امام بند است...

و مگر نگفته اند طوفانی در راه است...

طوفان اربعین تمام برگ وبار وجود این مردم را صحرا صحرا پراکنده است...

اینجا کمتر کسی است که قامتش را برای شکستن در ماتم این اقیانوس کبیر آماده نکرده باشد..

باید رفت... باید برای گذشتن از غبارها چنگ به دامان این صحرا زد و رفت...

ایستادن خطاست...

حسین علیه السلام یارانی می خواهد که مرد رفتن باشند... فولادهای آب دیده...

ص: ۱۴۲

حسین علیه السلام یارانی می خواهد که از پس هر طوفانی برآیند...

و اربعین آوردگاه آزمایش طاقت ها و مقاومت هاست...

سلام علیکم بما صبرتم...

نوزده: حسین علیه السلام نقطه پرگار وجود

از هر جا که آمده باشی...

از هر شهر و آبادی...

از هر کوچه و برزن...

اهل هر قوم و قبیله که باشی...

اهل هر عشیره و نژاد

اینجا دایره قطب عالم است...

عالم همه در طواف عشق است و دایره دار این طواف، حسین است

حسین همه جهان را با خود به این نقطه آورده است...

همه جهان اینجا جمع اند

ظل دایره عشق حسین علیه السلام روز بالا آمده است...

آفتاب کربلا سوزان است

سوزانده قلب ها مجروح...

سوزانده همه چشم ها و بغض ها...

صدای شیهه اسب ها قطع شده است...

صدای نیزه ها خوابیده است...

صدای آب آب کودکان قطع شده است...

خبری از تشنگی نیست... اینجا روزهای راحت و فراغت است...

روزهای صلح و سلم...

و آرزوی همه این است هزار مرتبه در این راه شهید شوند...

تا به «فَمِنْهُم مَّن قَضَی نَحْبَهُ وَ مِنْهُم مَّن یَنتَظِرُ وَ مَا بَدَّلُوا تَبْدِیلًا» برسند... (سوره احزاب؛ ۲۳)

طوفان کربلا طوفان ابتلاست...

اینجا حایر حسینی است... همه بهشت اینجا جمع است..

ص: ۱۴۳

بوی باران می آید... بوی زیارت ناحیه... اینجا نمازت شکسته نیست... تمام است... اینجا دلت شکسته است...

این جا آغاز راه است...

راهی که بی پایان است... راهی که ادامه دارد...

از همین نقطه.

از اینجا که سلام ها شروع می شود...

همه سلام ها...

السلام علیک یااباعبدالله... و علی الارواح التی حلت بفنائک...

ص: ۱۴۴

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آيا کسانى که مى‌دانند و کسانى که نمى‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹